گاهی چشم خودرا بیرون می کشندویا سیخ های تیزچپرکت را به‌چشم خودمی درآرندتا نابینا شوند. گلوی خودراتوسط میله‌های آهنی یا سیم های چپرکت قطع میکنندوگاهی رگ های بدن خودرا نیزقطع می نمایندتا ازخون ریزی زیاد به‌هلاکت برسندوازعذاب دایمی نجات یابند.

کاردیگری که‌زندانیها برای تسکین عقده‌واحساسات خوددربرابرمظالم وشکنجه‌های حاکمان کمونیزم انجام‌می دهندوکارحیرت انگیزی میباشد، خال کوبی ونوشتن جملاتی دربدن به‌خصوص درپیشانی وسینه‌است. جملاتی را چون :(کمونیستها خونخوارانند)، (لینین جلاداست) (قربانی کمونیزم) وغیره‌همچومطالب را درسینه‌وپیشانی خودخال کوبی میکنند. البته‌که‌بااین‌عمل با زهم مجازات بیشترمیشوند. یکی اززندانیهای سپتس دردوران زمامداری خروشچف یک گوش خودرا بریده‌ورویش نوشته بود : (تقدیم به‌بیست ودومین کنگرهٔ حزب کمونیست) وبعداً آن را به‌محافظ زندان داده‌بود. هرگاه‌مجازات زندانی بالاتر از اطاق انفرادی وسپتس ها تشخیص داده‌شود، اورا بعد ازمحاکمهٔ دوباره‌برمدت حبسش می افزایندوبرای سپری نمودن چندسال بیکی اززندانهای روسیه‌نقل میدهند. شرایط زندگی، عذاب وشکنجهٔ زندانیان درزندانها به مراتب وحشتناکترازشرایط اردوگاههای کاراجباری و از اطاق های انفرادی وسپتس ها است.

اناتولی مارچنکوبعدازمحاکمهٔ دوباره‌دراردوگاه موردا وی به‌سه‌سال حبس دیگرمحکوم گردید و اورا برای سپری نمودن این سه‌سال به‌زندان ولادیمیرانتقال دادند. اوبرای خوبترترسیم نمودن حقایق وحشتناک که‌برزندانیان دراین‌زندان میگذرددرکتاب خوددرآغازبخش شرح وضع زندان ولادیمیروسرگذشت زندانیان جملهٔ راازگرپیابدوف نویسنده‌وشاعرروسی چنین می آورد :

« من حقایقی را بتو خواهم گفت که از هر دروغی وحشتناکتر است » گرسنگی برای زندانی ها در زندان بیش از حد تحمیل میشود. گاهی زندانی شب ها رگهای بدنش را می شگافد و لقمه های نان خشک را با خون که از رگها یش می آید تر میکند و میخورد. زندانیان به حیله های مختلف دور از چشم محافظین کاغذ و گوگرد تهیه میکنند، شب در اطاق ها اعضای تن خود را می برند، گوشت ران، گوشت شکم، دست و انگشتان خود را در ظرف ها سرخ میکنند و میخورند.

به مریض های روحی و دیوانه ها هم رحم نمی شود. مارچنکو میگوید: « من در زندان ولادیمیر مریض روحی را دیدم که دایم مواد فضلهٔ انسانی را از بدر فت های میگرفت و با نان خود مخلوط نموده میخورد و آنرا پیش دهن هر کس می بُرد و اصرار میکرد که او هم بخورد. اما حاکمان کمونیست او را سالهای سال بدین وضع در زندان نگهداشتند) واقعاً که جنایات کمونیزم در تاریخ انسانی نظیر و مانندی نداشته است و جز قلب های کثیف و وجدان های مرده و بی احساس پیروان مکتب حیوانی کمونیزم دیگر انسانی در برابر همنوع خود چنین عملی را مرتکب نمی شود. با یدگزندگان صحرا و درندگان جنگل ها وحشت و درندگی را از کمونیست ها بیاموزند خوانند ه! تشویش مکن، مبالغه نیست. میلیون ها مردم افغانستان به چشم سر دیدند و شاهد هستند که سگها و گرگهای درنده هنگام بمبا ردمان وحشیانهٔ طیارات روسی و آتش بی امان مسلسل ها، توپ ها و تانک های سر بازان انترنا سیونالیست کمونیزم !! درندگی خود را فراموش کرده و از وحشت و هراس در گودال و مغاره ها در پهلوی انسان ها پنهان شده اند. بر علاوهٔ آنکه زندانیان اردوگاه به انجام ندادن سهمیهٔ کار خود به اطاق های انفرادی وسپتس ها میروند. با پوشیدن لباس شخصی نیز چنین مجازات ها را می بینند مکاتبه در اردوگا هها با اقارب محدود است و همه نامه ها مورد سانسور و مطالعهٔ مأمورین کی جی بی قرار میگیرد

محافظین اردوگاه هرروز اطاقها وچپرکتهای زندانها را تلاشی میکنند واگر لباس شخصی هم آنجا یافتند، نیز زندانی را مجازات میکنند.

زندانی در اردوگاه بعد از سپری نمودن نصف زمان محکومیتش آنهم درصورتیکه هیچنوع تخلفی چون کم کاری پوشیدن لباس شخصی، حضورنیافتن بدرس سیاسی، اعتراض به مأمورین و امثال آن از او سرنزده باشد میتواند در یکسال بوزن بیست کیلو مواد از اقاربش دریافت کند، ولی اکثر آین مقررات هم رعایت نمی شود وفقط اگر مأمورین کی جی بی لطف وتوجه به زندانی نمایند از چنین امتیازی بهره مند میشود وجلب توجه وهمکاری مأمورین کی جی بی تنها در تملق، جاسوسی وفرومایگی میسراست که زندانی از خود نشان دهد.

زندانی ها در اردوگاه ها شدیداً استثمار میشوند، کار طاقت فرسایی را درمزرعه، درفابریکه واعمار ساختمانها انجام میدهند، اما محصولش را حاکمان ستمگروخون آشام کمونیزم میخورند.

مارچنکو میگوید: ((وقتی من آزاد شدم، درشهر مسکو پیش روی هرمغازه ودکان ناگهان توقف میکردم ونظرم را اجناس واشیای بخودجلب میکرد که توسط زندانیان در اردوگاه ها ساخته شده بود. میزلاک الکلی، جعبه های تلویزیونهای (دادی ـ و)، (یوگدونا) و (ملودیا) را میدیدم. تلویزیونهای که به قیمت عرق جبین، سلامتی زندان افرادی توقف سالیان طولانی درزیربرف وباران ودرمحل تقسیم کاروغذا تمام شده است، وقتی بروی جعبه های تلویزیون نگاه میکردم، قیافه فرزندانی با سرتراشیده، چهرهٔ زردو لاغربانیم تنهٔ سیاه درپیش چشمانم مجسم میگردید.)

تعلیم و آموزش در اردوگاه ها:

درکلیه اردوگاه های کاراجباری شعبهٔ بنام آموزش

سیاسی وجود دارد. این شعبه برای زندانیان در بخش به اصطلاح هنر چون رقص و خواندن و ورزش و آموزش درس های سیاسی ماموریت دارد.

زندانیها مجبور هستند در کنسرت که توسط شعبه آموزش سیاسی تهیه و ترتیب میشود اشتراک کنند. آواز خوان هم باید از میان خود زندانی باشد. در کنسرت فقط ترانه های که از حزب کمونیست و لینن مداحی نماید خوانده می شود. اندکترین خنده و تمسخر به ترانه ها و یا عدم حضور زندانی با مجازات روبرو میشود. هیچ زندانی با میل و رغبت خود تمایل به شنیدن کنسرت ها را ندارد. چگونه میتواند زندانی با رغبت و خوشی مدح حاکمان را که در زیر شلاق شان قرار دارد بشنوند؟!! سفاکی و بی رحمی کمونیزم را زندانیها نه تنها که به چشم سر می بینند بلکه به جسم و جان خود متحمل میشوند. خواندن ترانه ها ئیکه از عدالت حزب کمونیست و لینین حرف بزند شنیدنش برای زندانی واقعاً خسته کن و دل خراش است که به اضافهٔ زجر گرسنگی که زندانیان بآن دچار هستند. بناءً کنسرتها و اجرای کارهنری شکنجهٔ شدید روحی برای زندانیان است.

کار ورزش هم زجری بدتر از کار به اصطلاح هنری است که بدوش زندانیان گذاشته میشود. در کار ورزش که بیشتر آن را دویدن و خیزگرفتن تشکیل میدهد، مریض ها و پیرد مرد های ضعیف و ناتوان هم معاف نمی شوند. آنها مجبور اند برای خوشی مامورین کا جی بی بدوند و خیز بگیرند.

کار دیگر شعبهٔ آموزش سیاسی، دادن درس سیاسی در هفتهٔ یکروز برای زندانیان است. درس سیاسی توسط افرادیکه دارای سواد کافی هستند ارائه میشود. آنها از روی نوشته های که برای شان تهیه شده به زندانیان مطالب درس را قرائت میکنند. مطالب درس سیاسی فقط تشریح قهرمانیهای حاکمان کمونیزم و توضیح فلسفه و مرام مکتب

کمونیزم است . عدم حضورزندانی دردرس سیاسی مجازات شدیدی را بدنبال دارد . ازمحروم نمودن زندانی در تسلیم شدن اموال وموادکه اقارب بیاوردتا خریداری موادازغرفه انداختن به اطاق انفرادی وسپتس ها و تمدید زمان حبس ونقل به زندان ها شامل میشود .

دردرسهای سیاسی، کمونیزم را بعنوان یگانه مکتب فکری که سبب نجات انسان وتأمین عدالت اجتماعی میشود معرفی میکنندبه زندانیان میگویندبه کمونیزم علاقه بگیرند ، بهلینین عشق بورزند ، صداقت وعدالت واخلاق را درخودپرورش دهندورعایت کنند . آنها ئیکه به زندانی ها درس صداقت واخلاق میدهندولی خودگاذب ترین وبد اخلاق ترین انسانها هستند . همه مامورین زندان ها وتحقیق کنندگان زندانیها به متهمین ومحکومین رکیک ترین دشنام را نثار میکنند . زنهای زندانی هم ازدشنام های مامورین دامان نمی مانند . مارچنکو می نویسد :((روزی دراردوگاه پیرمردی زندانی را رئیس اردوگاه به اطاق خود احضار کردتا اورا تحقیق نماید . رئیس به پیرمرد گفت : آیا خدمت زنت رسیدی ؟ پیرمردبعدازتوقفی جواب داد : حالا که پیرشده ام . رئیس گفت اگرخودت نمی توانستی مرا صدا میکردی . پیرمردگفت : زنم نیزپیراست . رئیس به اوگفت مانعی ندارد که پیرباشد)) .

این است شرافت واخلاق کمونیست . آنهای که به زندانی ها درس اخلاق میدهندولی خودچنین بداخلاقی، فرومایه وفضول هستند .

بسا اوقات مدرسین آموزش سیاسی که همه اعضای کی جی بی هستندتوسط زندانیها به مسخره واستهزاء روبرو می شوند . وقتی آنها ازتحقق حقوق زحمتکشان ورسیدن آنها به رفاه وسعادت ، درسایهٔ حاکمیت کمونیزم حرف میزنند از طرف زندانیان سوال پیچ میشوند ، مباحثه صورت می گیرد ومدرس لا جواب مانده مسخره میگردد . زندانی ها می

خندندوفریاد می کشندبس است . بس است . آگاه شدیم ، آگاه شدیم وآنگاه درس پایان می یابد . اما نتیجه اش جز افزودی برمحکومیت ها چیزی دیگری نمی باشد . همان ترتیب که سالژه نیتسین نویسنده ٔ روسی زمانی محکوم در اردوگاه کار اجباری بودبا یکی ازمامورین بلند رتبه ٔ (کی جی بی) دراردوگاه به بحث پرداخت وبه جواب این گفته ٔ مامورکه دودخترم کتاب تراخواندندومرتب مرازیر سوال واعتراض میکشند . آنها راخواستم که به خوشی قناعت بدهم نتوانستم ولی بعداً کتابت رابه بخاری انداختم ، چنین گفت :

« بلی ! شما همیشه یک راه حل قاطع دارید ، کتاب رابه بخاری وما رابه اطاق های انفرادی وسپتس ها می اندازید . »

نابودی کشور پاکستان هدف استراتژیکی روسهاست

اول ثور ۱۳۶۸ هـ ش

روس ها درقدیم الایام مردمی بودندکه درقسمت شرق اروپا درسرزمین محدودوکوچکی زندگی میکردند. گاهی موردتهاجمات نیروهای خارجی قرارمیگرفتند وگاهی هم دولت های مستقل راازخودتشکیل میدادند.

اقتدارو شهرت روسیه ازسال ۱۶۱۳ میلادی ببعد، وقتی آغازمی شودکه "میشل رومانوف "سرسلسلهٔ خاندان تزارها به سلطنت آن کشوررسید. رومانوف درتوسعهٔ قلمروخودباشغال وانضمام مناطق همسایه به خاک اصلی روسیه تلاش زیادنمود.

سلطنت اولاده های رومانوف یا تزارها تا سال ۱۹۱۷ میلادی که سال بدحاکمیت رسیدن بلشویک ها است، ادامه یافت وروس ها دراین مدت راه خودرا در میان سایرکشورهای استعمارگراروپایی بازکردند وبرای ایجادیک امپراطوری بزرگ بادیگرکشورهای استعمارگرخاصتاً باانگلستان به رقابت پرداختند. انگلیس ها بنابرموقعیت جغرافیایی شان که محاط به بحربودند، توانستندبه سرعت وآسانی، نفوذ وتسلط استعماری خودرا برکشورهای دنیا قایم سازند. واما روس ها چنین موقعیت مساعدی را نداشتند، آنها

ازراه بحری خاصتاً ابحار مناطق استوایی که بحر هند موقعیت عمده‌ء را از این نقطه‌ء نظر دارا است، صد ها و هزارها کیلومتر فاصله داشتند. سرحدات شمالی روسیه که به بحر می انجامد به نسبت سردی و یخبندان بودن قابل استفاده نبود. رسیدن روس ها از طریق سرحدات غربی به بحر نسبت موجودیت کشورهای نیرومند اروپایی مشکل بود و در سرحدات جنوب هم مشکلاتی وجود داشت. بناءً روس ها از زمان حاکمیت رومانوف بعد در تلاش شدند تا از طریق جنوب امپراطوری خودرا توسعه بدهند تا اینکه سرحدات طبیعی خودرا به بحر هند برسانند. اگرچه روسها از توسعهٔ قلمرو خود بسوی شرق وغرب نیز خودداری نکردند سه کشور مستقل لیتوانی، استونی ولیتویه را درغرب وچند جزیره‌ء مربوط به جاپان وچین را درشرق چه در دوره‌ء حاکمیت تزارها وچه بعداز آن (حاکمیت بلشویک ها) اشغال وضمیمهٔ خاک خودساختند.

رسیدن وتسلط به بحر هند برای روسها از سه نقطهٔ نظر اهمیت داشت. اول اینکه بحر هند در طول سال قابل کشتی رانی واستفاده است. درقدم دوم بحر هند از لحاظ موقعیت خود خیلی مهم وبا اهمیت است چه با تسلط به بحر هند، روس ها می توانند به تمام کشورهای دنیا در پنج قاره به آسانی نفوذ نموده ومسلط گردند و سوم اینکه بحر هند و مناطق همجوار آن که شرق میانه را در بر می گیرد با داشتن منابع وذخایر طبیعی از لحاظ اقتصادی اهمیت مهمی را دارد. بناءً تسلط به بحر هند وقرار گرفتن آن سرحد طبیعی امپرا-

طوری روسیه‌پلان عمده‌واستراتژیک روس‌ها ازصدها سال قبل به‌اینطرف بوده‌است. چنانچه‌جنرال سوبولوف ازصاحب منصبان عالی رتبهٔ روسیهٔ تزاری در ماه‌می سال ۱۸۸۸میلادی درجریدهٔ نظامی موسوم به "روسکایا ستارینا" نوشته‌بود:

"حقایق منطقی وتردیدناپذیر، نشانهٔ آن است که آن فرصت رسیده‌تا سرحدات طبیعی هندوستان، سرحدات روسیه‌راتشکیل بدهندوشهرهرات هم‌جزوقلمرو روسیه‌گردد."

روسیهٔ تزاری باچنین هدف استراتژیک اقدام به‌توسعهٔ امپراطوری خود وازطریق سرحدات جنوبی نمودماقبل ازاینکه‌به‌بحرهندبرسدانگلیس‌ها به نسبت موقعیت مساعدی که‌قبلا" اشاره‌کردیم تسلط استعماری خودرابرنیم‌قارهٔ هندقایم‌نمودندوبرای جلوگیری ازپیشروی روسیه‌به‌طرف بحرهند، افغانستان رانیزچندبارموردتجاوزقرارداده‌ودراشغال خوددرآوردندتامانعی دربرابرپیشروی‌روسیه بطرف جنوب ورسیدن به‌بحرهندباشد. بااین هم روسیه‌درهدف استراتیژیک خودتغیری وارد نکبرد وتلاش خودرابابکاربردن نیروونیرنگ ادامه‌دادبا اشغال وتحت‌نفوذ درآوردن مناطق مسلمان نشین آسای میانه خودرادردستیابی به‌این هدف نزدیک ساخت.

درسال ۱۹۱۷ میلادی که‌حکومت روسیه‌بدست بلشویک ها (کمونیست ها) افتیدءآنها هم مطابق پلان واهداف حاکمان تزاردرجهت توسعهٔ امپراطوری

روسیه خاصتا "از طریق سرحدات جنوبی برای رسیدن به بحرهند وارد عمل شدند، حاکمان بلشویک روسیه با آنکه حاکمیت خودرا تحول وانقلاب بزرگی معرفی کردند و سنگ حمایت از زحمتکشان و مردم تحت ظلم و استعمار را به سینه زدند اما در عمل برای ادامه سیاست تزارها در ایجاد امپراطوری بزرگ روسی و رسانیدن سرحدات طبیعی روسیه به بحرهند دست به هرنوع دسیسه وجنایت زدند.

لنین حاکم بلشویکی روسیه به امان الله خان شاه افغانستان وعده داد که آزادی بخارا وخیوا را به رسمیت بشناسد. اما نه تنها که آزادی این دو کشور مستقل را به رسمیت نشناخت بلکه سرزمین های پنجده روشان وشغنان را که جزو قلمرو افغانستان بود ضمیمهٔ خاک روسیه ساخت. روس ها بعدا "هم انواع دسایس را دربرابر افغانستان بکار بردند تا با تسلط بر آن هرچه بیشتر به بحرهند نزدیک شوند.

صدق وثبوت این ادعا نیازی به تفصیل وتوضیح ندارد. پیشروی روس ها بسوی جنوب، اشغال مناطق آزاد واسلامی آسیای میانه چیز پوشیده و قابل انکاری نیست واشغال افغانستان را امروز همه بچشم سر می بینند، دولت ها، ملت ها وتاریخ همه شاهد هستند.

روسیهٔ بلشویکی برای اشغال افغانستان در آینده ونزدیک شدن به بحرهند مصروف طرح وتطبیق دسایس بود که نیم قارهٔ هند از زیر یوغ استعمار انگلیس به استقلال رسید ومتصل به آن کشور مستقل

انسانها از قانون برحق الهی بوده است که چنین افرادو گروه ها درطول تاریخ برای جلوگیری از تحقق حاکمیت قانون خدا ممانعت ایجاد کردند ، دربرابر آن به مخاصمت برخواستند و به میل وخواهش خود بمنظور تاءمین منافع وبسط سیطره و حاکمیت خویش افکار مختلف وقوانین گوناگونی را درجامعه بوجود آوردند و برای تحقق آن جنگ های خونینی را براه انداختند واین عمده ترین عامل دربروز و وقوع جنگ های متعدد وخونین میان جوامع انسانی بوده است . البته توضیح فوق الذکر این مطلب را روشن میسازد که جنگ ها درطول تاریخ از لحاظ ماهیت وکیفیت بصورت کل دوگونه بوده اند . یکی جنگ برحق مقدس ، انقلابی وهدفمند که به منظور دعوت الی الله و حاکم ساختن قانون خدا صورت میگیرد ویا جنگی که در دفع ظلم وتجاوز نیروهای ظالم وطغیانگر بوقوع می پیوندد . عامل این جنگ هم درحقیقت نیروهای ظلم وکفر است که دربرابر تحقق عدالت وتاءمین سعادت انسان مانع ایجاد می کنند و برای برآورده ساختن خواهشات ظالمانه و مستکبرانهء خوددست به تجاوز میزنند . ونوع دوم ، جنگ باطل ، ظالمانه وتجاوزگرانه است که توسط پیروان شیطان ، نیروهای کفر

وآزادپاکستان برای مسلمانان نیم قاره تشکیل گردید. روس ها ازبمیان آمدن کشورپاکستان سخت متاءثرومصیبت زده شدندوپاکستان رانه تنها مانعی دررسیدن خودبه بحرهندمیدانستندبلکه ازبمیان آمدن وحدت پاکستان وافغانستان درآینده به اساس عقیدهء اسلامی احساس خطرمیکردند.زیرا دراین صورت امکان قیام مسلمانان تحت اشغال روس ها درآسیای میانه ودرنتیجهء آزادی آنها ، زمینهء ازهم پاشیدگی امپراطوری روسیه بوجودمی آمد و آرمان توسعهٔ سرحدطبیعی امپراطوری روسیه تا بحرهندبه خاک مدفون میگشت . پس روسها ، هم برای توسعهء امپراطوری خودتا بحرهندوهم برای حفظ قلمروامپراطوری ، محوونابودی کشوراسلامی پاکستان را هدف عمدهء استراتژیکی خودقرا ردادند وبرای دستیابی به این هدف دسایس خودرا به شکل وازسه طریق بمرحلهء اجراگذاشتند.

دسیسهء اول روس ایجاددشمنی میان دوکشور اسلامی پاکستان وافغانستان ازطریق دامن زدن موضوع به اصطلاح پشتونستان بوده است وواقعا "یکی ازعوامل اصلی وعامل نهایت قوی که درنتیجه روسها به افغانستان نفوذکردندوکشورما را وابسته ساختندتا اینکه کمونیزم رشدنمودوبه حاکمیت رسید، همین مسئلهء به اصطلاح پشتونستان بوده است . در طول شصت سال اخیرموضوع پشتونستان فقط توسط مزدوران روس دامن زده می شدوباطرح این دسیسه حکومات فاسدافغانستان درترس ازپاکستان نگهدا

شته‌شدندوبرای نجات از این ترس کورکورانه‌درآغوش روسها رفتندوبه‌دامن آنها افتیدند. رویدادها و واقعات مستندوانکارناپذیرتاریخی از زمان شاه امان الله تا حاکمیت کمونیست ها به‌بسیاروضاحت و تفصیل این مطلب را ثابت می نمایدکه‌این مقالهٔ کوچک گنجایش تشریح وتوضیح آنرا ندارد.

دسیسهٔ دومی، دوستی دایمی روسیه‌با هند و تحریک حاکمان هندی برعلیه‌پاکستان بوده‌است که این امرسبب چندجنگ خونین بین پاکستان وهندوها گردید. ودسیسهٔ سومی تجزیه‌نمودن خاک پاکستان بودتا زمینهٔ محوکامل کشور پاکستان ازنقشهٔ جغرافیایی دنیا بوجودبیاید. چنانچه‌بنگله‌دیش به اساس همین دسیسه‌ازپیکرپاکستان جداگردید.

روس‌ها با استفاده‌ازاین سه‌مشکل وسه‌شیوهٔ متذکره‌میخواهندصوبهٔ بلوچستان وصوبه‌سرحدرا بنام پشتونستان وبلوچستان ازپاکستان جدا ساخته وضم افغانستان نمایندکه‌بعداً جزوامپراطوری شان خواهدبودودراین صورت پلان رسیدن سرحدامپراطوری روسیه‌به‌بحرهندتحقق می یابدوتوازن قدرت هم به نفع روس‌ها تغیرمیخوردوامپراطوری روسیه یک امپراطوری جهانی

میگردد. وصوبهٔ سندوپنجاب را هندوها اشغال نمایند وضم خاک خودسازندوبه‌این شکل کشوری بنام پاکستان ازنقشهٔ جغرافیایی محومیشود.

اکنون روسها درهمسایگی کشورپاکستان خودرا

رسانیده‌اند، با بکاربردن انواع دسایس کمونستها را در افغانستان حاکم ساختند و در پاکستان مزدوران و دست نشاندگانی را برای استفاده آینده خود بمنظور اشغال سرزمین پاکستان تربیه نموده اند. حاکمان هندی را که بصورت دایم در دشمنی با پاکستان نگهداشته اند، اکنون باز هم در مرحله تهاجم علیه پاکستان آماده می کنند و این خطر بالقوه و بالفعل است که پاکستان را در معرض تهدید و نابودی قرار داده است پس چه چیزی میتواند این خطر را از پاکستان دفع کند؟

آیا زبان دیپلوماسی روسیه که فریاد احترام به آزادی پاکستان و عدم مداخله در امور داخلی آنرا سر دهد میتواند در برطرف ساختن خطر نابودی پاکستان قابل قبول باشد؟!!

آیا عقد قرارداد با دولت کمونیستی کابل/در مذاکرات ژنیوا می تواند منافع ملی پاکستان را حفظ و خطر تهدید و نابودی پاکستان را رفع نماید؟!!

پاکستان در رفع این خطر چگونه می تواند اطمینان حاصل کند؟ به زبان دیپلوماسی و تعهدات روس ها اعتماد می کند و یا عملکرد گذشته روسیه را که در برابر همسایگان جنوبی خود انجام داده اند محک و معیار صداقت و اخلاص روس ها قرار میدهد؟

پاکستان برای معیار قرار دادن هر کدام این دو موضوع می تواند به تاریخ نه چندان گذشته برگردد فقط تاریخ شصت سال اخیر را ورق بزند، حتی حاجت

تکلیف به ورق زدن تاریخ هم نیست، همین اکنون به سوی مرز شمال وشمال غرب خود ببیند که سیلاب ویرانگر سرخ چگونه ایستاده است!

این سیلاب از کجا آمده است از هزارها کیلومتر دورتر از پاکستان! از آن سوی مرز چند مملکت آزاد ومستقل که هستی شان، استقلال شان، حاکمیت ملی شان، تمامیت ارضی شان ارزش ها ومقدسات دینی شان پایمال تجاوز واشغالگری روسیهٔ ملحد وغارتگر گردید.

چه چیز توانست در آن مناطق مانع تجاوز، اشغال وویرانگری سیلاب سرخ کمونیزم گردد؟

آیا لنین بعد از حاکمیتش آزادی بخارا وخیوا را وعده نداده بود؟

آیا زبان دیپلوماسی روسیه، اشغالگری وتوسعه طلبی، تجاوز ومداخله را در کشور مستقل وآزاد دیگری تحت هر نام وبهانه یی محکوم نمی کند؟

آیا روس ها خود را حامی ومدافع مردم زحمت کش وکارگر ونهضت های آزادیبخش ضد استعماری وامپریالیستی معرفی نمی کنند؟

پس چرا سرزمین همسایه های آزاد ومستقل جنوب خود را اشغال کردند وضم امپراطوری خود ساختند؟

چرا به افغانستان مسلمان وآزاد هجوم آوردند وحکومت ملحد ودست نشاندهٔ خود را در کابل نصب نمودند؟

سیلاب سرخ کمونیزم وروسیهٔ وحشی وجهانخوار

که میخواهد سرحدات طبیعی امپراطوری خودرا تا بحر هند دامنه بدهد ده سال است که در کشور همسایه و در بدبوار پاکستان با تمام ویرانگری های خود ایستاده است. این سیلاب ویرانگر و مدهش در دامنه های هندوکش وسلیمان فقط با قربانی یکنیم ملیون شهید ملت مسلمان افغانستان شده است نه توسط مذاکرات دیپلوماتیک وامضا نمودن ورق های بی مفهوم و بی محتوا در بالای میزها. اگر این سد، ویران شود سیلاب ویرانگر سرخ از ارتفاعات هندوکش بلند شده وبه سرعت سوی دشت های هموار پاکستان سرازیر میگردد و آنگاه قرارداد ننگین ژنیوا که صدر اعظم پاکستان به رهبران احزاب سیاسی کشورش گفته بود که منافع ملی پاکستان در مذاکرات ژنیوا از اولویت خاص برخوردار خواهد بود، قادر به جلوگیری آن نمی باشد و با سرازیر شدن سیلاب سرخ به پاکستان پاکستانی باقی نمی ماند که منافع ملی اش حفظ گردد.

راه دفع خطر بالقوه و بالفعل که پاکستان را در معرض نابودی قرارداده است فقط حمایت برادرانه، مخلصانه و راستین پاکستان از جهاد اسلامی افغانستان تا سرحد پیروزی جهاد و حاکمیت مجاهدین در افغانستان است.

اگر مجاهدین افغانستان با مقاومت و پایداری و باشهامت و دلیری خود علیه روسیه متجاوز و الحاد کمونیزم جنگیدند و با این ایثار بی دریغ و قربانی بی حساب خود کلیه خدا را عالی داشتند، بیرق

اسلام را پرا فرا شته نگهدا شتند ، عزت وسربلندی خود را حفظ نمودندوبرا ی آزا دی ومبا رزه علیه تجا وز و اشغا لگری ا سکتبا رکمونیزم در دنیا نمونه وسرمشق گردیدند ، کشورمسلما ن پا کستا ن هم درحما یت بی دریغ وشجا عا نه خودا زمجا هدین ومها جرین ا فغا نستا ن با تحمل تهدیدها وفشا رها صا حب ا فتخا رو عزت گردید .

کا فهٔ مسلمین دنیا ا زا ین شجا عت وشهامت پا کستا ن مسلما ن بمثا بهٔ ا نصا رمدینه تقدیر وتمجید مینما یند.

حفظ ا ین ا فتخا روسربلندی برا ی پا کستا ن ـ با زهم درا دا مهٔ حما یت شجا عا نه ، مخلصا نه وبی دریغ آ ن ا زجها دا فغا نستا ن نهفته است .ا ین ا مرنه تنها ما یهٔ ا فتخا رپا کستا ن خوا هدبودبلکه موجودیت پا کستا ن ومنا فع ملی پا کستا ن هم صددرصدوا بسته به پیروزی جها دا فغا نستا ن ا ست .

حما یت پا کستا ن ا زجهاگ ومجا هدین ا فغانستا ن درده سا ل جها دا گربخا طربهره برداری ومعا مله گری ما دی وسیا سی بوده با شدوا کنون با ا مضا ی قرار دا دژنیوا بخوا هددست روبه سینهٔ مجا هدین بزندو ا ز حما یت برحق جها دا فغا نستا ن دست بردا ردنه تنها که ا ین کا ریک خیا نت ننگین وفرا موش نا شدنی در برا برا سلام وملت مسلما ن وبا شهامت ا فغا نستا ن خوا هدبودبلکه خیا نت بزرگ دربرا برپا کستا ن وملت مسلما ن پا کستا ن نیزمیبا شد .

ا گردیروزحکوما ت فا سد ونا مسلما ن

ا فغا نستا ن به فریا دا برا هیم بیک مجا هد

قهرمان بخارا که گفت . « امروز بخارا فردا افغانستان» وقعی نگذاشت ، امروز پاکستان باید از آن حرف تاریخی عبرت بگیرد .

جهاد اسلامی افغانستان برای حفظ وسلامتی پاکستان درحقیقت نعمت بزرگی است که پاکستان باید قدر این نعمت را بداند و با اخلاص وراستی از آن حمایت بدارد و هرگاه خدا نا خواسته جهاد اسلامی افغانستان به شکست روبرو شود و سلطهٔ کمونیزم بر افغانستان استحکام یابد ، آنگاه پاکستان هم درزیر پاشنه های آهنین ارتش سرخ کمونیزم نابود خواهد شد .

دنیا باید این را بداند که ملت مجاهد افغانستان درا ستمرار روند ادوام جهاد برحق خود علیه تسلط و حاکمیت کمونیزم مصمم اند . ملت مجاهد افغانستان جهاد اسلامی خود را به دستور و هدایت پاکستان یا کدام کشوردیگری آغاز نکرده اند که اکنون با امضای موافقت نامه های بی محتوا و بی مفهوم در غیاب شان ، از ادامهٔ جهاد دست بردارند .

والسلام

هرات سرزمین قیام وحماسه ها

۲۴ حوت ۱۳۶۷ هـ ش

هرات درطول تاریخ کشورعزیزما سرزمین قیام وحماسه
بوده است وخاصتاً" حماسه آفرینی های هرات قهرمان
بعداز درخشش اشعهٔ تابناک دین مقدس وبزرگ اسلام
درپرتو الهامات جاویدان اندیشه های عالی وپر
ارج اسلام عزیز بیش از بیش راه خودرا دربلندترین
جایگاه تاریخ آزادی وقهرمانی میهن مان گشوده
است.

هرات سرزمین ماجراها، حادثه ها وخاطره ها
است حماسه ها وخاطره های عظیم که با سرخط زرین و
درخشان ثبت اوراق تاریخ گردیده است خاطره های
تابناک ودرخشان قهرمان مردان مجاهدش که در
برابر هرمتجاوز وغارتگر وسیطره جو با قامت راست
ایستادند وآزاد مردند، اما آزادی را نگذاشتند که
بمیرد.

هرات مهد علم است زادگاه فاضلان ودانشمندان
نامی تاریخ کشورما ست ،هرات گهوارهٔ فرهنگ وتمدن
اسلامی درمشرق زمین است. محصول دست های مردان
فاضل وهنرورش هنوز درمناره های بلند مساجد وآثار
کهن تاریخی اش درانظار جلوگیری مینماید وکاوش
های فاضل، مردان عالمش منبع معتمد ومعتبر همه

مسلمین به‌حساب میرود ،شهرتاریخی وزیبای هرات
درعهدسلطنت غوری ها دوازده‌هزاروسه‌صدوپنجاه
مدرسه وخانقاه وطعامخانه‌داشت که‌این خود
منعکس کنندۀ واقعی ازپیشرفت وتمدن بزرگ این
سرزمین است .

هرات سرزمین خون وشهادت است سرزمین که
درهروجب خودجسدآغشته‌بخون رشیدفرزندان مجاهدش
رادرآغوش داردودرهرقدمی نقشی ازوحشت دشمن
وخاطره‌یی ازرشادت وایثارگری فرزندان جهادگر
ورزمنده اش آشکاراست .

هرات سرزمین اندوه‌ها ومصیبت هااست .
مصیبتی‌که‌کافران ظالم ومتجاوزدرطول تاریخ به
این سرزمین زیبا وکهن تحمیل کرده‌اندسرزمین که
درگذشته‌ها چندبارباهمه‌مظاهرعلم وفضل وهنر
وفرهنگ وتمدن اش درآتش بیدادستمگران متجاوز
وتاراجگرسوخته‌است وسالهای درازدراندوه عظیمی
فرورفته‌وامروزنیزبخاطرویرانی های که‌کمونیزم
جنایتکار ووحشی براین خطۀباستانی وزیباآورده
است عزای بزرگی داردودرناله‌های ازغم‌ودردرنج
میکشدودرپای مزارفرزندان آزاده ومؤمنش خون
میگرید .

هرات کانون مقاومت وپایداری دربرابر
سیطره جویان ویغماگران نامسلمان وستمگرات تاریخ
بوده‌است‌مردم‌مجاهدومسلمان هرات دردرازای
تاریخ بابارها درمعرکه‌های جنگ نابرابربادشمن

نیرومند و مهاجم دست و پنجه نرم کرده اند و با

مقاومت و پایداری در برابر هجوم ها و یرانگری ها

وتاراج های طوا غیت زمان نه تنها که نام خود را و یاد

خود را بر تاریخ کشور ما ن جاویدانه ثبت کرده اند

بلکه درس بزرگ و سرمشق همیشگی را برای مظلومان

تاریخ در رفع ظلم وتجاوز ظالمان و یغماگران از

طریق قیام و مقاومت و جهاد و شهادت ارائه داشته

اند . خاطرهٔ رشادت ها و قهرمانی های مردم مجاهد

هرات در برابر تهاجم چنگیز اعظیم ترین و بی نظیر

ترین خاطره های است که در حافظهٔ تاریخ اسلامی

جاویدانه باقی خواهد ماند . باشندگان شهر تاریخی

هرات و دلیر مردان و شیرزنان سراسر هرات با بیشتر

ین مقاومت در برابر تهاجم وحشتبار سپاه یکصد و سی

هزار نفری چنگیز دو میلیون ششصد هزار تن شهید داده

اند ولی از مقاومت دست بر نداشته اند و ذلت تسلیم

شدن بدشمن را هرگز نپذیرفتند .

چکاچک شمشیر دلیر مردان هرات در مقابل

سپاهیان وحشی چنگیز که هفتصد سال از آن سپری

میگردد ، در انظار نسل کنونی مجسم میشود و الهام

مجاهدان کفرستیز امروز کشور میگردد که در سنگرهای

پاسداری از اسلام و آزادی در مقابل تجاوز و هجوم

کمونیزم شرارت پیشه و جنایتگر می رزمند .

خاطرهٔ قهرمانی های مجاهدان هرات در برابر

انگریزهای متجاوز در نبرد مشهور میوند که دو از ده

هزار سپاه انگلیس را تار و مار کردند و با این

وظلم برا ها تداخته می شود .بدین ترتیب عامل جنگ روشن می شودکه سرپیچی ازقانون خدا وپیروی ازهوی وهوس حیوانی وتجاوزوعصیانگری است که درا ثرآن جنگ بوقوع می پیونددخون ریزی های بی حسابی رخ میدهد .وبه هراندازه که انسانها وجامعهٔ انسانی بهقانون خدا متقادشوندو درچوکات امرالهی حرکت کنند، عدالت اجتماعی رعایت می شودوسعادت انسان ها تاءمین میگرددووقوع جنگ ازبین میرود. چنانچه درتاریخ اسلام می بینیم که بعدازبعثت حضرت محمدمصطفی (ص)ونفوذوحاکمیت اسلام درجزیرة العرب جنگ ها وکشمکش های چندصدسالهٔ جاهلی وقبیلوی بپایان رسیدومردم که قبل از اسلام فقط با نوک نیزه وشمشیربا هم حرف میزدند وروبرومی شدندبعدازاسلام چنان صفاء،اخلاص صمیمیت واخوت برقلب ها یشان حاکم گردید وباچنان وحدت واتحا دویکرنگی زندگی کردند که گویا یک لحظه هم میان آنها کشمکش وجنگی سپری نشده باشد.

آیا جنگ علم است؟

همان ترتیب که گفتیم جنگ پدیدهٔ است اجتماعی که ریشهٔ تاریخی آن به آغاز زندگی انسان برمیگردد ،بناءً منحیث یک پدیدهٔ اجتماعی

رشادت وقهرمانی خود در دومین جنگ افغان و انگلیس شکست قاطع را بر دشمن وارد نمودند حماسه های جاویدانی جوانان سنگرنشین کشور عزیز ما درجها دبا روس متجاوزاسته دردوران ماکه کشور درمعرض تجاوزوتهاجم نیروهای کفروغارتگر کمونیزم واقع شده وملت قهرمان افغانستان بار دیگر درعظیم ترین مرحلهٔ آزمون الهی وتاریخی قرارگرفتند مردم دلیرومجاهدهرات با زهم چون گذشته ها با قامت راست وبلند، با ارادهٔ آهنین و تصمیم تزلزل ناپذیروارد معرکه های مقاومت با متجاوزین وسلطه کفرکمونیزم شدند وبرشکوهمندی و عظمت تاریخ مجاهدت خویش افزودند روز (۲۴) حوت (۱۳۵۷) ازروزهای مهم وپرافتخار این مجاهدت است این روزنه تنها که ازروزهای پرافتخار مردم متدین وشجاع هرات درآغاز قیام خونین شان علیه کمونیزم وحشی بحساب میرود بلکه ازجمله روزهای شکوهمند وبا عظمت درتاریخ انقلاب اسلامی افغانستان است که درتاریخ پرشکوه انقلاب جایگاه عالی وبلندی رااتخاذ مینماید این روزدرتاریخ امروزوفردای اسلام وامت اسلامی بمثابهٔ عظیم ترین رویداد است که هرگز ازخاطرهٔ تاریخ فراموش نمی شود.

در (۲۴) حوت ۱۳۵۷ درست همان لحظاتیکه وحشت بیداد تره کی وامین برسراسرکشورما سایه افگنده بود وحاکمان نامسلمان وکافرهمچوحیوانان های درنده

ووحشی دیوانه وار در ودروازهٔ هر هموطن بی گناه ما را درقریه وشهر ، مدرسه ودانشگاه ودایره ودفتر می کشودند ودست مردمان مومن وبی وسیله را با تحقیر واذیت می بستند وکشان کشان به زندانها وکشتار گاه های میبردند ، درچنین لحظاتی کمتر زبانی جرأت صحبت برضد رژیم الحادی کمونیزم

راحتی درخفا وتنهایی داشت وکمتر فریادی علیه مظالم وبیداد نوکران استکبار سرخ بلند میگردید اندکه زمزمه دربرابر حاکمان نامسلمان وسفاک کمونیزم فقط زنگ خطری بودکه انسان را درسلولهای سیاه وهولناک زندان میکشاندورهسپار کشتارگاه های وحشتزایی میکردکه درگودال های متعفنی زنده زیرخاک میگردید .

آری ! درچنین لحظات خطیر وهولناک فریاد مردم قهرمان ودلیرهرات در (۲۴) حوت (۱۳۵۷) از حنجرهٔ ده ها هزار مردوزن شجاع ومتدین این سرزمین کهن درشهرزیبا وتاریخی آن علیه حاکمان سفاک و وحشی کمونیزم بلندگردیدوپایه های لرزان ستم وبیدادالحادکمونیزم را بشدت تکان داد .

قیام خونین (۲۴) حوت اولین فریاد دسته جمعی امت اسلامی افغانستان است که با آواز بلند وآشکار علیه حاکمیت کفرکمونیزم از حنجره مردان وزنان باشهامت وغیور هرات با مشت های گره خورده ویک پارچه سرداده شد .

قیام خونبار (۲۴) حوت برقلب های افسرده ونا

امید جوشش وحرکت آورد و چشم‌های بی فروغ ودردمند را منور وروشن ساخت وسرآغاز جهاد خونین وبرحق افغانستان اسلامی علیه کمونیزم ظالم وغارتگر گردیده این قیام یک حرکت مقطعی وموسمی نبود که بر پا شود وگذرا احساسات اوج بگیرد وبه زودی خاموش شود این قیام جنبش آگاهانه، حرکت عالمانه، فریاد مظلومانه وخشم انقلابی توده‌های وسیع مردمی بود که در پرتو ایمان وهدفمندی بی هراس ومصمم وارد صحنه شدند، وبا جذبه ایمانی وعشق اسلامی بیش از بیست وپنج هزار تن خود را سخاوتمندانه، قربانی آرمان وهدف بزرگی کردند، از این رو این خون های مقدس وعظیم همچون دریای خروشان وزها ب توفنده یی گردید که به زودی با سیلان انقلابی اش برسراسر کشور شور وانقلاب ایجاد کرد وپایه‌های لرزان وبی بنیاد حاکمان کافر وکمونیست را متزلزل نمود.

ویژه‌گی آگاهی ومکتبی بودن قیام بود که کشتار هولناک وننگین دشمن نتوانست اراده آهنین مردم مجاهد وباشهامت هرات را متزلزل گرداند و فریاد جهاد را خفه نماید وآتش بی امان مسلسل های پاسداران کفرستیز این دیار باستان را خاموش سازد، اکنون سنگرواران (۲۵) هزار شهید قیام خونین (۲۴) حوت دژ هرات باستان با ثبات ترین ومطمئن ترین سنگرهای برحق پاسداری وحراست از انقلاب اسلامی وارزش های مقدس اسلام عزیز در میهن محبوب

مان افغانستان است.

سنگرهای مجاهدان هرات باگذشت هرماه و سالی از آن قیام خونبار نیروی بیشتری میگیرند وتوانایی بهترکسب می کنندوگستردگی وسیعتر میابند.

آتش فروزان وخشمگین مجاهدان هرات باگذشت هر روزشعله ورتروفروزان ترمیگرددوبه حق که از خون (۲۵)هزارشهیدقیام (۲۴)حوت پاسداری دلیرانه و وصادقانه مینماید.

اما مسؤولیت بیشتروبزرگتربردوش کسانی است که دربیرون ازسنگرهای خون وآتش سپاهیان صدیق وهمیشه درسنگرخونین جهاد، ازخواست وآرمان آنها ترجمانی میکنندوسنگ تحقق حاکمیت اسلام را درسرزمین شهیدان وسنگرنشینان جان برکف به سینه میزنندا ین ها با این مسؤولیت درمسیردوراه ودوسرنوشت قراردارندوانقلاب اسلامی هم که به خون یک میلیون مسلمان مظلوم ومحروم کشوربه وجود آمده است نیزمحکوم همین دوسرنوشت است یا ازخود خواهی ها وخودبزرگ بینی ها کورخوانی ها وکور بینی ها ،هواها وهوس ها ،افراط وتفریطها ،میل ها وسلیقه های شخصی خودبخاطراسلام وپاسداری ازخون یکنیم میلیون شهیدپائین می آیندوبا سربلند داشتن وعزت دادن اسلام وآزادی ،سربلندی وعزت خودوملت خودرا تضمین میدارندوکشتی خونبار و طوفانی انقلاب اسلامی میهن محبوب ما ترا به ساحل نجات میکشندویا اینکه با انانیت وحسادت ،با

سایر آثار نویسنده

الف ـ آثار چاپ شده:

۱ ـ سیری در زندگی و سیرت خاتم النبیین (ص)

۲ ـ کمونیزم در افغانستان چگونه و چرا به حاکمیت رسید؟

۳ ـ شیوه های علمی جنگ در مقابله با روس

۴ ـ فتح کابل و سقوط رژیم کمونیستی

۵ ـ هشت مقاله

ب ـ آثار چاپ ناشده:

۶ ـ تاریخ سیاسی افغانستان در سیصد سال اخیر

۷ ـ سیری در زندگی و سیرت خلفای راشدین

۸ ـ کمونیزم به زباله دان تاریخ میرود

۹ ـ سر مقاله های «صبح پیروزی»

۱۰ ـ خیانت ها و جفاکاریهای دوستان

۱۱ ـ چهار شیطان

۱۲ ـ ولایت بغلان دریازده سال جهاد

۱۳ روزهای دشوار و غم انگیز

دورنگی ونفاق ،با بدبینی وخودخواهی با خودپرستی وزراندوزی وریاست جویی وبرتری طلبی وبا عدم پذیرش واقعیت ها وحقایق برخون صدها هزار شهید مظلوم افغانستان پا میگذارند که با موجودیت چنین حالتی قوت ونیرومندی انقلاب به ضعف وانحلال میرود ودشمن سفاک برمزار صدها هزار قربانی قهرمانان انقلاب اسلامی وبرروی ویرانه های اسفناک وغم انگیز افغانستان عزیز بیرق الحاد کمونیزم را در اهتزاز درمی آورد واگر مسئولین چنین فرصتی را به دشمن بدهند ،نفرین تاریخ ذلت ورسوایی آخرت را کمایی خواهند کرد .

فاعتبروا یا اولا الابصار) خاطرهٔ تابناک شهدای مظلوم (۲۴)حوت جاویدانه باد

علم‌ودانشی به‌حساب میرودکه‌همچوسایر علوم دیگربا گذشت عمرانسان درطول تاریخ‌تحول، انکشاف وتکامل نموده‌است. امافرا گرفتن وآموختن علم‌جنگ نسبت به‌هرعلم‌دیگرآسان بوده‌وبرای هرکس به‌سهولت میسراست. زیرا جنگ نتیجهٔ تجربه‌وعمل است وعلم‌جنگ را میتوان درجریان جنگ آموخت. دانش‌جنگی درصحنهٔ جنگ پدیدمی آیدوتکرارعمل جنگ درمعرکه‌های‌کارزار علم‌جنگ را غنی میسازد. ازین سبب آموختن وفراگرفتن علم‌جنگ تنها به‌افراد‌تعلیم‌یافته ومکتب رفته‌بستگی ندارد‌وازطرف‌دیگرتعلیم وتحصیل نظری درموردعلم‌جنگ هم‌نمیتواند سبب بمیان آمدن افرادقهرمان جنگی گردد. این مطلب درده‌سال جهادمسلحانهٔ افغانستان وضاحتاً"به‌اثبات رسیده‌است. جنرالهائی که یک عمردرمکتب وپوهنتون نظامی تحصیل کردند ودرقطعات نظامی اردش افغانستان رتبهٔ جنرالی گرفتندهیچ نقشی را نتوانستنددرجنگ برحق ملت مسلمان افغانستان علیه‌روس‌متجاوز ومزدوران نامسلمانش ایفاء نمایند.

امابرعکس افرادعادی وتحصیل نکردهٔ‌کشورکه یادهقان وکارگربودندویاچوپان ودریوروویا تجاروا هل کسبه‌ بعثا به‌ٔ قهرمانان بزرگ

وبی نظیرجنگی درجریا ن ده‌سا ل جها دمسلحا نـه
تبا رزنمودند .

تحول وا نکشا ف علم‌جنگ درتا ریخ زندگـی
ا نسا نـها ودرمیا ن جوا مع بشری بیشتردردومسٔله
صورت‌گرفته‌ا ست .یکی درا بزا روآ لات‌جنگـی
یا وسا یل ووسا ئط جنگ ودیگری درشیوه‌وتا کتیک
جـنگ .

درجنگ ها ی ا نقلابی وبرحق بیشترروی شیوه‌هـا
وتا کتیک ها ی جنگ تکیه‌میشودزیرا معمـولا"
نیروها ی ا نقلابی که‌به‌جنگ وارد میشونددرآغا ز
ضعیف‌ترا زنیروی طا غوتی وبا طل هستنـدوا ز
لحا ظ ا بزا روآ لات ووسا یل جنگی نمی توا ننـد
با نیروی با طل مقابله‌نما یندا زا ین روبیشتـر
به‌تا کتیک جنگ توجه‌می کنند .
درقدیم‌ا لایا م‌که‌ا بزا رجنگ خیلی ا بتدا ئی بـود
شیوه‌ها وتا کتیک ها ئی که‌درجنگ بکا ربرده‌میشد
نیزحا لت ا بتدا ئی وبسیط را دا شت ولی بعدهـا
که‌ا بزا رووسا یل جنگ ا نکشا ف یا فت درتا کتیک
ها وشیوه‌ها ی جنگ نیزتحولات وتغیرا تی پدیـد
آمد . ا فرا دجنگی مشخص شدند ،قطعا ت جنگـی
بوجودآ مد ،ا ردوولشکرجنگی ا یجا دگردیدوبـه
کا را طلاعا تی وجا سوسی ا همیت بیشتردا ده‌شـد .
ا ما عمده‌ترین وبا رزترین تحول که‌درتا کتیـک

جنگ بوجود آمد اینجا دسته ها وقطعات خورد و کوچک رزمی ومقابله با نیروها ی بزرگ ومنظم که در عین حال از لحاظ ابزار و آلات جنگ نیرو به مراتب برتری داشته اند ، به شکل مخفیانه و جنگ وگریز بوده است که این نوع جنگ امروز به جنگ چریکی یا جنگ گریلائی شهرت دارد و همین شیوه یگانه دانش وعلم جنگ های برحق وانقلابی را تشکیل میدهد که از دیرزمانی در انقلابات اجتماعی بکار برده میشود و دارای اصول وقوانین مشخص میباشد . البته این نوع جنگ ویا جنگ به این شیوه و تاکتیک برای بار اول توسط پیغمبر اسلام حضرت محمد مصطفی (ص) مورد استفاده قرار گرفته تشکیل قطعات کوچک نظامی بعد از هجرت پیغمبر اسلام (ص) در مدینه که بنام سریه یاد میشود ، حملات غافلگیرانه و سریع قطعات در مقابل کاروانهای دشمن و بعداً "تعقیب چنین روش در طول غزوات علیه دشمنان اسلام شیوه ها و تاکتیک هائی بوده که امروز از آنجام آن روش ها را در جنگ بنام چریکی یاد می کنند و بعداً "مسلمانها چه در دعوت اسلامی وچه در دفاع علیه تجاوزکاران متجاوزواشغالگر از روش جنگ چریکی استفاده کردند . چنانچه امام شامل وسایر مسلمانان در آسیای میانه در مقابل تزارها و بلشویک ها ، امیر عبدالقادر

جزایری درالجزایر برضد فرانسوی ها و مردم مسلمان افغانستان و پاکستان علیه استعمار انگلیس از جنگ های چریکی استفاده کردند. این مطلب را باید جدا" درنظر داشت که وداننش جنگ و اصول وقواعد جنگی با بهای بسیار سنگینی درمقایسه با هر علم دیگری بوجود آمده است زیرا هر دانش، هر تجربه و هر اصول و اسلوب جنگ محصول خون های بی حساب ریخته شدهٔ افراد انسانی است که در معرکه های کارزار جان های خود را از دست دادند و بز قوانین ودانش جنگ افزودند. از این رو رعایت قوانین وقواعد جنگ بصورت منظم ودرست درکلیه حرکات جنگی امر مهم وضروری بوده واز یک طرف قایل شدن بهائی به خونهای ریخته شده بحساب میرود واز طرف دیگر پیروزی را در جنگ سریع وقطعي میسازد و در غیر آن با عدم رعایت قوانین پرقیمت علم جنگ که کم بها دادن به خون های ریخته شده است، پی آمدی جز ناکامی وشکست چیز دیگری ندارد.

عوامل مؤثر در پیروزی و شکست جنگ:

جنگ مثل سایر رویدادها و پدیده های اجتماعی متشکل از یک سلسله عوامل اند که آنها شرایط

عمومی جنگ یا وضع کلی جنگ را تشکیل میدهند. بهمان ترتیب که هرحادثه و هر رویداد اجتماعی را نمیتوان بصورت تنها و مجرد از تاثیرات یا عوامل مطالعه کرد. جنگ را هم نمیتوان بدون ارتباط و تاثیر عوامل مختلف بصورت تنها و مجرد مورد مطالعه قرار داد و همچنان جنگ تک عاملی نیست. یعنی تنها عامل موثر در پیروزی وشکست یک عملیات جنگی به یک عامل خلاصه نمی شود بلکه پیروزی وشکست در جنگ ناشی از تاثیر عوامل متعدد و مختلف میباشد.

عواملی پهلوی هم قرار گرفته که جنگ را میسازند، سرنوشت جنگ را تعیین می کنند، شکست و پیروزی را در جنگ تشکیل میدهند و آن عوامل به شکل عینی و مشهود وجود دارند که در زمان جنگ تاثیر و ارتباطات با همی آنرا بصورت واقعی باید ارزیابی کرد نه آنکه در ارزیابی آنها به وهم وگمان و احتمالات روی آورد.

عوامل متعددیکه در جنگ اثر و ارتباط دارند وآنرا شرایط عمومی یا وضع کلی جنگ میگویند عبارت است از:

- درنظر گرفتن رابطه میان خود و دشمن از طریق اطلاعات درست. یعنی اینکه دشمن از هر لحاظ باید شناخته شود، چه از لحاظ نیرو و تجهیزات، چه

ازلحاظ اقتصادی وتوانائی مالی وچه ازلحاظ روحیه ومعنویت جنگی وچنین شناخت راازخود نیزداشته باشیم. شناخت اوضاع سیاسی وبین المللی وتاثیرمثبت ومنفی آن برسرنوشت جنگ، شناخت ودرنظرداشت موقعیت ومساعدت اراضی، دسته بندی افراددرصفوف جنگ، کدام طبقه افراددرکدام قسمت جبهه (خط مقدم، وسطی، عقبی، کارهای تنظیمی، تشکیلاتی سازماندهی وغیره) جابجاگردند. پلان گذاری دقیق درعملیات جنگی، اکمالات درجنگ، شناخت زمان مساعدوتاثیرآن درجنگ، تنظیم نیروهای جنگی، شناخت زمان مساعدوتاثیر آن درجنگ، تنظیم نیروهای جنگی درتشکیلات منظم ودقیق، بسیج عمومی درصفوف جنگ، بکار انداختن توده مردم اعم ازاقشارمختلف در حالات انقلاب وقیام عمومی مسلحانه وغیره مسایل دیگری که به شکلی ازاشکال برسرنوشت جنگ اثر مثبت ویا منفی میگذاشته باشد.

اصول و اساسات جنگ:

همان ترتیب که هرپدیده، هرحادثه وهررویداد اجتماعی وغیراجتماعی متشکل ازیک سلسله اصول واساساتی میباشندکه تشکیل، موجودیت

وبقای آنها روی آن اصول واساسات استوار است، جنگ هم از این قاعده مستثنی نیست. هرعلم قواعد مشخص وفورمول مختص به خودرا دارد. برای ساختن یک خانه مواد اساسی چون وسایل کار، خشت ومصالح تعمیراتی ضرورت است که بدون آنها نمیتوان خانه را تهداب گذاری کردو اعمار نمود. برای آموختن علم ریاضی باید فورمول ریاضی را دانست وبرای آموختن یک لسان فراگیری الفبای آن لسان ضروری است. علم جنگ نیز از خودقواعد مشخص واسلوب معینی دارد که عمل جنگ براساس وبنیاد آن قوانین استوار است وبکارگرفتن آن قوانین بصورت درست ومنظم نقش مهمی را درپیروزی ایفاء می کند وبرعکس نادیده گرفتن قوانین جنگ وعدم استفاده از اسلوب های علمی جنگ درعمل وحرکت جنگی سبب شکست میگردد.
عمدتاً شش اصل مهم وبنیادی هستندکه درحقیقت قواعدوقوانین کلی واساسی جنگ را میسازندو وقوع جنگ وپیروزی وشکست درجنگ برروی آنها استوار میباشدکه آنها عبارتنداز:

- نیروی بشری:

نیروی بشری عبارت ازافرادی هستندکه

جنگ را برا ه می ا ندا زند ،جنگ را رهبری‌میکنند، وسا یل ووسا یط جنگ را به‌کا رمی ا ندا زند ،برا ی جنگ پلان ونقشه‌می ریزند ،جنگ را سا زما ن میدهندودرمجموع همهٔ ا فرا دکه‌دررا بطه‌با جنگ کا ری را ا نجا م‌میدهند ،نیروی بشری گفته میشوند .

نیروی بشری درجنگ هم‌ازلحا ظ کیفی درنظرگرفته میشود ،یعنی دریک عملیا ت جنگی تعدا دا فراد موردضرورت درمقا یسه‌با جا نب متخا صم‌معین وآ ما ده‌شودوهمچنا ن ا فرا دا زلحا ظ کیفی نیز درنظرگرفته‌شوند .تعلیما ت‌جنگی دیده‌با شند، وسا یل ووسا یط جنگ را ا ستعما ل نموده‌بتوانند، ا زنظم‌ودسپلین جنگ ا طا عت‌نما یند‌ه‌دا رای مورا ل وروحیهٔ جنگی با شند .درغیرآ ن طبیعی ا ست که‌یکصدهزا را فرا دپرا گنده ،بی نظم ،فا قد مورا ل وروحیهٔ جنگی،نا آگا ه‌ا زفنون وتا کتیک جنگ ونا توا ن ا زا ستفا ده‌وا ستعما ل درست وسا یل ووسا یط جنگی نمی توا نددربرا بردهزا ر نیروی منظم ،مبتکر ،عا لم‌به‌علم‌وفنون جنگ ودا را ی روحیهٔ عا لی،مقا ومت وپا یدا ری‌نما ید .

هشت مقاله

چگونه بجنگیم تا پیروز شویم؟

تحلیل و بررسی جنگ جلال‌آباد

نقش انقلاب اسلامی در ایجاد وحدت میان مسلمانها

حفظ اصالت حرکت جهادی در پرتو فرهنگ اسلامی

ضرورت وحدت مسلمین

وضع زندانیان در اردوگاه‌های کار اجباری روسیه

نابودی کشور پاکستان هدف استراتژیکی روسهاست

هرات سرزمین قیام‌ها و حماسه‌ها

نویسنده: محمد اکرام «اندیشمند»

۲ ـ نیروی نظامی :

نیروی نظامی عبارت از سلاح ، مهمات ووسایل ووسایط جنگی است که نیروی بشری آنرا منحیث یک وسیله در عملیات جنگی بکار میبرند بعد از نیروی بشری ، نیروی نظامی اصل عمده ومهم در جنگ حساب میشود زیرا اگر سلاح ووسایل جنگی نباشد افرادبی وسیله ودست خالی هرگاه به ملیون ها تن هم برسند توسط چندهزار ویا چند صد نفر مسلح ومجهز از پا درمی آیند .بناءً نیروی نظامی دومین رکن اساسی واصول عمدهٔ جنگ را تشکیل میدهدوبایدفرمانده وقایدجنگ نیروی نظامی خودرا درمقایسه با نیروی نظامی جانب مقابل عیار نماید.

۳ ـ نیروی اقتصادی :

نیروی اقتصادی عبارت از توانایی مالی در تهیه وتجهیز مواد مورد ضرورت جنگ چون وسایل وتجهیزات جنگی ، مواد لوژستیکی ، مواد رتزاقی وغیره ضرورت های حربی میباشد که هرگاه یکی از طرفین جنگ چنین توانایی را نداشته باشد طبعاً درجنگ شکست می خورد .از این روتوانایی

مالی رول عمده و مهم در آغاز، تداوم و فرجام پیروزمندانهٔ جنگ دارد.

مورال و معنویت عبارت از داشتن روحیهٔ عالی، شجاعانه و متین در آغاز و جریان جنگ است افرادیکه در جنگ سهم می گیرند و جنگ را به راه می اندازند باید از روحیهٔ فوق العاده عالی برخوردار باشند. در جنگ احساس زبونی و شکست نکنند و جنگ برای آنها باید من حیث یک وجیبه، مسؤلیت و رسالت حساب شود. مورال و معنویت در جنگ ناشی از افکار و عقاید می باشد که افراد به آن افکار و عقاید ایمان دارند و برای تحقق آن فداکاری می کنند و به هر اندازه که افکار و اعتقادات صحیح و سالم بوده و از تقدس برخوردار باشد به همان اندازه روحیه و معنویت جنگی افراد هم عالی و بزرگ میباشد. مورال و معنویت در جنگ خیلی با ارزش و مهم است که میتوان آنرا اولین و عمده ترین اصل و اساس جنگ حساب کرد. زیرا اگر در یک جنگ مورال و معنویت افراد از بین برود نیروی نظامی و بشری که هر قدر زیاد باشد سبب پیروزی نمی گردد.

۵ ـ نظم و دسپلین :

نظم عبارت از سازماندهی درست جنگی درمیان صفوف نیروها ، ایجاد تشکیلات دقیق و منظم حربی سوق واداره درست آنها در صحنهء جنگ وخارج جنگ بهگونهء موءثر ، اطاعت از اوامروقوماندهء قوماندان درکلیهستون های جنگ وخارج از آن درهمه اوقات وعمل بههمان مقرراتی است که عقیدهء کلی جنگ را تشکیل میدهد .نظم ودسپلین حربی همیکی از اساسات عمدهء جنگ است زیرا بی نظمی وپراگندگی ونا همآهنگی درهرنوع حرکت وعمل جنگی شکست را درقبال دارد .

٦ . موقعیت اراضی :

موقعیت اراضی عبارت از تشخیص وشناسائی ساختمان فزیکی وجغرافیائي اراضی میباشد که جنگ درآن صورت می گیردوپایگاه وقرارگاه های نیروهای جنگی بهحساب میرودوکاروفعالیت مربوط بهامورمحاربهبالای اراضی انجام می شود .تشخیص وشناسائی موقعیت اراضی بهخاطری اهمیت داردکهافرادونیروها بتوانند بهصورت درست وپیروزمندانه عملیات جنگیخود

را براه اندازند. اگر لشکر و سپاه که در یک منطقه هیچگونه آشنائی نداشته باشند و حداقل بدون داشتن نقشه و خریطهٔ آن منطقه خواسته باشند بصورت کورکورانه عملیات محاربوی را انجام دهند نمی توانند بصورت درست و موفقانه از انجام آن عملیات برآیند و به بسیار آسانی از طرف دشمن ضربه می خورند و به شکست روبرو می شوند. همچنان تشخیص وشناسائی اراضی برای یکار انداختن وسایل ووسایط جنگی نیز شرط لازم وضروری است.

درعلم جنگ این شش مسئله اصول واساسات جنگ را تشکیل میدهدکه هرقوماندان و هرقاید که یک عملیات خوردویا بزرگ محاربوی را براه می اندازد بایدپلان عملیات خودرا براساس وبنیادهمین اصول شش گانهٔ جنگ بسازد. البته چگونگی موجودیت این مسایل واستفادهٔ عملی دشمن راازآنها قبل ازطرح پلان جنگ واقدام عملیات جنگی بصورت واقعی ودرست فهمیده باشدتا بتواندپلان جنگ را براساس این معلومات واطلاعات طرح نمایدودرعملیات جنگی پیروزبدرشود. مثلاً "مجاهدین ولایت پکتیا بخواهندولایت پکتیا راآزادبسازندونیروی دشمن را منهدم نمایندباید این اطلاع را داشته

باشندکه نیروی بشری دشمن درپکتیا به چه تعداد می رسدونیروی نظامی آنچه مقدار وباچه کیفیت بوده ودرکدام محل وچه نوع اراضی تمرکزیافته است تابراساس این اطلاع واین آگاهی پلان جنگ را طرح کنندونیروی بشری ونظامی لازم ومورد ضرورت را آماده نمایند .وهمچنان مجاهدین دارای نظم ودسپلین حربی باشندوعملیات جنگی را بصورت منظم انجام دهند ،مورال ومعنویت جنگی شان باید عالی باشدوطبعاً امکانات مالی برای آغاز وادامهٔ پیروزمندانهٔ عملیات در دست داشته باشند .درغیرآن عملیات جنگی فاقد پلان ونامنظم درحالت بی خبری ازچگونگی نیروی دشمن نمی تواندمایهٔ پیروزی درجنگ شود ودرچنین جنگ های بی برنامه وفاقدپلان منظم محاربوی میزان تلفات خیلی بالامیباشد .

مراحل جنگ :

اگرچه میتوان برای هرجنگ مراحلی را قایل شدولی درجنگ های انقلابی یعنی جنگ که بخاطر به پیروزی رسانیدن یک انقلاب اعتقادی، سیاسی واجتماعی براه انداخته می شود ،مراحل جنگ جزء قوانین وقواعدیکه تداوم وپیروزی

جنگ برآن استوار است ،به‌حساب میرود .وطی نمودن مراحل ازقدم‌های بسیط وابتدائی به‌قدم های بغرنج وپیچیده‌وازحالت ناتوانی وضعف به‌حالت قدرت ونیرومندی ،خصوصیت لاینفک وطبیعی جنگ های انقلابی محسوب می‌شودوبه هراندازه‌ٔ که‌مراحل وقدم‌های جنگ بصورت منظم وعلمی طی شود به‌همان اندازه‌جنگ بسوی پیروزی حتمی ،قطعی وسریع‌پیش میرودوبه‌هر اندازه‌ٔ که‌جنگ با بی نظمی وپراگندگی پیش برودومراحل خودرا بصورت منظم‌واصولی طی‌نکند به‌همان اندازه‌پیروزی درجنگ بدرازا می کشد وحتی به‌شکست می انجامد .

مراحل جنگ انقلابی درحقیقت **مراحل جنگ** چریکی میباشدکه‌بصورت منظم‌وقدم‌به‌قدم‌طی می شود ، زیراآنطوریکه‌قبلا"گفتیم‌جنگ چریکی علم‌جنگ انقلابی حساب می شود .جهادسلامی افغانستان هم‌در.بعدمسلحانه‌وجنگ خود ،جنگ چریکی است . وجنگ چریکی قواعدواسلوب های مختص به‌خودرا داردکه‌جنگ طبق آن قواعدواسلوب رشدنموده وتشدیدمیبابدودرطول جریان رشدوانکشاف مراحل آن قطعات منظم‌جنگی وسعت میبابند ، عملیات محاربوی هم‌آهنگ میگردد ،توحید قوماندە‌بوجودمی آید ،اردوی منظم‌چریکی‌ایجاد

میشودوسرانجام حالتی بمیان میآید که نیروی کوچک وضعیف که در وهلهٔ اول وآغاز جنگ دست به عملیات محاربوی زده بود به نیروی بزرگ وپیروزمندی تبدیل میشود که انقلاب را به پیروزی میرساند ودشمن را نابود می نماید. توضیح وتشریح مراحل مختلف جنگ چریکی درین جا لزومی ندارد وجنگ کنونی ما درمرحلهٔ قرار دارد که بازگشت به عقب وپیمودن مراحل جنگ بصورت منظم امر غیرممکن وغیرعملی است، چه مراحل جنگ درطی ده سال بصورت منظم واصولی طی شده باشد وچه نشده باشد، باید درهمین مرحلهٔ کنونی سازندگی لازم وضروری را درجنگ وحرکات جنگی خود بیاوریم. با آنکه بسا سنگرهای جهاد مسلحانه وجبهات جنگ درافغانستان درطی ده سال جنگ موفق به سپری نمودن مراحل منظم جنگ نشده اند وجنگ دربسا جبهات وسنگرها با پراگندگی وبی نظمی پیش رفته است وهمین پراگندگی وبی نظمی وعدم سپری نمودن مراحل جنگ مانع پیروزی سریع درمرحلهٔ کنونی میباشد. هرگاه قیام مسلحانه ملت ما علیه کمونیزم وجنگ قهرمانانهٔ مجاهدین منظم میبود وقیادت واحد درجهاد وجود میداشت وجنگ درسنگرها از قوماندهٔ واحد ونظم حربی برخوردار میبود پیروزی مجاهدین تاکنون بدرازا رنمی

کشیدومیزان تلفات هم‌سنگین نمی بود.

جنگ ما در چه مرحله قرار دارد؟

مرحلهٔ کنونی جنگ درافغانستان برای مجاهدین از لحاظ علم‌وفن جنگ انقلابی مرحلهٔ تعرض استراتژیک محسوب میشود.
تجاوزارتش سرخ روس درسال ۱۳۵۸ هجری‌شمسی به‌کشورما وتهاجم‌وحملات آن علیه مناطق آزاد کشوروسنگرهای جهاد ازلحاظ علم ودانش جنگی یک تعرض استراتژیک بود.
استراتیژی هدف نسبتاً ثابت وطولانی را گفته می شودکه‌جوانب درگیردریک جنگ به منظور دسترسی به‌آن اقدام‌ تعرض وتهاجم علیه نیروهای مخالف مینمایند. روس ها به‌افغانستان هجوم‌آوردندویک هدف عمدهٔ استراتیژیک شان ازاین هجوم، سرکوبی نیروهای مجاهدین وتحکیم‌حاکمیت دولت کمونیستی درافغانستان بودوبدین منظورنیروهای متجاوزروس دست به‌تعرض وحملات وسیع علیه‌سنگرهای مجاهدین درسراسرکشورزدندتا به‌هدف خودنایل شوند.

اما هجوم‌وتعرض روس ها علیه‌مجاهدین به مقاومت قهرمانانهٔ ملت مجاهدما مواجه‌گردید

وبا آنکه روس ها درطی ۹ سال جنگ خود از هیچگونه اعمال وحشت وجنایت دربرابر مردم مسلمان ما دریغ نکردند ولی نتوانستند به هدف خود که تحکیم حاکمیت دولت کمونیستی وسرکوبی جهاد اسلامی بودنایل شوند و نه تنها که به هدف خود نرسیدند بلکه برعکس تلفات سنگین جانی ومالی را به اضافهٔ ذلت وبدنامی درسطح بین المللی متحمل شدند و از رشد ،گسترش ونیرومندی جهاد اسلامی افغانستان هم نتوانستند جلوگیری کنند .بناءً روس ها از ادامهٔ اشغال افغانستان دست کشیدند وتحت پوشش معاهدهٔ ژینوا کشور ما را ترک گفتند .

اکنون مجاهدین درجنگ خود برای از بین بردن بقایای مداخله وتجاوز روس که همانا باند های وطنفروش خلق وپرچم بنام حکومت کابل هستند در مرحلهٔ تعرض استراتژیک قرار گرفته اند وظیفهٔ اساسی وعمدهٔ مجاهدین در این مرحله نابودنمودن پایگاه ها ومراکز رژیم وسرانجام سقوط وسرنگونی کامل آن از طریق تعرض محاربوی میباشد و این مطلب را ناگفته نباید گذاشت که معمولاً "تعرض استراتیژیک درکلیه انواع جنگ مخصوصاً" درجنگ چریکی وانقلابی مرحلهٔ خیلی پیشرفته وسرنوشت ساز محسوب

میشودکه مجاهدین این مرحله را بعدا زده سال جنگ ومقاومت خونین ودادن ده‌ها هزار قربانی بدست آورده‌اند واکنون ببینیم‌که برای پیروزی دراین مرحله باید چه‌کاری انجام پذیرد؟

مجاهدین چه نوع حرکات جنگی را در مرحلهٔ کنونی انجام دهند؟

مرحلهٔ تعرض استراتیژیک از مراحل نهائی جنگ چریکی وانقلابی میباشدکه جنگ با پشت سرگذاشتن وسپری نمودن مراحل دیگر به‌صورت منظم‌وپیروزمندانه‌وارداین مرحله میشود ومعمولا" انقلابیون دراین مرحله‌ازچنان نیرومندی وقوتی برخوردارمیباشندکه دشمن را به‌سرعت سرکوب ونابودمیسازندوبا بدست گرفتن قدرت سیاسی حاکمیت خودرا بجای حاکمیت دشمن درسراسرکشورمستقرومستحکم‌میگردانند. امامشکل ومانع عبورموفقانه‌وپیروزمندانهٔ سریع مجاهدین ازاین مرحله‌درکمترین زمان این است‌که‌سایرمراحل جنگ بصورت علمی ومنظم‌درتمام سنگرها وجبهات جهادمسلحانه‌طی نشده‌است مثلا" ازمراحلی که‌قبل ازمرحلهٔ

هشت مقاله

مشخصات کـــــــــتاب :

نام کتاب : **هشت مقالـــه**

نویسنده : محمد اکرام "اندیشمند"

ناشر : نویسنده

چاپ : چاپخانهٔ آریانا ـ پشاور

تعداد : (۱۰۰۰) جلد

نوبت چاپ : اول

تاریخ انتشار : (۲۵) قوس ۱۳۶۸ هـ ، ش

قیمت فی شماره : (۴۰) روپیه

تعرض استراتژیک ،مجاهدین آنرا باید منظم وموفقانه طی می نمودندمیتوان این مراحل را نام برد:

اتخاذدفاع فعال درمقابل حملات دشمن ،کار پلان شده ومنظم درهرنوع حرکت جنگی ،ابتکار عمل درجنگ ودرگیری دایمی با دشمن ودرنتیجه بالارفتن تجارب جنگی مجاهدین ،سازماندهی وتشکیلات منظم جنگی درصفوف مجاهدین ودرنتیجه آن حرفوی ساختن جنگ ،تشکیل قطعات منظم محاربوی وتعیین وتشخیص وظایف آنها ،تشدید جنگ ورشدکمی وکیفی جنگ ازاین طریق، پایگاه سازی وایجاد مناطق پایگاهی ،براه انداختن جنگ منظم ،متحرک ساختن جنگ، همزمانی وهمآهنگی درحرکات جنگی درسطح عموم سنگرهای جنگ ،تشکیل زون های عملیاتی برای همآهنگی جنگ ،تشدیدورشدکمی وکیفی جنگ ،ایجاد قوماندانی واحددرکلیه سنگرهای جنگ درسرتاسرکشوروآنگاه تعرض استراتیژیک علیه کلیه پایگاه ها ومراکزدشمن وتصرف سریع آنها وسرانجام نابودی کامل دشمن وبدست گرفتن حاکمیت سیاسی .هریک ازاین مراحل ایجاب تشریح وتوضیح مفصل را می نمایدکه از یکطرف جای تفصیلات بیشترآن دراین نوشته

نیست وا زطرف دیگرتشریح مفصل آنها درشرایط کنونی بدرد ما نمی خورد. سنگرهای جهادمسلحانه درطی ده سال جنگ با یداین مراحل را بصورت منظم قدم به قدم پشت سر میگذشتاندند تا درمرحلهٔ کنونی که تعرض استراتیژیک است یک ارتش منظم، متحدوقوی جهادی وقیادت واحدجهادی وقوماندانی واحدایجادمیگردیدوعبورازمرحلهٔ کنونی به سرعت انجام میافت.

اما مشکلات متعددی چون موجودیت احزاب وتنظیمها با داشتن اختلافات وکشمکش های با همی، عدم قیادت واحددرجهادوانقلاب، نبودن قوماندانان مبتکر، ورزیده وعالم به علم جنگ دراکثرسنگرهای جهاد، عدم رشدوانکشاف جنگ مطابق قواعدواسلوب های علمی بصورت منظم عدم تشکیلات منظم محاربوی درمیان مجاهدین وسنگرهای جهاد، سرازیرشدن امکانات زیاد مالی وتسلیحاتی وعدم برنامه وپلان منظم در استفادهٔ آنها برای رشدوانکشاف منظم جنگ، دست درازی بیش ازحددوستان درامورمربوط به جهادومجاهدین وغیره مسایل دیگرمانع عمده درسپری شدن مراحل فوقالذکربصورت منظم ودرست درسنگرهای جهادمسلحانه بوده است.

البته برخی ازسنگرها با داشتن فرماندهان

ورزیده، مبتکر، آگاه، با کفایت و با استعداد مراحل جنگ را بصورت منظم و اصولی سپری کردند وشدیدترین ضربات هم توسط آنها بر پیکر دشمن وارد گردیده است. اما متاسفانه چنین سنگرها وچنین فرماندهان خیلی محدود و ناکافی بوده وحتی دزبرا بررشد وانکشاف سنگرهای آنها ممانعت هائی هم ایجاد شده است.

فلهذا عبور موفقانه وسریع مجاهدین از مرحلهٔ کنونی تعرض استراتیژیک برای نابودی کامل بقایای روس از افغانستان به آسانی وسهولت ودرزمان بسیار کوتاه میسر نیست وخاصتاً اگر در وضع جنگ واقدامات محاربوی مجاهدین وسنگرهای جهاد تغیرات فوری مطابق ایجاب حالت که در مرحلهٔ تعرض استراتیژیک ضرورت است بمیان نیاید، مشکلات بیشتر میشود، میزان تلفات درهرنوع حرکات محاربوی بالا میرود وپیروزی هم در آیندهٔ نزدیک تاریک جلوه می‌کند واگر پیروزی هم حاصل شود بعداً زخسارات وتلفات سنگین وبزرگی بوجود خواهد آمد و آنهم یکی از احتمالات است.

پس اکنون که برای عبور موفقانهٔ سریع مجاهدین از مرحلهٔ تعرض اصولی ومنظم با سپری نمودن مراحل دیگروارد این مرحله نشده است چه

طرح وچها قداما ت عملی درسنگرها ی جها دوحرکات جنگی مجاهدین صورت بگیردتا جنگ ا زمرحلهٔ کنونی پیروزمندا نه‌بگذرد ،رژیم‌روسی کابل سرنگون شودوحکومت اسلامی مجاهدین تحقق‌یابد. برای برآورده‌شدن این هدف برنامه‌وطرح ذیل بصورت عاجل عملی بنظرمی خورد :

۱- تشکیل شورای عالی نظامی درسطح‌عموم تنظیم‌ها ی جهادی .

این شوری متشکل ا زعالی ترین وآگاه‌ترین مراجع تنظیم‌وورزیده‌ترین ،باا ستعدادترین قوماندانان سنگرها ی جهادباشد.

۲- برای تشدیدجنگ وپیروزی سریع باید کشوربه‌چندزون عملیاتی (منطقهٔ جنگی)تقسیم شود .درهرزون یک شورای نظامی متشکل ا ز قوماندانان ورزیدهٔ همان زون تشکیل شود رئیس‌شوری قوماندان زون نیزباشدوکلیه پلان محاربوی وعملیات‌جنگی ا زطریق.شورای نظامی فیصله‌ودرارتباط وهمآهنگی باسایر زون ها توسط قوماندان زون یا رئیس‌شورای نظامی زون رهبری وهدایت‌شود .

۳- شورای عالی نظامی برای عملیات جنگی مجاهدین غرض اشغال شهرها ومراکزعمدهٔ دشمن وفتح پایتخت‌پلان وبرنامهٔ علمی‌ومنظم

طرح کنندهٔ مجاهدین را درهرزون ازطریق قوماندانی ها وشورای نظامی زون ها درقطعات منظم حربی دسته بندی کنند، برای حفظ واستحکام مراکزوشهرهای مفتوحه پلان دقیق وعملی را روی دست بگیرند، برای این منظور نیروهای منظم ذخیروی راایجاد کنند، کلیه حرکات وعملیات جنگی را درسرتاسرکشورمنظم وهم آهنگ نمایند واز حرکات بی پلان، پراگنده ونامنظم محاربوی مجاهدین جداً جلوگیری کنند.

۴- یک اردوی منظم جهادی اززون های مختلف عملیاتی که سرتاسرافغانستان رادربر می گیرد ساخته شود. این اردوازقطعات منظم مجاهدین که عملاً درجریان جنگ قرارداشته اندو دارای تجارب وآگاهی جنگی اندتشکیل شود نه ازافرادجنگ نادیده وکسانیکه خارج ازسنگر های جهادمسلحانه به سربرده اندوهیچ نوع آشنائی باجنگ ندارند. وبعداً ازاین اردوی منظم درفتح کابل پایتخت کشوراستفاده شود واین اردوتامین کنندهٔ امنیت وحافظ وپاسدارحکومت اسلامی. حداقل تابرگذاری انتخابات عمومی وعادلانه وتشکیل حکومت منتخب مردم خواهدبود. اردوتوسط شورای عالی نظامی رهبری وهدایت شود. البته رهبری

وقیادت اردوتوسط شورای عالی نظامی یک راه حل با درنظرداشت مشکلات متعددی میباشدکه در اثرآن ایجادقوماندانی واحدبرای اردوکار ساده وآسانی بنظرنمی خورد. درغیرآن قوماندانی واحدبرای اردویک امراصولی وعلمی ازلحاظ فن ودانش جنگ است که دراین صورت عملیات محاربوی موفقانه صورت میگیردوپیروزی وغلبه بردشمن تسریع میگردد.

هراقدام وعمل جنگی، توسط شورای عالی نظامی درسطح عموم سنگرهای جهادوتوسط شوراهای نظامی زون درسطح هرزون بعدازپایان عملیات حتی درهرروزموردارزیابی ونتیجه‌گیری قراربگیرد ودراین ارزیابی نقاط منفی ومثبت یانقاط قوت وضعف نیروی خودونیروی دشمن خاطرنشان کرده‌شودتامطابق آن عمل واقدامات بعدی محاربه وجنگ انجام میابد.

هرگاه یک عملیات جنگی بدون پلان وبرنامه ریزی دقیق وبدون اطلاع ازمحل تمرکزدشمن وکمیت وکیفیت نیروی بشری ونظامی آن براه انداخته‌شودودرجریان عملیات، مجاهدین در قطعات منظم با تعیین وتشخیص وظایف دسته بندی نشوند، جریان جنگ توسط قوماندان عمومی رهبری نگرددوتمام قطعات عملیاتی زیرکنترول

وهدایت مرکزفرماندهی عملیات قرارنداشته باشد، عملیات قطعات بصورت منظم وهم آهنگ صورت نپذیرد، تمام پوسته ها وقرارگاه های دشمن زیرعملیات منظم وهم آهنگ مجاهدین واقع نشود، درختم عملیات نتایج وپی آمدآن چه درحال موفقیت وعدم موفقیت موردارزیابی دقیق قرار نگیرد، دراین صورت آن عملیات جنگی یک کار طفلانه وبازی نمودن به خون مجاهدین وخیانت به جهاد است. زیرادرچنین حالتی میزان تلفات افزایش می یابد، مجاهدین به پیروزی دست نمی یابندودرنتیجه روحیهٔ مجاهدین تضعیف گردیده وبرعکس روحیهٔ دشمن بالامیرود وبرحیثیت واعتبارمجاهدین لطمه واردمیشود.
درشرایط کنونی که حساس ترین مرحلهٔ جهاد مسلحانهٔ کشورما است، مسوءلین تنظیمها، فرماندهان سنگرهای جهادوافرادبا صلاحیت در امورجهادوآنهائیکه برای آزادی افغانستان ازسلطهٔ کمونیزم تلاش انجام میدهندویا علاقه یی به آزادی کشوردارندهمه جدا"به این نکته متوجه باشندکه زمان دوباره برنمی گرددتااشتباهات گذشته جبران شود ومراحل جنگ بصورت منظم واصولی طی شودوکارعلمی ومنظم دررابطه باامور جهادصورت بگیرد. همه باید بدون درنظرداشت

تعصبات مختلف تنظیمی ،مذهبی ،لسانی،سمتی
ومنطقوی زمینه‌را برای قوماندانان که‌درجهاد
اسلامی دارای استراتیژی علمی بوده‌اند،
استعداد عالی وابتکار بزرگی درامورجنگ
ومحاربه‌داشته‌اند مساعدتماینددتاجنگ مطابق
پلان وبرنامهٔ منظم‌وعلمی صورت بگیرد
ومجاهدین دراسرع وقت به‌پیروزی نایل شوند.
آنهائیکه‌فاقدسنگرهای جهادونیروهای جهادی
هستندواستعدادکارموٴثری رادرآزادی کشور
ازحاکمیت کمونیزم‌نداشته‌اندوآنطوریکه‌تاکنون
موفق به‌انجام‌کاربااهمیت وارزشمندی نشده
اندملتفت باشندکه‌مرحلهٔ کنونی مرحلهٔ نهایت
حساس وسرنوشت سازاست بناءً "ازتعصبات بیجا،
طفره‌روی های بی موردرپذیرش واقعیت ها،
کوربینی هاوکورخوانی هاخودداری نمایند
ودربرابرنیروهای مبتکروبااستعدادوپرقدرت
جهادی که‌بیاری خداوند "ج" استعدادوقدرت
سرنگونی رژیم‌کمونیستی وتحقق بخشیدن حکومت
اسلامی رادارند،سنگ اندازی نکنندوممانعت
ومزاحمتی ایجادننمایند.

ضرورت همآهنگی کار سیاسی

و نظامی جهاد در مرحلهٔ کنونی :

تشکیل دولت موٴقت وعبوری مجاهدین که طی جلسهٔ شورای مشورتی اخیرمجاهدین بمیان آمدیک قدم‌عمده وپرارزش درمرحلهٔ کنونی‌جهاد به‌حساب میرودودرعین حال یک ضرورت بزرگ برای جهادومجاهدین افغانستان بودکه‌بفضل وعنایت پروردگار "ج" تحقق یافت وخلای عمدهٔ سیاسی جهادمرفوع گردید. اما تشکیل دولت یک قدم‌خیلی اولی وابتدائی محسوب میشود که‌برداشته‌شد. دولت اسلامی مجاهدین زمانی حیثیت واعتبارملی وبین المللی پیدا میکند که‌عملا" درکشورزمام اموررا دردست بگیردوبه‌جای دولت فعلی حاکم‌برکابل استقراریابد.

دولت اسلامی مجاهدین چگونه‌میتواندبه‌این هدف نایل شود؟

پاسخ آن واضح است. سرنگونی رژیم‌کمونیستی کابل فقط ازطریق جنگ ومحاربه‌تحقق می پذیرد. فقط این سنگرهای جهاد، قوماندانان قهرمان ومجاهدین دلیروباشهامت کشورما هستند که‌بااینثاروقربانی خودبه‌دولت اسلامی‌عینیت

می‌بخشند. هما نطوریکه‌ا یثا زوقهرما نی آ نها در طول ده‌سا ل جها دمسلحا نه‌نا مکشوروملت ما را زنده‌وپرا فتخا رنگهدا شتندوا برشیطا ن غول‌پیکر وخون آشا مروس را به‌فضیحت ورسولئی کشا نیدند. دا شتن ا ین ذهنیت که‌ا کنون دولت ا سلامی‌تشکیل گردیدوبا به‌رسمیت شنا ختن ا ین دولت توسط کشورها ومما لک جها ن، خودبه‌خودزما ما مورکشور را بدست می گیردوکا رنظا می وسنگرها ی جها د درمرحلهٔ کنونی چندا ن ا همیت ونقشی ندا رند یک ذهنیت سطحی، غیروا قعی، وا هی‌وکودکا نه‌ا ی بیش نیست. به‌رسمیت شنا ختن کشورها ی دنیا درتحقق عملی دولت ا سلامی‌بجا ی رژیم‌روسی کا بل نقشی ا یفاء نموده‌نمی‌توا نند. سا زما ن آزا دیبخش فلسطین را ده‌ها سا ل ا ست که‌ا کثریت کشورها ی جها ن به‌رسمیت شنا خته‌ا ند ا ما ا ین سا زما ن که‌هیچگونه‌حضورنظا می درفلسطین ا شغا ل شده‌ندا رد، به‌رسمیت شنا ختن مما لک دنیا نتوا نسته‌ا ست فلسطین را ا زا شغا ل صهیونیست ها آزا دسا زد وحا کمیت سا زما ن را درسرزمین فلسطین تحقق بخشد. ا کنون ما شاهد هستیم‌که‌موءثریت قیا م‌مردم‌مسلما ن فلسطین درسرزمین ها ی ا شغا لی علیه‌یهودا ن غا صب با آنکه‌دست خا لی وبی وسیله‌هستندبه‌مرا تب

فهرست مطالب

عنوان ... صفحه

بیشتروامیدوارکننده‌تر ازسی سال فعالیت سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین در آزادی فلسطین میباشد.
فلهذا نه تنها که با تشکیل دولت موءقت اسلامی مجاهدین افغانستان اهمیت کارنظامی ونقش سنگرهای جهادمسلحانه درآزادی کامل کشور وبه‌حاکمیت رسیدن دولت اسلامی تقلیل نمی یابدبلکه‌به‌مراتب بالامیرودونقش سنگرهای جهادمسلحانه،فرماندهان قهرمان جهادوعمل وحرکات محاربوی آنها درشرایط کنونی نقش قاطع،سرنوشت سازوتعیین کننده میباشد. البته اهمیت کارسیاسی دولت اسلامی مجاهدین هم درمرحلهٔ کنونی ارزش عمدهٔ راداردکه آنرا به هیچ صورت نبایدنادیده‌گرفت اما اهمیت وارزش آن بستگی به‌پیشرفت کارنظامی مجاهدین درداخل افغانستان داردوپیروزمندی مجاهدین درحرکات محاربوی شان اهمیت دولت اسلامی وکارسیاسی آنرا ارزشمند می گرداند.
همان ترتیب که محترم رئیس دولت اسلامی مجاهدین افغانستان سرنگونی رژیم روسی کابل راازوظایف اولی وعمدهٔ دولت اسلامی شمردند، واقعاً این امرازوظیفهٔ اولی دولت اسلامی

بوده‌ودرعین حال یگانه‌راه‌تحقق عملی دولت اسلامی وسرنگونی رژیم‌روسی کابل ازراه‌سنگر های جهاد مسلحانه‌واز طریق جنگ ومحاربه میگذرد. دولت اسلامی باید برای این امرسنگر های جهاد مسلحانه‌راآماده‌سازد، عملیات محاربوی را منظم‌وهم‌آهنگ نماید، برای هرنوع کاروحرکت جنگی پلان وبرنامه‌ء علمی ومنظم طرح کندتا مرحله‌ء کنونی جنگ که‌ازلحاظ فن ودانش علم‌جنگ آنرا تعرض استراتیژیک نامیدیم‌موفقانه‌انجام‌یابدوسرنگونی رژیم روسی کابل وبجای آن استقراردولت اسلامی تحقق یابد:

درموردمرحله‌ء تعرض استراتیژیک وعبور موفقانه‌ء مجاهدین ازآن وضرورت نوع حرکات محاربوی مجاهدین به‌تفصیل مطالبی رابیان داشتیم‌که‌دولت اسلامی مجاهدین می توانند آنرا به‌عنوان یک طرح وبرنامه‌ء عملی کار نظامی درنظربگیرد. درغیرآن حرکات پراگندهٔ محاربوی مجاهدین درسنگرهای جهادکشور، جنک های فاقدپلان وبرنامه‌ء منظم‌وفاقد همآهنگی حداقل زمان پیروزی رابه‌درازا می کشاندوتلفات مجاهدین ومردم‌را بالامیبرد وبه‌عمررژیم‌روسی کابل افزوده‌میشودوبه‌هر

اندازهٔ که عمر رژیم کمونیستی کابل طولانی شود به همان اندازه حیثیت واعتبار آن در سطح ملی وبین المللی بالا میرود وبرعکس حیثیت واعتبار مجاهدین پائین می آید.

چنانچه درهمین دوماه اخیر که قوای روس از افغانستان خارج گردید، پیروزی مجاهدین درفتح جلال آباد بطول انجامید ووضع کابل آرام بنظر میرسد، کمیتهٔ صلیب سرخ ملل متحدکه مامورین خود را باخروج ارتش متجاوز روس ازکابل بیرون کرده بوداکنون دوباره بدکابل بازگردانید.

بناءً مرحلهٔ حساس وسرنوشت سازکنونیء حرکت وعمل مدبرانه، عالمانه، آگاهانه وهوشیارانهٔ سیاسی ونظامی را باارتباط وهم آهنگی ایجاب می کند.

تحلیل وبررسی جنگ جلال آباد

اول حمل ۱۳٦۷ هـ ش

مطالب را که در رابط با جنگ به صورت عموم و در رابطۀ **با جهاد** مسلحانۀ مجاهدین یا جنگ علیه کمونیزم در افغانستان بصورت اخص در این نوشته مطالعه کردیم دو قانون کلی و دو موضوع عمده و اساسی را در ارتباط **با** جنگ برای ما ارائه میدارد که رعایت. وعدم رعایت آن در پیروزی وشکست هر عمل جنگی نقش عمده وقاطع را ایفا می کند. جنگ جلال آباد هم باید من‌حیث یک عملیات جنگی با درنظرداشت آن دو موضوع تحلیل وارزیابی شود تا نواقص وگمبودی های آن مورد شناسایی قرار بگیرد و آنها عبارتند از:

اول : درنظرداشت وارزیابی وضع کلی جنگ بصورت واقعی ودرست آن واقدام به عمل جنگی مطابق این ارزیابی با طرح وعمل پلان منظم وبرنامۀ دقیق وضع کلی جنگ را ما قبلاً تشریح کردیم که شامل اساسات شش گانۀ جنگ (نیروی نظامی ، بشری اقتصادی ، موقعیت اراضی ، مورال ومعنویت ونظم ودسپلین) و شامل تمام مسایلی میگردد که به نحوی از انحاء وبه شکلی از اشکال درجنگ تأثیرخود را بجا میگذارد. ارزیابی وضع کلی جنگ ودرنظرداشت مسایل مربوط به آن دربراه انداختن یک عمل جنگی

به این معنی است که قبل از شروع جنگ به مطالعه و ارزیابی دقیق آن ، هم در نیروی خودی و هم در نیروی دشمن بپردازیم تا بتوانیم پلان جنگ را مطابق این ارزیابی طرح وعملی بداریم؛ درغیرآن جنگ ما درقدم اول فاقدپلان منظم ودقیق خواهدبود واحیاناً اگرپلانی رابدون ارزیابی وضع کلی جنگ روی دست بگیریم درآن صورت بیشتر به خیالات وحدس وگمان های غیرواقعی وغیرمشهود تکیه نموده ایم که این امرزمینهٔ پیروزی رادرجنگ کاملاً ناچیزمیسازد .

موضوع دوم که درجنگ کنونی مجاهدین برای فتح جلال آباد بسیارعمده ومهم به حساب میرود ودرمباحث قبلی به آن اشاره کردیم مرحلهٔ جنگ است . درموردمرحلهٔ کنونی جنگ درافغانستان گفتیم که مجاهدین باخروج قوای روسی ازکشورازلحاظ دانش وفن جنگ واردمرحلهٔ تعرض استراتیژیک گردیده اند . کوتاه مدت بودن جنگ یکی از خصوصیت این مرحله است . مرحلهٔ کنونی مرحلهٔ نیست که جنگ به کندی وآهستگی پیش برود وهمچوسال های آغازجهاد این پوسته و آن پوسته فتح گرددویادرمسیرکاروان های تداركاتی دشمن مزاحمت ایجادشود .

مرحلهٔ کنونی جنگ ایجاب می کندکه مجاهدین نظم دوباره یابند، درتشکیلات منظم حربی سازماندهی شوند، وحدت قوماندهٔ بوجودبیایدتا جنگ به سرعت تشدید یابد، عملیات جنگی درسرتاسرکشورمنظم وهم آهنگ گردد. مراکزعمده وشهرهای تحت کنترول دشمن به سرعت یکی پی دیگری سقوط نمایدوحلقهٔ محاصرهٔ دشمن سریعاً تنگ وتنگ ترگرددوشهرکابل آخرین لانهٔ مزدوران روس هرچه زودترازکنترول رژیم روسی خارج ساخته شودوسرنگونی حکومت ملحدبه زودی تحقق یابد.

پس این مرحله با درنظرداشت ومطالعهٔ حالت جنگ درده سال گذشته مرحلهٔ جدید، مهم عمده، فیصله کننده ودرعین حال کوتاه مدت میباشدوثمرده سال جهادمسلحانهٔ ماعلیه کمونیزم غارتگردراین مرحله تحقق میابد که آن همانا سرنگونی سریع رژیم روسی وبجای آن حاکمیت بخشیدن حکومت اسلامی مجاهدین است. جنگ درمرحلهٔ کنونی نبایدفرسایشی گرددوبه طول انجامدزیرا فرسایشی شدن و بدرازاکشیدن جنگ دراین مرحله برای جهاد

اسلامی ما خطرناک تمام میشود .

وحالا ببینیم که مجاهدین درجنگ که برای فتح جلال آباد براه انداختندتا چه حد دوموضوع فوق الذکررا قبل ازشروع جنگ در نظرگرفتند ؟ چه نقط های مثبتی دراین جنگ به نفع مجاهدین وجوددارد ونقاط منفی که مانع سقوط سریع جلال آباد گردیده است کدام ها خواهدبود ؟

تحلیل وارزیابی واقعی وعلمی ابعاد مختلف این جنگ این مطلب را به خوبی نشان میدهدکه مجاهدین دراین جنگ دارای نقاط مثبت ومنفی یا دارای نقط های ضعیف وقوی بوده اندوبه همین ترتیب دشمن نیزازنقاط ضعیف وقوی دراین جنگ برخوردار بوده است .

عمده ترین نقطهء مثبت راکه مجاهدین ازآغاز جنگ تاکنون حفظ کرده اندداشتن روحیهء فوق العاده قوی آنها درشروع وتداوم جنگ بوده است .

اما نقطهء منفی جنگ برای مجاهدین این بوده است که طراحان وپلان سازان جنگ ، مرحلهء کنونی جنگ وخصوصیات وضرورت های این مرحله رادررابطه با عموم سنگرهای جهادکشورمدنظرنگرفتند . قبل از- آنکه مجاهدین عملیات جنگی خودرا برای فتح جلال- آباد براه می انداختندباید نیروهای مجاهدین در سرتاسرکشور بازسازی می شدند ، نظم دوباره می-

یافتند ، توحید سنگرها ووحدت قوماندهایجادمی-
شد ، پلان منظم ، دقیق وعلمی برای اشغال شهرهاو
مراکزعمدهٔ رژیم روسی طرحوبصورت همزمان وهم-
آهنگ درسرتاسر کشورعملی میگردیدوبدین ترتیب
مجاهدین برای مرحلهٔ کنونی جنگ آماده می شدند .
ولی جنگ درجلال آباد بهتنهایی وبدون درنظرداشت
همآهنگی باسایر سنگرهای جهادکشوروبدون طرح
برنامهوپلان منظم آغازشد؛ درمرحلهٔ کنونی جنگ
کلیه مراکزدشمن وتمامی شهرهائی کهتحت اشغال
وتصرف رژیم روسی کابل قراردارد یک هدف واحد
جنگی برای مجاهدین محسوب میشوندکهبرای سقوط
آنها طرح وپلان مشترک ومتحدبااقدام وعملهمزمان
وهم آهنگ کلیه سنگرهای جهادافغانستان ضرورت
است وبادرنظرداشت این امرجلال آبادفقط جزء
این هدف واحدبهحساب میرود . اماآغازعملیات
جنگی برای فتح جلال آبادبدون هم آهنگی باسایر
سنگرهای جهادوبدون طرح وپلان مشترک ومتحد
محاربوی کلیه سنگرها بهتنهایی یک هدف عمده
وبزرگ در سطح داخل وخارج کشورقلمدادشدهاست
واین مسئلهبرای رژیم روسی کابل یک بهانهٔ عمدهٔ
تبلیغاتی رامیدهدکهمجاهدین به عمده ترین
وبزرگترین هدف خوددرجلال آباد نتوانستند دست
یابند .
درحالیکه اگرچگونگی مرحلهٔ کنونی جنگ وضرورت
طرح وپلان مشترک ومتحدکلیهسنگرها واقدام هم-

آهنگ محاربوی درنظرگرفته‌می شد جنگ جلال آباد درپهلوی ده‌ها جنگ دیگرکه‌درده‌ها مناطق مختلف کشوربراه‌انداخته‌می شد، مطرح میگردید.

صرف نظرازاینکه‌مجاهدین درشروع وتدا جنگ برای فتح جلال آبادخواست وضرورت های مرحله کنونی جنگ رادرسطح عموم سنگرهای جهادکشور درنظرنگرفتند، هرگاه وضع کلی جنگ فقط درمحدودهٔ جنگ جلال آبادموردارزیابی ومطالعه‌قرارېگیرد بازهم نقاط مثبت ومنفی رادراین جنگ به‌شرح‌ذیل میابیم:

۱- مسئولین جبهات جهاددرجلال آبادقبل‌ازشروع جنگ به‌بازسازی ومنظم ساختن نیروهای خود غرض یک حملهٔ تهاجمی به‌حدلازم‌وکفایت کننده‌برای‌فتح جلال آبادتوجه‌عمیق وجدی نکرده‌بودند،یعنی تمام نیروهای بشری مجاهدین درتشکیلات منظم حربی سازماندهی نگردیدند. قوماندانی واحدمیان سنگر-های مختلف جنگ ایجادنشده‌بود.

۲- بنابراین علت که‌قبل ازشروع جنگ نظم‌حربی ووحدت قوماندهٔ‌درصفوف مجاهدین به‌شکل درست وکفایت کننده‌ایجادنشده‌بودشروع جنگ هم‌درجبهات مختلف جلال آبادفاقدهم آهنگی وهمزمانی بود؛جنگ دردووسه‌روزاول باحملات مجاهدین ازشرق جلال آباد آغازشدکه‌به‌سرعت راه‌موفقیت راپیمود. ثمرخیل عمده‌ترین پایگاه نظامی دشمن سقوط کردومجا-هدین به‌اطراف میدان هوائی وفرقه‌رسیدندامادر

این ایام درمناطق شمالی وجنوبی جلال آباد هنوز جنگ آغاز نشده بوددرحالیکه اگرحملات مجاهدین در نقاط شمالی وجنوبی جلال آباد هم زمان وهم آهنگ با حملات درشرق میبود، موفقیتی راکه مجاهدین درمناطق شرقی جلال آباد کسب کردنددرمناطق جنوبی وشمالی هم نصیب می شدند.

- درحالیکه دشمن درآغاز جنگ باشکست خودثمرخیل با روحیهٔ پژمرده وشکست خورده درسایرمراکزوقرار-گاه های خودمنتظرشکست وسقوط بود، عدم همزمانی وهم آهنگی حملات مجاهدین درکلیه نقاط جلال آباد علیه تمام مراکزوپایگاه های دشمن درآغاز جنگ ازیکطرف ومواصلت کاروان نظامی و لوژستیکی دشمن ازکابل به شهرجلال آباد درهفتهٔ اول جنگ از طرف دیگرجلال آباد راازسقوط سریع نجات داد.
- مجاهدین برای ادامهٔ پیشرفت وموفقیت خوددر جنگ ازنقطهٔ ضعف خودوارد عمل شدندیعنی با استفاده ازآتش اسلحه ونیروی نظامی خواستند فتح جلال آباد راتکمیل کنند،درحالیکه نیروی نظامی دشمن به مراتب ازنیروی نظامی مجاهدین برتری دارد؛ قدرت آتش ونیروی نظامی مجاهدین به توپ-خانهٔ ۲۵ پونده ، هاوان ۶۰، ۸۲و ۱۲۰ملی متری توپ بی پسلگد ۱۰۶ ملی متری ، راکت اندازوسط راکت های بی ام یک وبی ام ۱۲ محدودمیشود. اما دشمن دارای انواع توپ خانهٔ ثقیل ودورزن ، بی ام ۱۶ وبی ام ۴۱ بوده، برعلاوهٔ موشک اسکاد

فهرست مطالب

وانواع طیارات بم افگن درحمایت شان قرار دارد که هرلحظه مواضع مجاهدین را زیرآتش می گیرد اطراف مراکزوقرارگاه های دشمن نیز مین گذاری شده است که این امرهم مانع پیشروی مجاهدین میگردد. پیروزی مجاهدین ازطریق آتش اسلحه و نیروی نظامی درصورتی تحقق میابدکه اگرنیروی نظامی مجاهدین ازدشمن برتری نداشته باشدحداقل مساوی با نیروی نظامی دشمن باشد؛ بهترآن است که مجاهدین در فتح جلال آباد وفتح هرمرکزوشهر دیگری ازتاکتیک های متنوع استفاده کنندنه آنکه کاملاً متکی به آتش اسلحه ونیروی نظامی باشند.

۵- گذشته ازمقایسهٔ نیروی نظامی دشمن با نیروی نظامی مجاهدین درجنگ جلال آباد، نیروی بشری مجاهدین درمقایسه با دشمن باآنکه بعضی برتری هایی راچون روحیه ومورال قوی درجنگ دارند بعضی نواقص وکمبودیهائی رانیزدارا میباشند نیروی بشری دشمن درجلال آباداز لحاظ کمی درحدود یازده تا پانزده هزاربالغ می شودوازمجاهدین کمتر ازاین شمار است؛ازلحاظ کیفی نیروی بشری دشمن ازقوماندهٔ واحدونظم حربی برخوردارهستند،اما مجاهدین نظم ودسپلین دقیق نظامی ندارند.قطعات عملیاتی که درنقاط مختلف جلال آباددرموضع جنگ قراردارندازقوماندهٔ واحدبرخوردارنیستند. عملیات جنگی شان درسمت های مختلف هم آهنگی وهمزمانی ندارد، مخصوصاً درهفته های اول جنگ.

پس علاوه براینکه نیروی بشری مجاهدین درصورتیکه جنگ ازشکل کنونی اش تغییرنیابد ازلحاظ کمی در برابر نیروی بشری دشمن ناکافی است ۴ ازلحاظ کیفی نیزنواقص فوق الذکررادارا میباشد .

ه- ارزیابی ومقایسهٔ نیروی اقتصادی واکمالاتی دشمن با مجاهدین درجنگ جلال آباد ونقاط قوت و ضعف هریک ازطرفین دراین موردا ثرعمدهٔ درسر-نوشت جنگ میگذارد ؛ عمده‌ترین کاریکه قبل از آغازجنگ وبعدازآن بایدموردتوجه‌جدی مجاهدین قرارمیگرفت وبه آن اولیت میدادند ، مسدود کردن شاهراه کابل - جلال آباد بودتا جلواکمالات نظامی ولوژستیکی دشمن گرفته می شد .درحالیکه‌حد اقل دشمن دریکماه اول جنگ دومرتبه موفق شده است که‌کاروان حامل موادلوژستیکی ونظامی راا ز طریق شاهراه کابل ، جلال آباد به‌شهرجلال آباد وقرارگاه های نظامی خودبرساندوبرعلاوهٔ اکمال نظامی ولوژستیکی دشمن توسط هلیکوپترازراه‌هوا تاکنون بازبوده است که‌این امرجنگ رابدرازا می-کشاندوبدشمن فرصت دوام وبقا میدهد .

و- یکی ازقاعده‌های مهم وباارزش‌که‌درپیروزی جنگ‌رول عمده دارد پنهانکاری درطرح وپلان جنگ وغافلگیری درعملیات جنگی است وخاصتاً درجنگ های که‌طرف مقابل برتری نظامی داشته باشدرعایت این

اصل برای پیروزی لازمی وقطعی میباشد. امامتأسفانه درجنگ جلال آباد چنین چیزی رعایت نشد؛ مجاهدین روزها قبل از آغاز جنگ درمورد حمله به جلال آباد حرف می زدند وبعداً هم جنگ را با بی نظمی وپراگندگی آغاز نمودند وباوجود این برای پیروزی درجنگ وسقوط جلال آباد بعضاً تاریخ معین ودقیق هم متذکر شدند بهتر آن بود که تبلیغ حمله بریکی از شهرهای دیگر می- شد وبا اجرای یک مانور تاکتیکی در آن توجه وتمرکز قوای دشمن از جلال آباد به آنطرف تغییر میخورد وبعداً طرح وپلان فتح جلال آباد با دقت کامل، منظم و ومخفیانه کشیده می شد ودشمن با غافلگیری درهم کو- بیده می شد؛ عدم توجه به این موضوع دلالت براین می کند که مجاهدین قوای دشمن را دست کم گرفته و از وضع کلی جنگ تحلیل عمیق ودرست نکرده بودند.

۸- از لحاظ ارزیابی وضع جغرافیایی وموقعیت اراضی تداوم وطولانی شدن جنگ موقعیت اراضی را به ضرر مجاهدین در آورده است. زیرا با طولانی شدن جنگ، مجاهدین در اطراف مراکز وقرارگاه های دشمن درحالیکه مزارع مین را تشکیل میدهد موضع ثابت را اختیار کرده اند که به نسبت موجودیت مین وآتش کم قوت سلاح ثقیل شان درمقایسه با سلاح ثقیل دشمن نمی توانند پیشروی نمایند ودر مواضع خود آماج آتشباری توپ های سنگین، بمباردمان شدید هوایی وآتش اسکاد قرار می گیرند که این امر تلفات مجاهدین را بدون پیشروی وغلبه بر دشمن

بالامیبرد.

۹ـ از لحاظ مورال وروحیهٔ جنگی، مجاهدین درشروع جنگ وتداوم آن نسبت بدشمن برتری داشته اند ولی اگرجنگ بیش ازحدطولانی وفرسایشی شودمجاهدین از لحاظ مورال وروحیهٔ جنگی خساره مندمیشوند .زیرا مجاهدین باروحیهٔ قوی برای فتح جلال آباد بحالت تعرضی واردعمل محاربوی شده اند درحالیکه دشمن باروحیهٔ پژمرده درحالت دفاعی آنهم شکست و مغلوبیت خودرا نسبت به توانایی دفاع بیشتراحساس میکرد، قرارداشت . اما توقف پیشروی سریع مجاهدین برای فتح جلال آباد روحیهٔ پژمرده وشکست خوردهٔ دشمن را بالامیبردوبرخلاف تاثیر منفی را برای مجاهدین بارمی آورد .

۱۰ـ اهمیت وتاثیرزمان واقلیم نیزدرجنگ جلال آباد مدنظرگرفته نشده بود .

جنگ جلال آباد هنگامی شروع شدکه اکثرنقاط کشور پوشیده ازبرف بودوسردی زیادمانع عملیات وسیع وسرتاسری مجاهدین علیه پایگاه ومراکزرژیم کابل می گردید .

اما طراحان جنگ نقش زمان واقلیم رادرجنگ جلال-آباد نادیده گرفتندواین امرطبعاً اثرات منفی را درجنگ گذاشت .

۱۱ـ باوصف برخی نقاط مثبت که دردشمن وجودداردازداشتن نقطه های ضعیف ومنفی که می تواندسبب سرنگونی وزوالش گرددخالی نمی باشد .

دشمن درجلال آباد از لحاظ اکمال مواد لوژستکی ونظامی وابسته به بیرون است وبرای این منظور باز-بودن سرک کابل - جلال آباد برایش اهمیت حیاتی دارد. درحالیکه چانس پیروزی دشمن دراین امر ناچیز است وهمین اکنون این شاهراه کاملاً مسدود بوده ویگانه راه اکمال نظامی ولوژستیکی برای دشمن راه هوایی باقی مانده است که آنهم فقط از طیارات هلیکوپتر میتوانند دراین مورد استفاده کنند چون میدان هوایی جلال آباد به نسبت حملات مجاهدین غیرقابل استفاده شده است؛ ازیکطرف استفاده از هلیکوپتر برای اکمال موادنظامی ولوژستیکی دشمن کفایت کننده نیست واز طرف دیگر استفادهٔ دایمی هم از هلیکوپتر برای دشمن مسلم وقطعی نمی باشد.

بناءً با تقلیل اکمالات نظامی ولوژستیکی دشمن و قطع آن سقوط جلال آباد سریع ومسلم میگردد.

۱۲- فرارعساکروصاحب منصبان نظامی وملیشه های مسلح ازقوای مستقردرجلال آباد از آغاز جنگ تاکنون بلاوقفه ادامه داشته است که این خوددرتضعیف و انهدام دشمن نقش عمدهٔ را ایفا می کند.

۱۳- رژیم روسی درجلال آباد مسکونین شهررا با زور وفشار ازخروج شان ازشهرمانع میشودتا از آنها سپری دربرابر حملات مجاهدین بسازد. اما این امر به عوض نتایج مثبت پیامد منفی را بدشمن داشته است؛ زیرا رژیم قادربه تهیهٔ موادغذایی مردم

نبوده، قحطی وگرسنگی شدیدبصورت روزافزون، مردم شهررا تهدیدبه مرگ می کندواین امرسبب طغیان مردم علیه رژیم میگردد وبرسرعت سقوط جلال-آباد می افزاید.

از جنگ جلال آباد چه تجاربی را میتوان آموخت؟

وجلال آبادرا چگونه میتوان فتح کرد؟

۱- عمدهٔ ترین تجربهٔ راکه مجاهدین ازجنگ جلال-آباد میتوانند بیاموزندوآن را درجرکات جنگی خود بکاربرند این است که مرحلهٔ کنونی جنگ را درنظر بگیرندونیروهای خودرا مطابق خواست نیازمندی این مرحله نظم دوباره بخشندوبرای هرنوع حرکت محاربوی پلان منظم ودقیق طرح نمایندوباهم آهنگی ووحدت واردعمل شوند.

۲- مجاهدین باحملات وسیع ، گسترده، سرتاسری متحدوهم آهنگ خودباید درقدم اول مراکزضعیف وکوچک دشمن را درهرنقطهٔ ازکشورفتح نمایند. این امرمورال جنگی مجاهدین را بالامیبرد، درمقابل ازیکطرف مورال دشمن ضعیف میشودوازطرف دیگرقوت دشمن عملاً کاهش میابدوساحهٔ زندگی وتسلط دشمن محدود و محدود ترگردیده ودرسراشیب سقوط وزوال قطعی قرار می گیرد.

اصلاً انتخاب جلال آباد به حیث هدف اول بعد از خروج روس یک کار غلط و اشتباه بود؛ زیرا جلال آباد نقطهٔ ضعیف نه، بلکه قوی ترین نقطهٔ دشمن بعد از کابل به حساب می آید.

۳- براه انداختن جنگ سرک ها قبل از جمله به مراکز دشمن یا هم زمان با آن امریست که مجاهدین به آن اولویت دهند تا شاهراه های اکمالاتی دشمن قطع و تمام مراکز و شهرهای تحت کنترول رژیم روسی از هم بی ارتباط و منزوی شوند و بدین وسیله سقوط مراکز و شهرها به سرعت عملی گردد. دسترسی دشمن به اکمالات لوژستیکی و نظامی در شهرها و مراکز تحت کنترولش فرصت بقاء و دوام او را بیشتر میسازد.

۴- بناءً جنگ جلال آباد در حالت کنونی اش حفظ شود و مجاهدین بصورت عاجل و سریع به تنظیم مجدد نیروهای خود بپردازند. به آن شرح که در مبحث ضرورت نوع حرکت جنگی در مرحلهٔ کنونی خاطرنشان کردیم اقدامات عملی صورت بگیرد تا جنگ منظم، سرتاسری، هم آهنگ و فیصله کننده آغاز شود و در آن صورت سقوط جلال آباد در جریان سقوط سایر شهرها و مراکز تحقق می پذیرد.

۵ - اگرچنین نشود و جنگ گسترده، هم آهنگ و منظم با وحدت عملی در سرتاسر کشور براه نیفتد و مراکز نظامی و شهرهای زیر کنترول دشمن یکی بعد دیگر سقوط نکند، فتح یک شهر به تنهایی همچو شهر جلال آباد که برای رژیم روسی کابل اهمیت مهم و حیاتی را داشته باشد

شایدسبب استفادهٔ رژیم روسی ازسلاح شیمیایی برای قتل عام مردم شود. شایعهٔ است قرین به حقیقت که روس ها سلاح شیمیایی رادراختیار رژیم دست نشاندهٔ خودقرار داده اندتابعدازخروج خود شان موردا ستفاده قرار بگیرد. گفته میشودکه اکنون حکومت کمونیستی کابل به همکاری مشاورین نظامی هندمیخواهندازاین سلاح درجنگ علیه مجاهدین استفاده کنندخاصتاً درجنگ های که شکست می خورند ومراکزعمدهٔ خودراازدست میدهند؛البته اقدام مجاهدین برای وسعت، گستردگی وتشدیدجنگ با هم‌آهنگی ووحدت قوماندهدرسرتاسرکشورچنین مجالی راازدشمن سلب خواهدکرد.

والسلام

نقش انقلاب اسلامی در ایجاد وحدت میان مسلمانها

۲۲ حوت ۱۳٦٦ هـ ش

وقتی ما نگاه ژرف و عالمانه یی بر پدیده های موجود در کائنات و قوانین وسنت های حاکم برآنها بیفگنیم، در قدم اول موجودیت ویژگی وخصوصیت وحدت را درآنها به وضاحت مشاهده می کنیم. موجودیت خصوصیت وحدت به این معنی که کائنات وسنتها وقوانین موجود درمیان آنها همه سیر توحیدی دارند، از منشأ واحدی نشئت کرده اند، با تدبیر واراده واحدی اداره میشوند ودر راه اطاعت وانقیاد از قوانین وسنت های ذات واحد، حکیم ومقتدری قرار دارند.

دریافت خصوصیت وحدت درمیان پدیده ها وسنت های حاکم برآنها با براهین ودلائل متعدد قابل فهم و اثبات است. موجودیت نظم وحفظ همیشگی نظم درکائنات وموجودات رنگارنگ آن دلیل واضح واساسی وحدت درآنها است واین نظم است که زیبائی وشایستگی عجیب را به عالم هستی بخشیده است وهمین زیبائی وشایستگی کائنات و پدیده های آن است که زندگی را برای انسانها که اشرف مخلوقات هستند، مساعد میسازد وانسان درزندگی خود از پدیده ها وموجودات عالم استفاده میکنند.

اما اگر وحدت درنظام عالم وجود نداشته باشد، قوانین وسنت های جاری درپدیده ها وموجودات رنگارنگ عالم منبع ومنشأ واحد نداشته باشد، درمدیریت وتنظیم عالم هستی

تدبیروا را ده‌ء واحدی دست اندرکار نبا شد ، نظم وانتظا می کها زیکطرف سبب حفظ ، ثبات وبقا ی کا ئنا ت میگرددو از طرف دیگرزیبا ئی وشا یستگی را به‌آ ن می بخشد ، وجودنخوا هدداشت . برکا ئنا ت وعا لم هستی سنت ها ی جا ویدا ن الـهی حا کم است وعا مل وحدت همین اطا عت پدیده‌ها ی عا لم از فرما ن تکوینی خداوندوسنت ها ی الـهی است که سبب میشودکا ئنا ت منظم، زیبا وشا یسته‌با شد . آسمـا ن ، زمین، ستا رگا ن، گیا ها ن، پرندگا ن، گزندگا ن،حیوا نات، نبا تا ت ، جما دا ت وهمه‌هستی مخلوقا ت ا زفرما ن تکوینی خدا وندبدو ن مخا لفت وسرپیچی پیروی میکنند. وبا نبودن وحدت یا سرپیچی کا ئنا ت ا زفرما ن تکوینی خداوندوسنت ها ی الـهي، موجودیت وبقا ی کا ئنا ت درمخا طره‌می افتد و شا یستگی وزیبا ئی خودراا زدست میدهد. به‌قول شا عر نا م آورمشرق حضرت مرزا عبدالقا دربیدل که‌میفرما ید :

انحراف ازوضع طبیعی هیچ جا مقبول نیست

چون بسوي دیده‌برگردید ، مژگا ن خنجراست

وضع طبیعی، سنت ها ی جا ویدا ن الـهی است که بـر پدیده‌ها وموجودا ت عا لم نـها ده‌شده‌وا طا عت ا زآ نها وحدت ونظا م کا ئنا ت را تأ مین میکندوسبب بقا ودوا م کا ئنا ت و پدیده‌ها ی عا لم میگرددوسرپیچي ومخا لفت به‌آ ن،موجودیت ودوا م عا لم هستی را برهم میزندوزیبا ئی وشا یستگی پدیده‌ها را به‌زشتی تبدیل میکند . چنا نچه‌مژگا ن را خدا وند (ج) برا ی حفا ظت وزیبا ئي چشم به‌این شکل که‌می بینیم خلق کرده، ولی اگربرخلاف خلقت الـهی عمل کنیم ومژگا ن را بسوي دیده‌پا یا نش بدا ریم، تبدیل به‌خنجری میگرددکه غوض دوا م وزیبا ئی چشم ، چشم را کورمیسا زد، پس مو- جودیت ویژگی وحدت درکا ئنا ت وپدیده‌ها ی آ ن با اطا عـت کا ئنا ت وعا لم.موجودا ت ا زفرما ن تکوینی خدا وندحکیم و

فهرست مطالب

قدیر یک ضرورت مبرم و اساسی برای بقا و دوام کائنات و زیبائی و شایستگی آن به این شکل موجود میباشد و اسرار و حکمت وحدت هم درهمین نهفته است که نظم کائنات و عالم موجودات الی ما شاء الله به این زیبائی و این شایستگی باقی می ماند.

و اما انسان که اشرف مخلوقات درمیان موجودات عالم و خاصتا موجودات سیارهٔ زمین میباشد، نسبت به همه مخلوقات برتری داشته و درنهایت زیبائی و شایستگی خلق شده است طبعا برای انعکاس و تجلی هرچه بهتر و بیشتر استعدادها، زیبائی ها و شایستگی های خود به وحدت و همبستگی ضرورت دارد. انسانها با وحدت و همبستگی میتوانند برای زندگی خود امنیت و آسایش تأمین نمایند، درمسیر کمال و سعادت برسند، به ترقی و پیشرفت مادی و معنوی نایل گردند و از پدیده ها و موجودات کائنات که در حقیقت نعمات الهی برای شان است، استفادهٔ بهتر و خوبتر نمایند. عدم وحدت درمیان انسانها، عدم وحدت درنظام فکری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و سایر ابعاد زندگی آنها مایهٔ کشمکش ها، نزاع ها، برخوردها، کینه ها، عداوتها، قتل ها و ویرانگری ها میگردد که در نتیجه نظم زندگی شان برهم میخورد، بی امنی برجامعهٔ انسانی حاکم میگردد و بشریت بجای رسیدن به سعادت و رستگاری درگودال تباهی و بدبختی سقوط میکند و همان ترتیب که از بین رفتن وحدت درنظام عالم، زیبائی و شایستگی آن را به ویرانی و زشتی تبدیل می کند، عدم وحدت در جامعهٔ بشری نیز جز زشتی و ذلت، تباهی و تلخ کامی ها دست آورد و ارمغان دیگری ندارد. ولی سوال دراینجاست که انسانها چگونه می توانند وحدت را درمیان خود تأمین نمایند و کدام مکتب فکری و اعتقادی میتواند دراینجا وحدت در جامعهٔ

انسانی نقش اساسی وعمده را ایفا کند و را ه عملی تأمین
وحدت را برای انسان روشن نماید. و درچنین بررسی نقش
اسلام متحیث یگانه مکتب فکری که قادر به ایجاد وحدت بشری
میشود ونقش انقلاب اسلامی به حیث یگانه راه که این آرمان
بزرگ وعالی را تحقق می بخشد به خوبی روشن میگردد.
پاسخ علمی و درست به این سوال این است که تأمین
وایجاد وحدت درمیان جامعهٔ بشری وتشکیل امت واحد بر
اساس ضوابط وقوانین بشری امکان پذیر نیست زیرا
استعداد وعقل بشر دارای نواقص ومعایب زیادی است که
قادر به ترسیم وتدوین راه درست زندگی که تأمین کننده
عدالت اجتماعی ورفاه وسعادت درمیان بشریت باشد نیست
انسان در عالم ومعرفت خود محدودیت زیادی را دارد، عقل
انسان از درک وفهم بسیار مسائل عاجز است. یک انسان
وقتی بخواهد قانون عادلانه برای بشریت وضع کند، نمی
تواند خود را در موقعیتی قرار دهد که جنبه عدالت وبی طرفی
واخلاص را نسبت به همه افراد بشر رعایت کند. از یک طرف
علم ودانش او از شناخت انسان آنطوریکه هست عاجز است و
از طرف دیگر حتما تحت تأثیر مسائل چون نژاد، زبان ،
رنگ، ملیت، منطقه وعقده های مختلف قرار می گیرد وبه
جای طرح وارائه افکار عادلانه، نظریه های فساد انگیزی
را پیش میکند وانسانیت را به ویرانی می کشانند. طوریکه
کمونیست ها مکتب فاسد وباطل کمونیزم را یک ایدئولوژی
ویک مکتب انقلابی، برحق ویگانه نظام اعتقادی طبقات
محروم وستم کشیدهٔ جوامع انسانی معرفی می کنند وبا
چنین پندار خرافی وافکار ظالمانه وشیطانی به انسانیت
می تازند وبا فساد گری، فتنه انگیزی، قتل وغارتگری
بشریت را به خاک وخون می کشند. درمیان مردم روسیه
ضرب المثل مشهوریست که به شکل طنز درافشای نظام سیاسی

خودبا هم گفتگو میکنند. وقتی شخصی می پرسدکه وضع زندگی دردوران ستالین چگونه بود؟ طرف درجواب میگوید مثل سرویس برقی. بدین معنی: نیمی از جمعیت نشسته اند یعنی درزندان هستندو نیم دیگرایستاده می لرزند وفقط یکنفر (ستالین) رهبری میکند.

نظام ننگین وکثیف لیبرالیزم ودیموکراسی غرب به مراتب ننگین تر، سیاه تروحیوانی ترازنظام کمونیزم است.

درمکاتب فکری ونظام های اعتقادی بشراصلا"مبانی ومبادی درست ومعقول وحدت وجودندارد که وحدت جامعه انسانی برروی آن بنا یا بدوا ستوار گردد. مثلا" ازجمله مبانی اساسی تأمین وحدت دریک جامعه میتوان از داشتن یک ایمان صادقانه ومخلصانه به یک آئین ومکتب نام برد که آن ایمان وآن مکتب قادربه وحدت فکری یا توحید اندیشه ها وقادربه وحدت قلبی یا یکدلی وصمیمیت باطنی در میان انسانها باشد که درین صورت وحدت بدون اکراه وفشار درجامعه انسانی تحقق می پذیرد. اما تمام مکتب های فکری بشر ازداشتن چنین بنا واساس درست ومعقول که برای ایجاد وحدت جامعه انسانی ضروراست، بی بهره هستند. سکوت ده ها میلیون توده های انسانی درسرزمین روسیه ناشی ازموجودیت وحدت درمیان مردم آن وناشی از این خصوصیت قوانین وضوابط مکتب کمونیزم نیست که عدالت وسعادت واقعی را درمیان مردم محکوم روسیه تأمین کرده باشد، بلکه این سکوت ناشی ازترس ووحشت بس بزرگیست که نظام جبار وديكتاتور كمونيزم درطول هفتاد سال حاكميت ظالمانه وجبار انداش برمردم روسیه ایجاد نموده است. حاکمیت کمونیزم درکشورهای کمونیستی براساس ایجاد سوسی وایجاد رعب وهراس درقلوب مردم، استوار است. مردم در

کشورهای کمونیستی از دستگاه جاسوسی سخت وحشت دارند و حتی سوء ظن و بدگمانی در فامیلهای جوامع کمونیستی بین پدر و پسر، زن و شوهر، خواهر و برادر وجود دارد.

در نظام فکری و اعتقادی لیبرالیزم و دیموکراسی غرب نیز هیچ بنا و اساس محکم و معقول که براساس آن وحدت جامعهٔ انسانی تأمین شود وجود ندارد. در دنیای با صطلاح آزاد آمریکا و اروپا مقام انسان در حد حیوانات جنگلی تنزیل نموده است. از اخلاق انسانی خبری نیست، از عاطفه و احساس و نوع خواهی اثری وجود ندارد، ارزش انسان به معیارهای انسانی سنجیده نمی شود، انسان یک موجود مصرفی، یک ابزار و وسیلهٔ است که بتوان توسط او کار پر منفعتی را انجام داد و در غیر آن باید آن ابزار را باطل ساخته شود و از بین برود. افسردگی، تشویش، عقده، یأس از زندگی و صدها امراض روحی در آنجا حاکم است. حکام نظام های ننگین استکبار شرق و غرب با مغزهای الکلی و قلبهای شیاد و افکار شیطانی هر لحظه در فکر استثمار انسانها و یغما و چپاول دسترنج انسانیت هستند و جز طرح تفرقه، نفاق و فساد و فتنه در برابر جوامع بشری چیز دیگری ندارند.

بدین اساس ایجاد جامعهٔ توحیدی و به کمال رسیدن و سعادتمند شدن از طریق افکار و اندیشه های بشری امکان ندارد. بناءً پروردگار حکیم و قدیر که جهان خلقت را باتمام نعمات و زیبائی ها خلق نموده و انسان را در میان همه مخلوقات و پدیده های عالم در شایسته ترین شکل در آورده و پادشاهی و خلافت زمین را برایش عطا کرد، در مورد تعیین راه زندگی اش که این موجود زیبا به بیراهه ها و گودالها نرود، نیز از لطف و عنایت بی پایان خود دریغ نکرده است. و راه درست زندگی را که در پرتو آن انسان به کمال برسد و جامعه واحد انسانی ساخته شود، معین فرموده و در نهایت چنین راهی

راعنایتا "به عقل بشرنگذاشته است .

استعداد به کمال رسیدن و وحدت یافتن انسانها در خلقت وفطرت بشروجود داشته وخداوند متعال غرض به فعلیت رسیدن همین نیروی نهفته شده وفطری سعادتمند شدن ، به کمال رسیدن و به وحدت رسیدن جامعه انسانی پیغمبران را مبعوث داشته است . قرآن این مطلب را چنین بیان میکند کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین ومنذرین وانزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوفیه ه

(انسانها امت واحده بودند ، پروردگار پیغمبران را فرستاد که نیکان را بشارت دهند وبدان را بترسانند وبا آنها کتاب براستی فرستاد تا تنها دین خدا به عدالت در مورد نزاع مردم حکم فرما باشد .

دین مقدس اسلام که آخرین وکاملترین ادیان آسمانی است ومحمد مصطفی (ص) پیغمبرگرامی وبزرگ اسلام که خاتم پیامبران وآخرین سلسله بعثت انبیاء است ، از همه ادیان وشرایع آسمانی گذشته ، راه درست رسیدن بسعادت کمال ووحدت بهتررا برای انسان مشخص ومعین فرموده است وجولانگاه فرامین ، هدایات وتعلیمات شریعت اسلامی چنان وسیع وگسترده است که بشریت میتواند تا آنجا که خواسته باشد بسوی کمال پروازکند ودرعالیترین نردبان تکامل برسد فقط اسلام میتواند که بشریت سرگردان ، متردد و گمراه را هدایت نماید وبه راه سعادت سوق دهد وتنها انسان درروشنائی هدایات وموازین مکتب کمال آفرین ونجات بخش اسلام میشود که از تفرقه واختلاف ونزاع وکشمکش رها شود ، جامعه وامت واحد را بوجود بیاورد .

مبانی وحدت را در امت اسلامی که برا ساس آن امت واحد تشکیل میشود واتحاد ووحدت مسلمین تحقق میبابد به طور خلاصه میتوان چنین ارزیابی نمود :

۱ - وحدت فکری و اعتقادی؛

تمام افکار و اعتقادات اساسی اسلام که مسلمانان همه میتوانند برآن اساس امت واحد شوند بر توحید و یگانگی استوار بوده و در قرآن کریم هیچ یک از اصول اعتقادی به صورت متضاد و مختلف که سبب اختلاف و پراگندگی مسلمانان گردد بیان نشده است. درحالیکه چنین خصوصیت و ویژگی در هیچیک از مکتب ها و اندیشه های بشری وجود ندارد.

قرآن کریم، خدا وند جهان را واحد معرفی میکند، دین اسلام را یگانه دین برحق و آخرین ادیان آسمانی معرفی می نماید و انتخاب غیر از آن را انتخاب باطل و ناجایز می شمارد. محمد مصطفی (ص) را فقط پیغمبر اسلام و آخرین پیغمبران الهی میخواند و مسلمانان ها را موظف میکند تا نظام فکری و اعتقادی خود را بر مبنا و اساس دساتیر و تعلیمات اسلامی استوار ساخته و فرمان نجات بخش و عظیم خود را در تحقق این آرمان مقدس چنین صادر می کند:

وعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا ه

۲ - وحدت قلبی و باطنی؛

اسلام نه تنها وحدت اعتقادی و فکری را برای ایجاد امت واحد و جامعه توحیدی طرح می کند؛ بلکه در وحدت قلبی، درونی و باطنی [redacted] تنها نیز اکیدا دستور می دهد. یک مسلمان باید قلبا مسلمان دیگر را دوست داشته باشد و براساس ایمان اسلامی نفع خود را در نفع جامعه مسلمین بجوید. پیوند قلبی و باطنی مسلمانان یکی از مبانی و اساس ارزشمند و جاویدانی وحدت است که در هیچ مکتب و نظام اعتقادی دیگر نظیر آن دیده نمی شود: /

برخی اجتماعات انسانی پیرو و هوادار یک مکتب فکری

بشر که ظاهرا دریک جامعهٔ واحد بسر میبرند ، درحقیقت وحدت آنها روی اجبار وفشار دستگاه حاکمهٔ ظالم وطاغوتی استوار است وهیچنوع پیوند قلبی ، اعتماد واقعی ، اخلاص ، صفا ، صمیمیت ، ایثار وفداکاری درمیان شان وجودندارد . مثلا در روسیه که اولین کشور کمونیستی وسردمدار نظام کمونیزم درجهان است این خصوصیت وجود داردواین واقعیت را بسا اتباع فراری روسیه

خاصتا آنهائیکه اعضای سازمان جاسوسی وعضوحزب کمونست روسیه بوده اند برملا ساخته وخاطرنشان میدارندکه اگر مرز های روسیه بروی ساکنین آن گشوده شود ، آنگاه این مفهوم دروغین وکاذب که بنام اتحاد شوروی سیصدملیون انسان را زندانی کرده اند باطل میشود ومردم به سرعت از این اتحاد فرار خواهندکرد ومتفرق خواهندگردید .

۳ - وحدت فعلی و عملی :

سومین مبنا واساس اصولی تشکیل امت واحدوجامعهٔ توحیدی دراسلام ، دساتیر وموازین اسلام درانجام واجرای وحدت فعلی وعملی مسلمانهاست . تمام افکار واعتقادات وتعلیمات اسلام اولا درفکر واندیشه جای می گیرد و در باطن وقلب انسان از تصدیق وتائید آن اطمینان وآرامش پیدا میشود وبعدا درعملکرد وفعل انسان انعکاس می یابد و متجلی میگردد وبه این شکل مسلمانها عملا درمسیر واحد قرار می گیرند ودرنتیجه امت واحد بوجود می آید .

۴ - وحدت در پیشوای الگو و نمونه :

یکی از عمده ترین مسئلهٔ تفرقه انگیز واختلاف آفرین مکتبها ونظامهای فکری واعتقادی بشرکه مانع ایجاد وحدت جامعهٔ انسانی میگردد همین مشخص نبودن انسان نمونه و الگوی است که جامعه را به توحیدی خوبرا برخط مشی وعملکرد واندیشه وافکار آن تعیین وتثبیت نماید .

درمکتب منحط وطاغوتی کمونیزم، شخصیتها و افراد تا وقتیکه سلطه وحاکمیت دارند الگو ونمونه هستند و مردم مجبورند از آنها بعنوان رهبروپیشوای قهرمان و کبیر تمجید وستایش نمایند. اما وقتی آنها می میرند ویا توسط کودتای کمونست دیگری سرنگون میشوند، قیافهٔ زشت، فاسد، مجرم وجنایتکار را می گیرند. خروشچف استخوانهای پوسیدهٔ استالین را محاکمه کرد وبریژنیف خروشچف را محاکمه نمود، گورباچف از فساد داری بریژنیف داد وفریاد می کند وکمونستهای امروز چین، مائو، قهرمان والگوی دیروز چین را متهم می نمایند. وضع درجوامع ننگین ودیموکراسی غرب از این هم بدتراست واین خودوحدت واقعی جامعهٔ انسانی را نا ممکن می سازد. اما در اسلام شخصیت الگو و نمونه، رهبروپیشوای که مسلمانها، زندگی، اتحاد ووحدت خودرا براساس اندیشه، افکار، خط مشی وعملکرد آن بسازند وجود دارد که آن محمدمصطفی (ص) پیغمبربزرگوار اسلام است وکافهٔ مسلمین درین موردوحدت نظردارند. قرآن دراین امربه مسلمانها چنین هدایت میدهد:

لقدکان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجوا الله والیوم الاخروذکرالله کثیرا ..

(به تحقیق پیغمبربرای شما رهبرشایسته است، برای آن کسانیکه به خداوروزآخرت امیدوار باشندوخدارا بسیار یادکنند.).

پیغمبراسلام (ص) هم میفرماید: (بمن بنگرید، هر طوریکه من عمل میکنم شما عمل کنید).

۵ ـ وحدت مسلمانها در موجودیت اولین جامعهٔ توحیدی اسلام:

همانطوریکه مسلمین درداشتن رهبروپیشوای که سرمشق اندیشه وعمل شان باشدوحدت نظردارندوبوجود آمدن وتحقق یافتن اولین جامعهٔ توحیدی وامت واحد

اسلامی که توسط پیغمبر اسلام (ص) تشکیل شد وحدت نظر دارند. پیغمبر اسلام در پرتو مکتب انسان ساز اسلام از مردم جاهل و بادیه نشین که در میان آنها ارزشها و معیارهای انسانی مرده بود و در اسارت جاهلانه ترین اندیشه ها و سنتهای منحط و ننگین یکدیگر را می کشتند و دایم در اختلاف و جنگ و کشمکش بسر میبردند، چنان یک امت واحد و نمونه ساخت که دشمنی های چند ساله جاهلی به محبت و دوستی بدل گشت و اختلاف و تفرقه جایش را به وحدت و یکپارچگی داد و افراد آن در عالیترین مرحله کمال انسانی رسیدند. آنجا شیکه قرآن در وصف این جامعه و این امت واحد، نمونه وبی نظیر چنین میگوید:

وکذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیداء (این چنین ما شما را امت وسطی قرار داده ایم تا بر مردم الگو و نمونه (قابل مشاهده) باشید و رسول (ص) نیز به شما نمونه گواه باشد). اما مکتب های فکری بشر و رهبران آنها ابدا قادر به ایجاد جامعه نمونه که ارزشهای انسانی در آن حفظ شود و مردم به وحدت و سعادت برسند، نگردیده و نمی گردند.

ایدئولوژی منحط لیبرالیزم غرب که مدعی ایجاد جامعه متکامل و متمدن انسانی است، بشریت را بجای رشد و رسانیدن بسوی کمال در مسیر وحشت و حیوانیت سوق داده است. مکتب کمونیزم هم بجا معه انسانی، ایجاد جامعه خودکار، بی طبقه و فاقد استثمار و ستم را نوید میدهد اما در عمل دست آوردش معکوس است.

از عمر حاکمیت کمونیزم در روسیه هفتاد سال می گذرد و طبق ادعای کمونیزم، باید نسل بعد از انقلاب کمونیستی در روسیه، افراد اصلاح شده و خودکار و به اصطلاح خود شان انترناسیونالست بار می آمدند. اما در افغانستان افراد روسی را که بعد از انقلاب کمونستی تولد شدند و به سن جوانی

رسیدندوازتولدتاجوانی درنظام کمونیزم، درجامعه کمونستی ومطابق افکاروانديشه های مکتب کمونیزم تربیه شده اندوسربازان یا افسران ارتش سرخ هستند، می بینیم که چنان انسانهای وحشی، حیوان منش ودرنده صفت میباشندکه حتی ازابتدائی ترین صفات اخلاقی یک انسان جاهل وبی دانش هم برخوردارنیستند. این نسل نمونهٔ کمونیزم چنان وحشی وبی بهره ازتمدن انسانی هستندکه وقتی برای تلاشی وبازرسی درخانه ها وقصبات میروند، قسمتی بدن یک حیوان زنده راهچون گرگان درنده بابرچه های کلاشینکوف خودقطع میکنندوآنرا نیم خام میخورند. اکثراً درخانه ها ومحل های درحین هجوم وتلاشی به سر می برند در بسترکه می خوابندقضای حاجت میکنند. این انترناسیونالیستها یک قوطی سیگارویک پاکت چاکلیت ازیک طفل سیگارفروش افغانی سرقت می نمایند آدم کشی وخونریزی اصلاً حرفه وتخصص شان است..

۶ - تشخیص آفتهای تشکیل جامعهٔ واحد و هدایت به مسلمین در طرد آنها:

دین اسلام چون برای بکمال رسانیدن انسان وواحد ساختن جامعهٔ انسانی ازجانب پروردگارنازل شده است بناءً نه تنها که موازین وضوابط تحقق وتطبیق چنین هدفی را معین نموده بلکه آفتهای تحقق این آرمان وریشه های تفرقه وپراگندگی مسلمانها را مشخص ساخته وراه مبارزه با آنرا نیزنشان داده ومعین نموده است. قرآن درین مورد به مسلمانها چنین میفرماید:

: یا ایها الذین آمنوا لا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعدما جائهم البینات اولئک لهم عذاب عظیم.

(ای اهل ایمان! ازآنانیکه پراگنده شدندواختلاف ایجاد کردندبعدازآنکه حجت های خدابرآنها آمد، نباشید، آنان

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

این رساله مجموعهٔ هشت مقالهٔ های مختلف است که درمورد مسایل مهم وبا ارزش مربوط به جهاد افغانستان نگاشته شده وطی دوسال گذشته درنشرات جهادی نیز منتشرگردیده است.

به عون ویاری پروردگار اینک موفق شدم تا آنها را جمع آوری نموده وبه شکل رسالهٔ چاپ نمایم تا صاحبان ذوق وعلاقه موردمطالعهٔ استفادهٔ خویش قرار بدهند.

دومقالهٔ اول رساله "چگونه بجنگیم تا پیروزشویم" و "تحلیل وبررسی جنگ جلال آباد" مرتبط باهم هستندومخصوصا "برای مطالعهٔ مقالهٔ اخیرالذکر مطالعهٔ مقالهٔ اول ضروری میباشد وسایرمقاله ها از مسایل مختلف وجدا ازهم بحث مینمایند.

امیدوارهستم که این مقاله ها بتوانند اثر عملی خودرا برمطالعه کنندگان وعلاقمندان بگذارد، چه درد وآلام ومصیبت که ما تا کنون کشیده ایم وهنوزادامه داردناشی ازدورنگی درگفتار وعمل ما است؛ آنچه راکه برزبان می گوئیم امادرعمل درست برخلاف آن قرارمی گیریم.

ازوحدت سخن می گوئیم به تفرق وجدائی قدم میگذاریم. ازبرادری وصمیمیت حرف می زنیم، درعمل باهم به دشمنی وستیزه برمی خیزیم واگرادعای

را عذابی بزرگیست .)

اسلام برتری خواهی فردی، حس برتری جویی نژادی، زبانی، منطقه‌وی وقومی را بعنوان آفت اتحاد ووحدت مسلمین قلمداد میکندوپیروان خودرا به‌طردآن دررسیدن با مت واحد اسلامی فرا میخواند. معیار تائید انسان وامتیاز اودراسلام، ایمان صادقانه‌وتقوی بی ریا ومخلصانه است و جزاین دیگرهیچ چیزی اصالت ندارد. جامعهٔ توحیدی مسلمین درزمان پیغمبراسلام (ص) ازافراد مختلف که در رنگ، نژاد، زبان، ثروت ونصب تفاوت داشتند تشکیل یافته بود، ازبلال سیاه پوست حبشی ازمسلمانان سفید پوست فارسی، ازابوذرغفاری حجازی، آزبرده‌وآزاد، از ثروتمندوفقیرکه همه درعالیترین مرحلهٔ کمال انسانیت رسیدندوهمه مصداق واقعی ازامت واحدوجامعهٔ توحیندی بودند.

اما وقتی افکارناسیونالستی با قومیت پرستی، هژمونیستی یا عظمت طلبی نژادپرستی، رنگ پرستی وبرتری خواهی زبان ومنطقه‌وامثال آن برمسلمین چیره گردید، مسلمانها به‌ذلت زیربارفتن تسلط دشمنان مختلف اسلام روبروشدند. وقتی حاکمان فاسدکشورهای عربی مسلمان، ناسیونالیزم عرب را برای مقابله‌با صهیونیزم متجاوز و اشغالگرپیش کردندوقضیهٔ فلسطین را یک قضیهٔ عربی ساختندنه‌اسلامی، بیشترازپیش درزیرسلطهٔ کفرصهیونیزم و امپریالیزم غرب وشرق ذلیل تروحقیرترگردیدند.

۷ ـ وسعت دید اسلام در تشکیل جامعهٔ توحیدی و امت واحد:

همچنان یکی ازاساس واصول درست ومعقول که‌بشریت وخاصتا مسلمانها میتوانندبرمبنای آن جامعهٔ واحدی‌ایجاد نمایندوسعت دیدٔدین اسلام دربرابرجهان بشریت بطورعام

وعالم اسلام بطورخاص است . تمام فرقه‌های اسلامی که معتقد به اصول اساسی اسلام چون توحید، نبوت ، معاد و معتقد به قرآن ودساتیرش باشند جزء امت اسلامی حساب می شوند وهیچکدام را نمی توان ازحلقهٔ اسلام خارج دانست چنانچه پیغمبراسلام (ص) میفرمایند :
(هرگاه شخصی ازمسلمان، مسلمان وگروه دیگری ازمسلمان ها را تکفیر کند درحالیکه آن شخص وگروه مسلمان باشد، این تکفیر به شخص تکفیر کننده برمیگردد .)

درجامعهٔ توحیدی اسلام، کافران که با مسلمانها محارب نباشند واز حکومت اسلامی متابعت نمایند با سایر مسلمین حقوق مساوی دارند ومیتوانند درجامعهٔ واحد مسلمانها زندگی کنند وبه این ترتیب فقط اسلام قادر به ایجاد جامعهٔ واحد انسانی وخاصتاً قادر به تشکیل امت واحد درمیان مسلمانها است . اما راه رسیدن به تشکیل امت واحد وجامعهٔ توحیدی مسلمین درین نهفته است که اسلام درجامعه حاکم باشد وحاکم شدن اسلام از طریق جهاد وانقلاب اسلامی میسراست وفقط انقلاب اسلامی است که با پیروزی خود نقش وحدت میان مسلمانها را ایفا میکند .

اسلام دین انقلابی است ودرهمان صبحدم طلوع خود کار را با انقلاب شروع کرد . انقلاب درفرد : انقلاب درباطن وضمیر افراد به میان آورد ، انقلاب که درفکرواندیشه افراد بوجود آورد ومطابق آن انقلاب که درفعل وعملکرد افراد ایجاد کرد وبا دگرگون ساختن ظاهروباطن افراد ، جامعه را نیز دگرگون ساخت وبرهمه ابعاد زندگی فردی واجتماعی انسان نفوذ نمود ، مسلط گردید وحاکمیت یافت .

قیادت ورهبری عظیم الشأن اسلام (ص) در انقلاب اسلامی مراحل مشخص ومنظمی را پیمود . انقلاب را از تک افراد اولا درخفا وبعدا آشکارا آغاز کرد وتا قلب مردم وجامعه کشانید . از دعوت آرام ومسالمت آمیز تا برخورد قاطع

وقهرآ میزوجها دمسلحا نه‌وقتا ل استفا ده‌کردودرین راه با همه‌پیروا ن خودا ذیت یا فتند، شکنجه‌دیدندوتبعیدگردید-ند، اما چون کوه‌پا یدا ری وا ستقا مت ورزیدندوا زخو ن و عرق خودویا را ن را ستین خودا نقلاب اسلامی را به پیروزی رسا نیدندوا سلام را حا کم سا ختندوبرمبنا ی موا زین اسلا م جا معه‌ء وا حدوا مت متحدویکپا رچه‌تشکیل دا دندوا ین فقط یگا نه‌را ه‌ا یجا دوحدت مسلمین وتشکیل ا مت وا حد اسلا مي درطول تا ریخ ودرتما م زما نها ومکا نها بوده‌ا ست وتنها با ا نقلاب اسلامي میتوا ن حق وعدا لت اسلامي را در جا معه حا کم گردا نیدونزا ع وکشمکش وتفرقه‌وا ختلاف را ا ز میا ن مسلمین برچید. وا مروزکه‌بیشترا زهرزما ن دیگر اسلا م و مسلمین درمعرض خطروتهدیددشمنا ن سفا ک وآ شتی نا پذیری چون کمونیزم وحشی وصلیبی ها وصهیونیستها ی جنا یتکا ر قرا رگرفته‌ا ند، انوا ع مکروتزویررا درا سا رت مسلمین و ا شغا ل سرزمینها ی اسلامي بکا رمیبرند، هستی و دا را ئی مسلمین را با نیرنگ ووحشت وزورغا رت میکنندودرکشورها ی اسلامي غرض تأ مین منا فع خود، مزدورا ن نا مسلمان‌وخود فروخته‌را حا کم قرا ردا ده، مسلما نها را درتفرقه و نفا ق نگهمیدا رندوا زا تحا دووحدت مسلمین جلوگیری می کنند، وحدت وا تحا دمسلما نها درحصول آ زا دی وکوتا ه‌کردن دست گفروا ستکبا را زسرنوشت ملت شا ن وسرزمین شا ن یک ضرورت ا ست وفقط دردست یا بی به‌ا ین ضرورت انقلاب اسلامي ا ست که‌نقش عمده‌وا سا سی را ا یفا میکند. هما ن ترتیب اسلام با ا نقلاب ودگرگونی نظا م با طل ا بوجهل وا بولهب را درحجا ز سرنگون کردوجا معه‌ء متفرق وچندپا رچه‌ء قبا یل گمرا ه، جا هل وسفا ک عرب را به‌جا معه‌وا حد، ا مت یک پا رچه‌و ملت نمونه‌تبدیل کرد. ا مروزهم فقط تنها را ه‌سرنگونی حاکمیت ا ستکبا ری وظا لما نه‌ء نظا مها ی ا لحا دی وبولهبی ا ستکبا ر

شرق وغرب ازکشورها وملتهای اسلامی انقلاب اسلامی است.

مزدوران روس وامریکا که درکشورهای اسلامی حاکمیت دارند مانع حاکمیت اسلام واتحاد مسلمین میشوند، زیرا آنها منافع کفر واستکبار را تأمین می نمایند و نمیخواهند با ایجاد وحدت مسلمین وحاکمیت اسلام، دست روس وامریکا ازحلقوم مسلمین کوتاه شود، ازاین رو دربرابر برنهضتها و حرکت های اسلامی شدیداً حساسیت وعکس العمل نشان میدهند وبدستور باداران روسی وامریکائی خود، دیوانه وار و حیوان منشانه دست به سرکوبی چنین حرکتها میزنند. روی همین انگیزه است که مزدوران طلیبی ها وصهیونیستها که در کشورهای عربی حاکم هستند، تجاوزواشغال صهیونیزم را برخانهء خودتحمل میکنندوآنرا نادیده می گیرند، اما در برابر انقلاب اسلامی ایران پیمان دفاع مشترک می بندند صدام حسین عفلقی را ترغیب می نمایندتا متصل با پیروزی انقلاب اسلامی برایران هجوم ببردوانقلاب را شکست دهد تا مبادا فردا نفوذ انقلاب اسلامی حاکمیت مزدوران استکبار را در منطقه سرنگون نماید و وحدت مسلمین را تحقق بخشد و آنگاه روس وامریکا منافع خودرا ازدست بدهد.

برعلاوهء آنکه ازبرکت انقلاب اسلامی درجوامع مسلمین اختلاف وتفرقهء مسلمانها به اتحادووحدت تبدیل می شود، خصوصیت های مثبت وارزشمند دیگری نیزدرجامعهء مسلمین درتک تک افراد به ظهورمیرسد. چنانچه انقلاب اسلامی در افغانستان وحدت ویکپارچگی را درتمام اقشار مختلف جامعهء افغانستان تأمین کرد. امروزدررا ه انقلاب اسلامی افغانستان، انجنیران، دکتوران، محصلین، متعلمین، معلمین، مامورین، طلبا، علماء، دهاقین، کارگران، خوانین، شهریان ودهاتیان که هرکدام را استکبار درمقابل هم قرارداده بودوآنها دورازهم وبیگانه باهم زندگی

میکردند، درکنارهم، درصف واحدویکپارچه، با وحدت و صمیمیت باطنی بسر میبرندوبا دشمن می جنگند. ازبرکت انقلاب استعدادهای افرادرشدنمودوانسانهای عادی بهترین شخصیتهای قهرمان وحماسه‌سازبارآمدندوهمچنان پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکبارديگرشکوه‌وعظمت اسلام را درتاریخ زنده‌ساخت وراه مقابله‌با استکبارجهانی را برای مستضعفین دنیا آموخت.

این رانبایدفراموش کردونادیده‌گرفت که‌اگرانقلاب اسلامی با دیدوسیع درجامعهٔ اسلامی بوجودنیایدوخصوصیت مختلف موجوددرجوامع اسلامی درنظرنگیردوباسطحی نگری وظاهراندیشی درفکراعمال اندیشه‌ها وسلیقه‌های دسته‌وفرقهٔ خاص باشد، چنین انقلابی عوض‌رفتن در مسیر راست ودرست ایجادوحدت واتحاددرمیان مسلمانها به‌بیراهه‌وکج راههٔ تفرقه‌واختلاف میرودوامت اسلامی را به جای توحیدبه‌نفاق وتفرقه‌می کشانند. درحالیکه علماً ومعقولاً درانقلاب اسلامی ضرورت به‌چنین سطحی نگری نمی باشد. زیرادراسلام به‌حدکفایت کننده‌اصول واساس مشترک میان تمام فرقه‌های مسلمان وجوددارد که‌مسلمانها بتوانند بر مبنای آن اتحادیابند، انقلاب اسلامی را به‌پیروزی برسانند، اسلام راحاکم سازندوجامعهٔ توحیدی وامت واحد بسازند.

ازین توضیحات نتیجه‌می گیریم که‌انسان منحیث بهترین واشرف‌ترین مخلوقات عالم نسبت به‌همه‌موجودات استعدادبه‌کمال رسیدن وسعادتمندشدن را بیشتر و بهتر دارد. طوریکه‌کمال، زیبائی وشایستگی پدیده‌ها وموجودات کائنات دراطاعت وفرمانبرداری آنها ازفرمان‌تکوینی الهی است، کمال وزیبائی انسان هم دراطاعت از فرمان ودستورات پروردگاراست. فرمان ودستورکه در طول تاریخ توسط انبیاء (ع) به‌انسانها آورده‌شده‌وجامعه

انسانی را در مسیر این اطاعت، خصوصیت طبیعی وفطری خود را که همانا ایجاد امت واحد است می یابند. درسلسله بعثت انبیاء ونزول ادیان وشرایع آسمانی، دین مقدس اسلام به حیث آخرین وکاملترین دین آسمانی دارای همه مبانی واساسات ایجاد جامعهٔ توحیدی است که راه رسیدن به آن و تحقق موازین ومعیارهای آن از طریق انقلاب اسلامی میسر است با پیروزی انقلاب اسلامی وحاکمیت اسلام، وحدت مسلمین تحقق می پذیرد، امت واحد ایجاد میگردد و مسلمان ها درحد اعلای ترقی وکمال مادی ومعنوی قرار می گیرند.

حفظ اصالت حرکت جهادی در پرتو فرهنگ اسلامی

۲۵ اسد ۱۳۶۶ هـ ش

جهاد و انقلاب اسلامی ملت سلحشور و قهرمان افغانستان یکی از عظیم ترین رویدادها و پدیده های تاریخی و اجتماعی تاریخ بشریت است.

جنگ در افغانستان، جنگ عقیده و ایدئولوژی است و جنگ اردوگاه کفر با مسلمین جز بر سر ایدئولوژی و عقیده چیز دیگری بوده نمی تواند و جز اسلام، عقیدهٔ اسلامی، فرهنگ اسلامی معرفت اسلامی، توأم با عمل اسلامی، دیگر هیچ انگیزهٔ نمی تواند عامل ثبات، استمرار و سرانجام پیروزی امت اسلامی افغانستان در این جنگ باشد.

استعمار بعد از جنگ جهانی اول مورد تهدید قیام ها، حرکتها و جنبشهای آزادیخواهانهٔ ملتهای مسلمان و مستضعف قرار گرفت و مجبور گردید تا خیمه و بسترهٔ خود را از خانه و مسکن این ملتها جمع نموده و با صرفنظر نمودن از حضور مستقیم، راهی خانهٔ خود گردد. اما این رفتن، رفتن صادقانه نبود و آنچنانکه قرآن میگوید: (استکبارفی الارض ومکرالسیئ) استعمار با مکر و تزویر در تأمین منافع خود، بصورت مستمر، طریق جدید برگزید، قیافهٔ تازه گرفت، رنگ نوی اختیار کرد و از راه دیگری بسرزمین ملتهای مسلمان بازگشت، که آنرا در یک کلیمه میتوان (استعمار فرهنگی) نامید و استعمار سرخ کمونیزم با چهرهٔ نهایت کاذبانه و شیادانه در میان همه مکتبها و اندیشه های الحادی، استکبار وکفر در دست روسها هرچه خطرناکتر و وحشی تر و سفاکتر،

تبارزنمود، زیرا نخستین ویژگی را کهاستعمار سرخ بخود گرفت، همانا پنهان ساختن همه اهداف ومقاصد اساتعمارگرانه اش درنقاب ایدئولوژی مکتب کمونیزم بود. استعمار سرخ وقتی تبارزکردکه بدون جایگزین ساختن فرهنگ استعماری بجای فرهنگ بومی واصلی یک کشور، نمی شدکه تسلط استعماری را دران کشوربمیان آورد. استعمار درگذشته برای تسلط بیک منطقه ویک کشورفقط مستقیما " مداخله میکردوباحضورمستقیم خود، منابع مملکت را چپاول مینمود، نیروی انسانی آن را استعمار وحکومت را نیز خودکنترول واداره میکرد. چون تأمین منافع استعمار به آسانی وبدون دردسری صورت میگرفت، آنقدر ضرورت به تغییرفرهنگ مناطق تحت استعمار وجایگزین ساختن فرهنگ استعماری احساس نمیشد.

اما اکنون چنین شیوه، اهداف استعمارگررا برآورده نمی سازدزیرا استعمار بقیام ومقاومت ملتها روبروگردیده وعامل قیام هم درفرهنگ واعتقادات مردم جستجو می شد. پرچمدار نخستین حرکتها وجنبشهای ضداستعماری در جهان اسلام، سیدجمال الدین افغانی بودکه برای طرد نفوذوتسلط استعمار ازممالک اسلامی، احیای فرهنـــگ اسلامی را درجوامع مسلمین شرط اساسی وعمده میدانست. تلاشهای پیگیروبی امان سیدتوانست که روحیه سلحشوری و آزادیخواهی مسلمین رازنده کندوعامل قیام علیه استعمار گرددکه چنین شدوباکشورهای اسلامی بعدازجنگ جهانی اول استقلال سیاسی خودرا بدست آوردند.

با ایجادچنین حرکت ها وجنبشهای آزادیخواهی و ضد استعماری، استعمارتشخیص کردکه دشمن اصلی او فرهنـــگ زنده ملتها، بخصوص فرهنگ وعقایدناب، مقاوم وپرشور مکتب اسلام است. استعماردید، آن جائیکه سخن از ظلـــم باشد، اسلام بعنوان جانب متخاصم موضع می گیرد، آن

جا شیکه‌بوئی ازشرک والحادبیاید، اسلام دست ستیز بلند میکندوآن جا شیکه‌ریسمان بردگی وذلت کفروطاغوت پهن گردد، فریادمبارزه‌وجنگ آزادیخواهی اسلام هرچه‌رساتر وپرشکوه‌تربلندمیشود. استعمارهرقدمی راکه‌درجهت تأمین فسادومظالم خودبرداشت اسلام را، رویاروی خویش یافت، ازاین جهت اوباتمام امکانات وتوانائی دربرابراسلام و مسلمین جبهه‌گرفت ودست به‌فتنه‌ودسایس زد. پلان وبرنامهٔ استعماررادرین مرحله‌دومسألهٔ اساسی وعمده‌تشکیل میداد. یکی تحریف ویاتضعیف وانهدام فرهنگ ملتهابخصوص فرهنگ اسلامی. ودیگری تزریق اعتقادات وفرهنگ استعماری والحادی بجای فرهنگ واعتقادات اسلامی ودرنتیجه‌بوجود آوردن افراداستعمارزده، مزدوروبی اراده‌که‌ظاهراً اتباع اصلی مملکت خودباشندولی ممثل واقعی ومخلص ابعادمختلف منافع استعمار. افرادی چون اتاترک در ترکیه، امان الله‌درافغانستان، جمال ناصردرمصروامثال آنها، عناصرتحویلی استعماربه‌جوامع اسلامی بودندکه‌با تمام نیرودربرابرارزشهاوسنتهای اسلامی ملتهای خود، ایستادنددرتطبیق مقاصدوبرنامه‌های استعمارکوشیدند، البته‌بعداً کاراستعماردراین بخش گسترده‌ترگردیدوافراد

مزدوررابه‌سازمانهاواحزاب متشکل ومنظم مزدور تبدیل نمود. استعماردرعملی نمودن این دومسئلهٔ متذکره، دست به‌اقدام زد، درقدم اول تعلیم وتربیه‌آماج حملاتش‌قرار گرفت. استعماربا تدوین نظام آموزشی استعماری والحادی، تعلیم وتربیه‌رااولین پایگاه‌کفروکفرگرایی ساخت.
ماطرح وتعمیل این دسیسه‌جنایتبار استعمارکمونیزم روس‌راباز‌مینه‌سازی دولتهای مزدوروبی اراده‌ افغانستان طی شصت سال اخیربخصوص دراعمال خائنانه‌حاکمان خائن وفاسدخاندان یحیی درکشورخوددیدیم واکنون در مصیبت آن دست وپامی زنیم، درمظالم آن میسوزیم و با

دردوسوزآن میسازیم. مصیبتی که طی ده‌ها سال با انواع دسیسه وتزویر بر ملت ما تحمیل گردیدتا اینکه منجر به فاجعهٔ دردناک وبزرگ اشغال کشور ما ونابودی استقلال و آزادی سرزمین ما گردید.

اما برای رهایی ازین مصیبت جانکاه، برای نجات ملت مظلوم ومصیبت زدهٔ کشوروسرانجام برای نجات کشتی طوفانی وخونبار انقلاب اسلامی خود، چه کاری می توان کرد؟

سوالیکه جوابش را درین گفتهٔ مجاهدشهیدسیدقطب میتوان بخوبی دریافت: (ما اینک جهادممتد، دشوار وپر خطردرپیش داریم، این جهادبرای نجات فطرت از لابلای ابرهای تیره وپیروزساختن برتریگیها است. باید برای این جهادمجهزشویم وقوای فراوان آماده سازیم، تجهیزات لازم برای این جهادفقط یک چیزاست:

آشنایی کامل باحقایق اسلامی وفراگرفتن دین در سطح عالی آن)...

بلی! همان ترتیب که گفتیم اولین کاراستعمار، حمله برفرهنگ اسلامی، تحریف وانهدام آن وجایگزین ساختن فرهنگ خودبرای تأمین زمینهٔ مساعددرحصول منافعش بودراه مقابله با این دسیسه فقط درین نهفته است که فرهنگ اسلامی رشدیابد، معرفت اسلامی درمیان مردم وسیعاً گسترش یابد. تا ازیکطرف جلونفوذفرهنگ استعماری گرفته شود و ازطرف دیگر، جهادومبارزهٔ اسلامی مسیرسالم ودرست خود را درپرتوفرهنگ اسلامی طی نمایدوسریعانه به پیروزی برسد. حرکت وجنبش اسلامی بایدآگاهانه باشدوباآگاهی وبصیرت اسلامی طی طریق نمایدکاروپیکار مسلمان، حرکت و قیام مسلمان سعی وتلاش مسلمان جهادومبارزهٔ مسلمان، خون و شهادت مسلمان همه وسیلهٔ باشددرتأمین حرکت اسلامی و تطبیق وتحقق اسلام، نه آنکه اسلام وسیلهٔ باشدبرای حاکمیت مسلمان. درغیرآن آتش تفنگهای بی فرهنگ هرقدر

پاک نفسی،تقوی وعدالت را مینمائیم ولی عملا" بی انصاف ، وریاکار وتحت تاثیر هوا وهوس نفسی قرار میگیریم .

جهاد افغانستان درشرایط ومرحلهٔ کنونی آخرین زمان پیروزی خودرا طی می کند .ملت ما درطول یازده سال شرایط دشوار وطاقت فرسا امتحان خودرا به خوبی داده اند ورسالت خودرا انجام رسانیده اند . امااین مسئولین جهاد وتنظیم های جهادی است که مسئولانه عمل نمی کنند ودر راستای منافع جهاد وملت مجاهد خویش گام برنمیدارند .

پیروزی مرحلهٔ کنونی جهاد قبل ازآنکه ارتباط به کار وعمل دشمن بگیرد ، ارتباط به کار وعمل مسئولین آن دارد .

اختلاف وپراگندگی ، عمل نا سنجیده ونا عاقبت اندیشانه ، کار سطحی وفاقد پلان ، اقدام غیرمنظم ونا هماهنگ مسئولین جهاد طبعا" زمینهٔ بقای دشمن وتضعیف جهاد را آماده میسازد وخون های بیشمار ملت افغانستان رابی ثمر خشک میسازد .

ازخداوند مهربان وکریم استدعا میداریم که خون یکنیم ملیون ملت ما ثمر خودرا بدهد وبه مجاهدین ومسئولین جهاد توفیق عمل را اعطا نماید وکشتی خونبار انقلاب اسلامی افغانستان رابه ساحل نجات برسانند .

آمین یارب العالمین

م ـ "اندیشمند"

مشتعل تر وتندتر شلیک شوند، همچو شعله‌های چند تا تنهٔ درخت خشک بیش نیستند که خاکستر شان را هم نسیم نازکی نابود می کند و فراموش نباید کرد که فرهنگ بی عمل هم همان ارمغانی را دارد که تفنگ بی فرهنگ می آورد.

نشناختن اسلام و عدم آشنائی با حقایق اسلامی در جریان مبارزه و عمل کاریست زیانمند. اما وقتی مسلمان نا آشنا به اسلام به حیث داعی، مبارز، مجاهد، فرمانده و امیر در یک سازمان و تنظیم اسلامی قرار می گیرد، ضررش بر پیکر اسلام و جنبش اسلامی بیشتر از مفادش است و با اعمال و حرکات افراطی و تفریطی خود، بر مشکلات و مصائب می افزاید، ولی اگر با چنین خصوصیتی، خودخواهی و خودپرستی را نیز با خود داشته باشد، آنگاه زیان جبران ناپذیر و سخت مصیبت بار خواهد بود. ما زیان ها و مصیبت های ناشی از ناآگاهی و ناآشنائی با اسلام را در بسا قیام ها، جنبشها و انقلاب های اسلامی دنیا که مایهٔ تحریف، تضعیف و انحلال شان گردیده است، میتوانیم ببینیم و انقلاب اسلامی افغانستان نیز از چنین آفتی بدور نمانده است و بدون شک یکی از عوامل که مشکل وحدت واقعی و مخلصانهٔ نیروهای جهادی را چه در داخل سنگر و چه در خارج آن تشکیل میدهد، همین آفت است. برای دفع توطئه‌ها و دسایس دشمن در برابر جهاد و انقلاب اسلامی، برای حفظ هویت اصلی جهاد اسلامی و برای پیروزی هرچه سریعتر جهاد، آموزش فرهنگ اسلامی توأم با عمل اسلامی در سطح فرد، تنظیم و جامعه ضروریست.

ضرورت وحدت مسلمین

پانزدهم ثور ۱۳۶۷ هـ ش

اسلام دین توحیدی است ودر طبیعت وسرشت اسلام اختلاف وتفرقه وجود ندارد، زیرا اساس وبنیاد اعتقادات اسلامی ونظام اعتقادی وفکری اسلام بر مبنای عقیده وایمان به خداوند واحد گذاشته شده است. خداوندیکه در ذات وجمیع صفاتش مطلقاً یگانه وبی مانند است. رجعت وبازگشت همه هستی وموجودات بسوی اوست، زیرا او یگانه مبداء ومنشاء عالم وجود وعالم هستی است.

ما در نظام کاینات به صراحت ووضاحت از یکطرف وحدانیت ذات خداوند را درک می کنیم وفهم مینمائیم واز طرف دیگر نقش وحدت وضرورت وحدت در نظام عالم را که برای حفظ وبقای آن به خوبی متجلی گردیده است، میابیم. زیرا اگر اراده واحد، تدبیر واحد وقدرت واحد که همانا ذات خداوند "ج" است در نظام موجود کاینات حاکم نباشد، یقیناً اراده ها وتدابیر متعدد به سرعت نظم وانتظام را در عالم هستی برهم می زنند ودر آن صورت عالمی با این همه شایستگی وزیبایی وجود نخواهد داشت.

وحکمت وحدت وضرورت وحدت را در جامعهٔ انسانی ومیان انسانها که اشرف مخلوقات در عالم خلایق هستند بیشتر از همه به خوبی درک مینمائیم.

منازعات، کشمکش ها، نبردها وقتل های را که انسانها در طول دوره های حیات خود در روی زمین انجام داده اند، همه مستقیماً ارتباط به وحدت وعدم موجودیت وحدت فکری وعملی آنها دارد. افکار مختلف، متشتت وپراگنده درمیان

انسانها واعمال مختلف که زاده افکار مختلف است از همه بیشما یه بروز تنازعات وکشمکش ها ونبردها درمیان انسانها میگردد، نظم زندگی انسانها را برهم میزند، امنیت ازمیان اجتماع بشری برچیده میشود، رفاه وسعادت انسان را مختل مینماید وانسانیت به جای سیروحرکت بسوی کمال وسعادت به انحطاط وذلت کشانیده می شود.

اما حکمت، عنایت وفضل پروردگار چنین ایجاب کرده است که انسان درمسیر کمال حرکت کند وبه درجه کمال وسعادتمندی برسد وخداوند راه رسیدن به سعادت وکمال را حواله به عقل بشر ننموده وعنایتاً آنرا به بشر واضح ساخته است، زیرا عقل واستعداد بشر دارای نواقص ومعایب بوده وقادر به ترسیم وتدوین راه سعادت بار وکمال آفرین نمی باشد واصلاً انسانها به نسبت تفاوت های که درعقل واستعداد خود دارند وبه نسبت خصوصیات مختلف که در آنها موجود است، نمی توانند در رسیدن براه ولحد ونظام واحد فکری وعملی توافق حاصل کنند.

عنایت ولطف خداوند "ج" درواضح ساختن راه سعادت وکمال برای انسانها، بعثت انبیاء ونزول شریعت وقوانین الهی است. اختلاف وتفرقه بصورت مطلق دراساس وبنیاد تعالیم اعتقادی وعملی انبیای الهی وجودنداشته وکافه انبیاء "ع" درطول تاریخ زندگی انسان درایمان آوردن بیک خدای واحد دعوت کرده اند وموءظف ومامور به ساختن

جامعهٔ توحیدی برمبنای اساسات وقوانین خودمیسازد.
اسلام تاکید می کند که مسلمانها درهمه حالات زندگی ودرهمه نظامات زندگی خود وحدت را حفظ کنند، توحید درعبادت توحید دراقتصاد، توحید درسیاست، توحید درکلمه از دساتیر اصلی واساسی اسلام است که راه رسیدن به سعادت وکمال را برای انسان تثبیت مینماید. وبا این ارزیابی وتحلیل

به این نتیجه می رسیم که وحدت مسلمین یک امر ضروری بوده و در نهایت سبب سعادتمندی و رستگاری جاویدانی مسلمانان می شود و اثرات و نتایج وحدت و عدم موجودیت وحدت را در میان مسلمین مختصراً چنین خلاصه میداریم :

۱ - دعوت الی الله و تحقق دین خدا در جامعهٔ بشری :

طوریکه گفتیم حکمت از خلقت انسان درین است که انسان رشد کند و به کمال برسد و کمال انسان در اطاعت از فرمان خدا و شریعت الهی است و تحقق و تطبیق دین خدا در جامعهٔ انسانی به خیر و سعادت انسان تمام می شود بناءً انبیای الهی به همین منظور مبعوث گردیده و مأموریت یافته اند .
حضرت محمد مصطفی پیغمبر اسلام "ص" که آخرین پیغمبران الهی است و بعد از او هیچ پیغمبر دیگری مبعوث نمیگردد ، از جانب خدا و ند مأموریت یافت که دین خدا را برسراسر جهان برسانند و کافهٔ عالم بشریت را به قبول اسلام دعوت کنند .
چون بعد از پیغمبر اسلام "ص" پیغمبر دیگری مبعوث نمی شود بناءً وظیفهٔ دعوت الی الله و تحقق دین اسلام در جامعه بشری وظیفهٔ مسلمانها است و یگانه راه رسیدن به این آرمان بزرگ و دستیابی به این هدف مقدس وحدت در میان مسلمانها است و با موجودیت وحدت در میان مسلمین این آرمان به سهولت می تواند برآورده شود و در صورت عدم وحدت ، نه تنها که مسلمانها موفق به دعوت الی الله نمی شوند بلکه موجودیت و بقای عقیدهٔ اسلامی خودشان نیز به مخاطره می افتد .

۲ - حفظ آزادی و نوامیس اسلامی و انسانی :

در جامعهٔ بشری همهٔ انسانها مطیع و پیرو اسلام و شریعت الهی نمی شوند ، بسا انسانها دست مخالفت بلند می کنند و نه تنها که مخالفت می کنند بلکه برای جلوگیری از نفوذ و گسترش

اسلام وقانون خدا کمر می بندند و شمشیر مقابله با اسلام ومسلمین را از نیام می کشند و از این هم با لاتر برای حاکمیت طاغوتی و استکباری خود دست به تجاوز، غارت، چپاول، قتل فساد و فتنه می زنند. استقلال و آزادی را در جامعه انسانی پایمال می کنند و برنوامیس اسلامی و انسانی مسلمانان تجاوز می نمایند. پس برای مقابله با کفار متجاوز و جنایتکار وبرای مقابله با مفاسد و مظالم آنها و حفظ آزادی و نوامیس اسلامی و انسانی مسلمانها وحدت درمیان مسلمین ضروری ولازمی است.

۳ - ایجاد امنیت و سعادت:

یکی از شرائط مهم وموجودیت وحدت درمیان مسلمانها امنیت و سعادتمند شدن فرد و جامعه اسلامی است، زیرا وقتی وحدت درمیان مسلمانها بوجود بیاید، بدبینی، حسادت، بخل، عداوت، نزاع وکشمکش از جامعه برچیده میشود و مردم که براساس تحقق قوانین الهی وحدت حاصل می کنند در خوشی وسعادت و آرامی دور از ترس و هراس زندگی مینمایند. طوریکه تاریخ مین وحدت در جزیرة العرب بعداز بعثت پیغمبر "ص" وحاکمیت اسلام، برتمام عداوت ها، کینه ها کشمکش ها وجنگ های چندین قرنهٔ جاهلی وقبیله وی پایان بخشید و آنها ئیکه قبل از اسلام فقط با نوک نیزه و شمشیر باهم حرف می زدند، بعد از اسلام چنان صمیمی و یکپارچه گردیدند که گوئی یک لحظه هم نزاعی وکشمکشی قبلی از این میان نشان بوقوع نپیوسته است.

برخلاف اگر وحدت درمیان مسلمین بوجود نیاید، اختلاف ونفاق حاکم باشد، امنیت در جامعهٔ اسلامی مختل میگردد، فرد و جامعه هرگز به سعادت و رستگاری نمیرسند و زندگی در سراسر عمر در بی امنیتی، نزاع و بدبختی سپری میشود.

۴ ـ ترقی و پیشرفت مادی و معنوی :

وحدت درمیان مسلمانها طبعاً" سبب ترقی وپیشرفت آنها درساحهٔ مادی ومعنوی میگردد .فرضاً" اگرما یک دستگاه ماشینی را درنظربگیریم‌که ازپرزه‌جات متعددتشکیل شده است وقتی تکمهٔ ماشین را فشاردهیم‌ماشین به‌حرکت می‌افتد وکارموردنظرما را انجام‌میدهد ،اگرپرزه‌جات درحرکات وکارشان وحدت وهمآهنگی نداشته‌باشند ،هرکدام‌بصورت پراگنده‌حرکت ناهم‌آهنگ ونامنظم‌نمایند‌درین صورت نه‌تنها که‌ماشین کارموردنظرما را انجام‌نمیدهدبلکه‌با حرکت نامنظم‌ومختلف وپراگندهٔ خودبه‌زودی پرزه‌هایش میشکنند وازهم‌می پاشد .مسلمانها هم‌اگردرنظام‌زندگی خودوحدت نظروعمل نداشته‌باشندنمی‌توانندد‌رساحات مختلف زندگی به‌ترقی وپیشرفت نایل شوند ،زیرا نیروو‌انرژی فکری وجسمی را که‌باید‌متحداً" وجمعاً" درپیشرفت وترقی مادی ومعنوی خودبه‌خرج دهند ،درنفاق ،اختلاف ،نزاع‌وکشمکش باهمی به‌مصرف میرسانندوبه‌عوض ترقی وپیشرفت به‌عقب ماندگی وانحطاط دچارمی شوند .چنانچه‌اینجادچا معهٔ توحیدی مسلمین درصدراسلام‌سبب بمیان آمدن تمدن عظیم مادی ومعنوی گردید .زمانیکه‌اروپای متمدن امروز دروحشت وجهالت بسرمیبرد ،مسلمانها دارای تمدن عظیم مادی ومعنوی بودندامّا وقتی اختلاف ونفاق درجوامع مسلمین بمیان آمدومسلمانها به‌جان هم‌افتیدند ،تمدن شان سقوط کردواستقلال وتمامیت‌ارضی شان به‌خطرافتید وزیرسلطه‌وحاکمیت کافران استعمارگرومتجاوزقرار گرفتند .

۵ ـ حفظ عزت و سربلندی :

وحدت مسلمانها یگانه‌عامل عزت وسربلندی آنها در طول تاریخ اسلام‌بوده‌است .زمانیکه‌مسلمانها وحدت

داشته اندنه تنها که ازتجاوزنیروی کفروالحاددر امان مانده اندبلکه تواسته اندسرنوشت خودرا خودبدست بگیرند وحتی نفوذاسلام را بسط وگسترش دهند .وقتی وحدت جامعهٔ اسلامی ازهم بپاشدتمرکزنیروو قدرتشان هم ازهم می پاشد، تعین سرنوشت شان بدست نیروهای کافروملحدمی افتد، عزت ووقار ازدست شان می رودوهریک به عوض اینکه درحل مشکلات واعادهٔ حیثیت خودبه اسلام رجوع کنند ،به دربارهای کفروالحاددرزانوی ذلت میزنند ،گردن حقارت کج نموده طلب حل مشکل می نمایند.

طوریکه امروز می بنیم کشور های متعدد اسلامی که وحدت و همبستگی اسلامی ندارند درتحت سلط ونفوذحاکمیت کفر زندگی میکنند.

امروز بیت المقدس قبله اول مسلمین تحت اشغال کافران صیهونیست و صلیبی قرار دارداما، سران فاسد کشورهای مسلمان عربی با ذلت وذبونی بعوض رجوع به اسلام و وحدت اسلامی به کریملین و قصر سفید رفته وازسردمداران ظالم وکافران خواهان حل مشکل و مصبیت خود میگردند.

٦ - پیروزی در جهاد و طرد کفر و تجاوز:

مسلمانها درطول تاریخ اسلام مورد تجاوز دشمنان اسلام قرار گرفته اند ولی به هراندازهٔ که وحدت در میان شان حاکم بوده بهمان اندازه در جهاد خود علیه متجاوزین تأمسلمان پیروز بوده اندوبه هر اندازهٔ که وحدت مسلمین تضعیف شده است تجاوز اشغالگری وحاکمیت کفر ادامه پیدا نموده است.

پیروزی جهاد وانقلاب اسلامی نیز مشروط به وحدت مسلمین است طرح وفرمان تأمین وحدت منسلمانهااله

الفاظ وعبارات مختلف در نصوص شریعت اسلامی چه در - قرآن عظیم الشان و چه دراحادث نبوی و کتب واقوال و دساتر ائمه بازبار تأکید شده‌است که نقل ، توضیح و تفسیر آنها از حوصله این مقاله کوچک بیرون است در طول تاریخ اسلام هر وقت که مسلمانها وحدت خود را ازدست داده مورد تجاوز کفر قرار گرفته وزیربار حاکمیت کفر ومظالم الحاد سر خم کرده‌اند علماء وشخصیت های مصلح در میانشان ظهور نموده که فکر ازادیخواهی وطرد حاکمیت کفر ورجوع به اسلام و ایجاد حکومت اسلامی

را ازطریق تامین وحدت مسلمین در ذهن مسلمانها زنده نموده‌اند وحرکت ها ونهضت های اسلامی را برای توحید بخشیدن نیرو های مسلمین در مقابله با کفربمیان آورده اند . خاصتاء دریک قرن اخیر که مسلمانها زیر سیطره وحاکمیت استکبار جهانی به سر برده و خطرهای مختلف الحاد(کمونیزم) صلیبیت و صیهونیزوم موجودیت اسلام

و امت اسلامی را تهدید مینماید .شخصیت های مصلح ازمیان امت های اسلامی برخواسته و مطابق هدایات و دساتئر اسلام فریاد وحدت مسلمین را سرداده‌اند که جهاد و مبارزات اسلامی وضد استکباری در بسا کشورهای اسلامی محصول افکار وفریاد آنها است وازهم چو شخصیت ها در صدسال اخیر می توانیم از افراد چون سیدجمال الدین اسلامی ، حسن البنا ، سید قطب عبدالرحمن کواکبی ، اقبال لاهوری ، مولانا مودودی و امام خمینی نام ببریم .

امروز که دشمنان اسلام بیشتر ازپیش مجهز گردیده. وانواع دسایس وتزویر رادر برابر مسلمین بکار می گیرند امروز که قبله اول مسلمانها در اشغال صلیبی ها و صهونیست ها است امروز که سرزمین امام

اسماعیل بخاری و امام محمد بخاری اسیر روس‌های وحشی وملحد است امروز که سر زمین مظلوم اسلامی افغانستان مورد تجاوز کمونیزم سفاک و جنایتکار قرار گرفته است امروز که ایران انقلابی و مسلمان فقط به‌جرم فریاد اسلام ووحدت اسلامی مورد مقاطعه تحریم و تجاوز نیروهای کفر جهانی وایادی ذلیل و کثیفشان واقع شده امروز که مسلمانان مظلوم هندوستان در شهر میروت در زیر شلاق حکام کافر و گاوپرست هندی مظلومانه جان میدهند وامروز که ملیون ها مسلمان مبارز و مجاهد در فلیپین و ارتیریا در مصر ومراکش در سوریه و لبنان، در یمن و سعودی ، در تونس واردون زیر اسارت حکام مزدور و عمال سیاه کار استکبار روس و امریکا بسر می‌برند ازهر زمانی دیگر ضرورت وحدت مسلمانها بیشتر احساس میشود وزدودن همهٔ اسارت ها سیطره هاتجاوزغارتگری‌ها جزاز راه وحدت مسلمین و تداوم مقاومت و جهاد از هیچ راه دیگری میسر نیست و فقط اعادهٔ حیثیت آزادی ، حاکمیت و سربلندی مسلمانها در وحدت آنها نهفته است .

وضع زندانیان در اردوگاه های کار اجباری روسیه

اول جوزا ۱۳۶۷ هـ ش

اگرچه تاریخ خاطرات تلخ ووحشتناک همه جباران ، ظالمان، یغماگران وزورمداران عصیان پیشه وکافرراثبت اوراق خودنموده است وانواع شکنجه ، مظالم، بیدادگری ها ، سیاه کاریها وفسادانگیزی های راکه آنها دربرابر همنوع خودانجام داده اند، شرح کرده است ولی هیچ فرد کافر، ستمگروسفاک تاریخ باندازهٔ حاکمان جنایتگر و خداناشناس کمونیزم وهیچ نظام باطل وطاغوتی دنیا به اندازهٔ نظام الحادی وباطل کمونیستی دربرابر انسان و مقام وحیثیت انسانی مرتکب جنایت وسفاکی ووحشت نگردیده است .

ایدئولوژی ومکتب کمونیزم باطل ترین وضدانسانی ترین نظام اعتقادی است که تا حال درجامعهٔ انسانی به وجود آمده است . ازحاکمیت اولین رژیم کمونیستی که بار اول درروسیه صورت گرفت وبعداً بهاثراشغالگری وتجاوزات نظامی روسها درچندکشوردیگرنصب گردیدهفتادو یک سال سپری میگردد، ولی وحشت وجنایات این رژیم دراین هفتادویکسال معادل وحشت وجنایاتیست که همهٔ رژیمهای طاغوتی وباطل درطول تاریخ دربرابر انسانها انجام داده اند . حکومت کمونیستی نسبت به انواع حکومات استبدادی ودیکتاتوری که درطول تاریخ جامعهٔ انسانی سپری شده است ، مستبدترودیکتاتورتربوده است . آزادی مفهوم خود را به آن حدکه درجامعهٔ کمونیستی ازدست میدهد در طول

چگونه بجنگیم تا پیروز شویم؟

اول حمل ۱۳٦۸ هـ ش

تحت این عنوان میخواهیم این موضوع را مورد بررسی و ارزیابی قرار بدهیم که در شرایط و مرحلهٔ کنونی جهاد، چه نوع حرکات جنگی و اقدامات محاربوی ضرورت است تا آخرین بقایای دشمن که همانا موجودیت و تسلط حکومت کمونیستی در شهرهای عمده و پایتخت کشور است نابود شود وبجای آن حکومت اسلامی تحقق یابد. این مسئله را با تمام جزئیات و جهات مختلف آن بحث و ارزیابی می کنیم. اما برای اینکه در این مورد تصویر روشنی ارائه نموده باشیم و نقاط مثبت و منفی موجود ـ رسنگرهای جنگ و اقدامات محاربوی مجاهدین و قوماندانان را به صورت درست مشخص و خاطرنشان نمائیم و از تاثیر خوب و بد آن در سرنوشت آیندهٔ جهاد مسلحانه آگاهی یابیم بهتر است تا نخست توضیحات خیلی اجمالی و مختصر در مورد جنگ، اساسات و اسلوب جنگ بیان بداریم.

تاریخ زندگی انسان درهیچ جامعهٔ که ظالمانه‌ترین حکومت وجودداشته اند ازدست نداده است .شکنجه ،مظالم،جنایات وآدم کشی های حاکمان کمونیزم باآنکه ازلحاظ کمیت میزان قابل توجه‌را تشکیل میدهد ازلحاظ کیفیت نیز نسبت به‌همه‌شکنجه‌ها وآدم کشی ها درطول تاریخ بیرحمانه تروو‌حشتناکتراست .

حاکمان کمونیزم وحکومت کمونیستی برای اذیت ، شکنجه‌وقتل انسانها روشها وشیوه‌های تازه‌یی را بوجود آوردند . هیچ زمامدارظالم وستمگریک مملکت ازآغاز زندگی انسان درروی زمین تاکنون شخصاً درشکنجه وقتل زندانیان سهم نگرفته‌وقتل وحشتناک وهول انگیزانسان ها را درمحبس ها وزندانها برای تفریح وساعت تیری مشاهده نکرده‌است ولی حاکمان کمونیزم چنین کرده‌اند . ستالین حاکم رژیم کمونیستی درروسیه‌ازخانهٔ خودتامقر دفتر سازمان جاسوسی روسیه (ا ن ـ کا وـ دو) واکنون کی جی بی که‌به‌قصرلوبیانکا مشهوراست واولین زندان متهمین سیاسی رانیزتشکیل میدهد ، سرک زیرزمینی اعمار نموده بودکه‌شبانگاه‌بالا ورننتی بریارئیس سازمان به‌لوبیانکا میرفت وعملاً" درشکنجه‌وقتل زندانیان سهم میگرفت و برای خوشگذرانی وساعت تیری انواع شکنجه‌ووحشتبارترین شکل کُشتن انسانها را مشاهده میکرد . گفته میشودکه‌ستالین چندین میلیون انسان رابدین ترتیب بقتل رساندویا خود ناظروشاهدقتل آنها بود .

تشکیل اردوگاه‌های کاراجباری برای محبوسین سیاسی نوع جدیدشکنجه‌وقتل انسانها است که‌حاکمان‌کمونیزم آنرا اولین مرتبه‌بوجودآوردند . مناطق وسیع و سرد در شمال روسیه‌به‌اردوگاههای کاراجباری تخصیص داده شده است . دشتهای وسیع ولامزروعی را باسیم خاردار محصور نموده‌اندوهمه‌ساختمان های محوطهٔ اردوگاه‌ها از اطاق

زندان تا دفترمأ مورین، کارخانه‌ها وفابریکات ، باغها و زمین های زراعتی توسط محبوسین دراین اردوگاهها اعمار شده‌است . شکنجه‌هائیکه‌زمامداران کمونیزم برزندانیان اردوگاههای کاراجباری انجام میدهندوروشهای راکه برای قتل وکشتاررتدریجی افرادزندانی بکارمیبرندکاملا" دهشت‌آوروهیبتناک است . دراردوگاهها اکثرا محبوسین سیاسی بسرمیبرندوگاهی محبوسین جنائی هم از آن بی نصیب نمی مانند . به‌بسیارسادگی وآسانی افراد، بنام زندانی سیاسی محاکمه‌گردیده‌وبه‌اردوگاه‌های کاراجباری سوق داده‌میشوند . عادی‌ترین یک‌آدم روستائی را فقط به‌خاطراظهاریک سخن اعتراض‌آمیزبنام زندانی سیاسی حداقل به‌ده‌سال حبس محکوم میکنندوبه‌اردوگاههای کار اجباری اعزام می نمایند . رژیم کمونیستی براساس اعمال‌زوروفشاروکارجاسوسی استوار است . درروسیه پای کی جی بی درهرفامیل کشیده‌شده‌است . هرگاه فردی به شوخی هم حرفی علیه‌رژیم ومکتب‌کمونیزم بزندبه گوش کی جی بی میرسدوآنگاه‌سرنوشتش طبعاً به‌محاکمه‌و زندان واردوگاه‌کاراجباری کشانیده‌میشود . ازاین‌رو تعداد زندانیان اردوگاه‌های کاراجباری درروسیه‌خیلی زیاد هستند . به‌صدها هزاروميليونها تن میرسند . زندانی سیاسی نه‌تنهاکه‌درروسیه‌بلکه‌درهمه‌کشورهای کمونیستی زیاد میباشد . درچین درسالهای اول حاکمیت‌کمونیزم یکصد میلیون انسان زندانی سیاسی بودحاکمان درنده‌ووحشی کمونیزم، مائورهبرانقلاب‌کمونیستی چین، همان کسیکه امروزعده‌ء ازپیروان جاهل وسیاه‌دل مکتب‌حیوانی کمونیزم که‌میخواهندوحشت وجنایت وسفاکی چاکمان‌کمونیستی روسیه‌راازدامان مکتب‌کمونیزم پاک نمایندواوراالگو وقهرمان کمونیزم معرفی کنند ، تنها چهل میلیون انسان رادردوران که‌وحشتی را بنام انقلاب‌فرهنگی براه‌انداخته

بود به‌صورت فجیعانه‌ٔ قتل عام نمود وهمه‌بخاطرداریم که‌درهمین سالهای اخیرحاکمان جدیدرژیم کمونیستی چین بعدازمرگ مائوبرای رفع خجالت وشرمندگی مکتب کمونیزم وفریب دادن مردم چین ومردم سایرکشورها، خانم مائو وچندتن ازاعضای عالیرتبهٔ حزب کمونیست راکه‌دردوران مائوزمامداربودندبنام اینکه‌درفجایع دوران انقلاب فرهنگی دخیل ومسئول بوده‌اند، محاکمه‌وزندانی نمودند البته‌این تعامل همیشگی حاکمان کمونیست است . همه حاکمان برحال کمونیستی درکشورهای کمونیست به‌استخوان های پوسیدهٔ حاکمان قبلی نفرین میفرستند تا مردم متقاعدشوندکه‌جنایتکارفقط همان حاکم قبلی بوده‌نه‌حزب کمونیست ومکتب کمونیزم . استدلال که‌به‌خوردباشنده‌های جنگل هم جوردرنمی آید .

زمان حبس اکثرمحبوسین اردوگاهها بصورت اوسط از پانزده‌وهژده‌سال کمترنیست . بسیارکسانیکه‌به‌پنج یاده سال حبس محکوم گردیده‌وبه‌اردوگاهها برده‌شده‌اند، دران جا به‌بهانه‌های مختلف سرپیچی ازمقررات اردوگاه‌زمان حبس شان تا سی سال تمدیدیافته‌است، به‌اضافهٔ اجرای انواع شکنجه‌هائیکه‌انسان تاکنون آنرانشنیده‌است در اردوگاهها زندانیان به‌شکل بی رحمانه‌به‌انجام کارهای جسمی طاقت فرساواداشته‌میشوندوطوریکه‌ازنام اردوگاه کاراجباری پیداست ، زندانیان بیشترین وقت یک شبانه روزرادراجرای کارطاقت فرساسپری میکنند، بحدیکه‌بسا اوقات صدها زندانی باوجودمریضی وناتوانی جسمی از مشقت وسختی کارجان میدهندولی ازکارمعاف نمی شوند . کارزندانی گاتولیدی است ، ازآبادنمودن زمین خشک و لامزروع سنگزاروجنگلی شروع تاتولیدسامان وآلات مختلف صنعتی وپارچه‌جات درفابریکه‌واعمارساختمان هنا شامل میشود .

اناتولی مارچنکو با شنده شهر بازا بینسک سایبریای روسیه یکی از محبوسین اردوگاههای کار اجباری دوران زمامداری خروشچف و برژنیف است که چشم دید خود را در مورد وضع زندانیان اردوگاههای کار اجباری و آنچه را که خود شخصا " متحمل گردیده، بعدا ز آزادی در کتاب که بنام سیمای زنده بگوران نوشته است شرح میکند. او کتابش را به شکل خصوصی در روسیه منتشر نمود و در سالهای آخیر در ایران به فارسی ترجمه شده است.

مارچنکو میگوید: (زمانی در زندان ولادیمیر بسر می بردم، بارها دچار نا امیدی شدم گرسنگی و بیماری و بالاتر از این ها ضعف و عدم توانائی مبارزه با بدی، کار را بجایی میرساند که حاضر بودم به مأمورین و به محافظین زندان حمله کنم تا مرا به قتل برسانند و یا به وسیله دیگری خود را از بین ببرم ونا قص کنم. طوریکه در پیش چشمانم دیگران را مشاهده میکردم که این کار را میکردند. اما یک چیز بمن قدرت ادامه زندگی در این کابوس را میداد، امید به اینکه از اینجا بیرون خواهم آمد و آنچه را که دیده و متحمل شده ام برای همه باز گو خواهم کرد و به خودم قول دادم که به خاطر همین هدف همه چیز را تحمل کنم ورنج را به پایان برسانم).

زندانیان چگونه به اردو گاه های کار اجباری نقل داده میشوند؟

وقتی شخص متهم به جرم سیاسی دستگیر میشود، در نزدیک ترین زندان (کی جی بی) زندانی میگردد و اغلبا " چندماه در شرایط بسیار ناگوار بدون تحقیق نگهداشته شده و بعداً در تحت شکنجه های مختلف محاکمه میگردد و در محاکمه هم جز اعضای کا جی بی کسی دیگری حق اشتراک ندارد و آن

گا هورقی را به‌زندانی میدهندکه‌رأی دادگاه‌برایش ابلاغ شده است امضاء کند. زندانی امضاء میکند، زمان حبسش تعیین میشودوبرای سپری نمودن زمان حبس به‌اردوگاههای کار اجباری نقل داده میشود. زندانیان درموترهای مختلف سرپوشیده‌که‌درروسیه‌برای هرکدام آن نامهای بخصوصی گذاشته‌اندنقل می یابند. یکی ازموترهای حمل و نقل زندانیان واگن های است که‌آنرا (ستالیپین) می نامند (ستالیپین) نام رئیس پلیس مخفی روسیه‌قبل ازحاکمیت بلشویک ها بود. پنجره‌های واگن ازداخل توسط میله‌های آهنی طوری مسدودشده‌که‌بینندهٔ ازبیرون آنرا واگن عادی فکرمیکنند، ولی راکبین داخل واگن ازآن پنجره‌ها بیرون را دیده‌نمی توانند. معمولاً درواگن ها دویاسه‌برابر از گنجایشان افرادزندانی را جابجا میسازند. التماس و تزرع زندانی ها برای محافظین مسلح درگشودن پنجره های واگن برای چندلحظه‌هم که‌هوای آزاددداخل واگن شود بی‌نتیجه‌می ماند.

نوع جدیدی ازشکنجهٔ طاقت فرسا ووحشت آوریکه به زندانیان درداخل واگن تحمیل میگرددوآنرا می توان جنایت کاملاً جدیدوبی سابقهٔ کمونیزم دربرابر انسان نامید، دادن ماهی شوربه‌زندانیان است درحالیکه در یک شبانه‌روزفقط دودفعه‌یک گیلاس آب جوش به‌آنها می دهند. زندانی ازفرط تشنگی زبانش را می کشدوبی صبرانه بدنه‌ها داغ داخل واگن را می لیسدوبالبان خشک وزبان نیم بندکه‌ازتشنگی بدرستی نمی توانندتکلم کنندازمأ- مورین مسلح التماس آب میکنندولی ازطرف مدافعین حقوق زحمتکشان !! به‌تمسخرواستهزاء روبرومیشود.

شکل دیگری شکنجهٔ محبوسین هنگام انتقال شان که آنهم درتاریخ نظیرنداردموضوع رفع قضای حاجت زندانی ها است. درواگن که‌پانزده‌نفرزندانی جابجا ساخته شده است یک بدرفت وجوددارد. محافظین مسلح دریک شبانه

روزفقط یک دفعه به زندانی اجازه میدهند که جهت رفع قضای حاجت به بدرفت بروند. آنهم بدین شکل که دروازه بدرفت با یدباز باشد و محافظ زندانی را نظاره کند و وقت کافی هم در رفع قضای حاجت به زندانی داده نمی شود، آب هم در بدرفت وجود ندارد. درغیر وقت معینه هرقدر زندانی داد و فغان کند که ضرورت به رفتن بدرفت دارد به گوش محافظین نمی رسد. بدین ترتیب زندانی ها پردردترین شکنجه را متحمل میشوند.

علاوه بر مردها زنها نیز زندانیان سیاسی را تشکیل می دهند و در انتقال آنها به اردوگاههای کار اجباری همچو مرد ها معامله میشود.

اناتولی مارچنکو میگوید: «وقتی من را از زندان عشق آباد به آلما آتا روان کردند، در واگن که من جزء از زندانیان بودم سیزده زن زندانی نیز قرار داشت. جای زنها از مردها توسط میله های آهنی جدا شده بود. یکی از زن ها که طفل شیرخوار داشت با التماس زیاد از محافظ چیزی میخواست اما از طرف محافظ به خشونت پاسخ منفی داده می شد در این هنگام صاحب منصب که مسئول نقل زندانیان واگن ما بود داخل واگن شد. زن با گریه از او خواست که طفل خود را کثیف کرده است برایش اجازه بدهد که کهنه هایش را بشوید. صاحب منصب در برابر تقاضای زن پاسخ داد مهم نیست میتوانی صبرکنی. زن با زهم با التماس بیشتر گفت آخر من چیزی برای پیچانیدن طفل ندارم ولی صاحب منصب گفت: وقتیکه می زاییدی از من پرسیدی؟ و در را بست وبیرون شد».

نوع دیگری از موتر حمل ونقل محبوسین از زندان های (کی جی بی) به اردوگاههای کار اجباری موترهای بزرگ سرپوشیده است که آنرا (زاغچه) نامیده اند. هیچ چوکی در آن وجود ندارد و زندانی ها را به حدی در آن پر می

کنندکه آخرین افراد زندانی که توسط محافظین بداخل موتر انداخته میشود به همان حالت غیرمستقیم که به پهلو و یا به روی بالای زندانی دیگر بیفتد به همان حالت تا اینکه دروازهٔ موتر باز شود و محبوسین خارج شوند، باقی می‌مانند. زیرا جایی برای درست و مستقیم ایستادشدن زندانی وجود ندارد. دروازهٔ موتر بسته میشود، اما بدبختانه گاهی وقت چندین ساعت حرکت موتر بخاطر آماده شدن چندین موتر زندانی به تعویق می افتد و فریاد و فغان زندانیان بخاطر حرکت دادن موتر با دشنامها و رکیک و غیرانسانی مأمورین (کی جی بی) پاسخ داده میشود. زندانیان جز اینکه از داخل موتر سرپوشیده با صدای خفه شده در دو عذاب و عقده و احساسات خود را با گفتن جملهٔ (فاشیست های کتابچه سرخ) به مأمورین (کی جی بی) تسکین نمایند، کار دیگری نمی توانند انجام دهند.

بدین ترتیب زندانیان سیاسی از نقاط مختلف روسیه با تعذیب و شکنجه به اردوگاههای کار اجباری در شمال روسیه نقل داده میشوند و معمولاً محل توقف آنها در طول نقل و انتقال شان زندانهای شهرها و یا لات مختلف روسیه است و گاهی محبوسین تا رسیدن به اردوگاههای کار اجباری چندین ماه را در بدترین شرایط تحت شکنجه های مختلف روحی و جسمی در اوی زندانها سپری میکنند.

وضع زندانیان در داخل اردو گاه های کار اجباری:

اردوگاه مورداوی یکی از اردوگاه مشهور است که اناتولی مارچنکو بعد از پنج ماه تحقیق و محاکمه و انتقال از یک زندان به زندان دیگر در آن آورده میشود. او در مورد این اردوگاه می نویسد: ((تمام گوشهٔ جنوب غربی مورداوی با یک رشته سیم خاردار و حصارهای مخصوص و برجهای

پهره‌داری محصورگردیده‌وشبها با روشنی اندازهای قوی کنترول میگردد. تعداد محافظین ومأ مورین اردوگاه بیشتراززندانیان است. شمارنظامیان وصاحب منصبان خیلی زیاداست. محکومین ازملیتهای مختلف و نقاط مختلف حتی کشورهای مختلف هستند.)

وقتی زندانیان وارداردوگاه میشوند، لباس‌مخصوص اردوگاه‌را می پوشندوازطرف رئیس اردوگاه‌درا ولین روز ورودموردتهدیدوتمدیدحبس درصورت تخلف‌ازقوانین اردوگاه‌قرارمی گیرند.

زندانیان صبح هنگام بعدازنوشیدن چای در گروه های کوچک دسته‌بندی گردیده‌ودرتحت نظارت محافظین به کارسوق داده‌میشوند. درکارزراعتی ساحهٔ معین برای‌کار با نصب بیرق سرخ رنگ محصورومشخص میشود. ساحه‌به حدی وسیع است که‌زندانی تا شامگاه‌بدون توقف کارکند به مشکل میتواندآنراانجام دهد. درصورتیکه‌ازانجام کار معینه‌نبرآید- به‌اطاقهای تاریک انفرادی انداخته می شود. غذایش کاسته‌میشود، حق خریداری چیزی رااز غرفهٔ داخل اردوگاه‌ندارد، وازگرفتن اموال واشیائیکه‌احیاناً توسط اقاربش‌آورده‌شودمحروم میگردد.

انجام ندادن سهمیهٔ کاروامتناع ازرفتن به کار مجازات بالاترازاینها را نیزبدنبال دارد. وقتی ساحهٔ زمین که‌درآن کارکندمعین شدحق برآمدن ازآن ساحه را ندارد. انجام چنین کاری اقدام بفرارتلقی شده‌و مورد فیرمحافظ قرارمی گیرد.

آنهائیکه‌به‌جرم انجام ندادن سهم معین کارخودبه‌اطاق های انفرادی انداخته‌میشوند، شرایط خیلی طاقت فرسایی را متحمل میگردند. ساعت شش صبح محافظین اردوگاه دروازهٔ همه‌اطاقهای انفرادی را به‌شدت می کوبندوفریاد بیداربا ش را سرمیدهند. بعداً برای رفع قضای حاجت و

شستن دست وروی زندانی ها را به بدرفت وتشناب میبرند . زمانی را که برای یک زندانی دربدرفت وشستن دست و روی میدهند خیلی کم است . زندانی به بسیار سرعت فقط قادر میشود که یک مرتبه به روی خود آب بریزد وهنوز دست خود را در مرتبهٔ دوم بسوی آب دراز نمی کند که چوب محافظ به پشت گردنش صدا میکند تا هرچه عاجل تربسوی محل که برای نوشیدن چای تعیین شده حرکت نماید . آنچه که بنام چای داده میشود فقط یک گیلاس آب جوش و ۴۵۰ گرام نان خشک است آنهم برای تمام روز وزندانی ازخوردن نان چاشت محروم است .

بسیار وقت اصلاً نوبت به بدرفت پیدا نمی شود وزندانی بدون رفع قضای حاجت به اطاق برمیگردد . درداخل اطاق ها سطلی قرار دارد که زندانی میتواند درآنجا رفع قضای حاجت کند اما سطل ها همانجا می مانند واجازهٔ بیرون بردن وپاک کردن آن نیست . زندانی ها ازبوی وتعفن رنج می برند وفریاد می کشند ولی به هیچ گوشی نمی رسد چپرکت که دراطاقهای انفرادی قرار دارد کاملاً برهنه وفاقد فرش است درنصف چپرکت به آن حد که شخص میتواند بنشیند تختهٔ چوبی قرار دارد ونصف دیگر چپرکت دارای سیم های نوک تیز است که زندانی نمی تواند پای خودرا دراز کند وبه استراحت بپردازد . زندانی مجبوراست درطول مدت که به اطاق انفرادی محبوس است پاهای خودرا جمع نموده بنشیند و نشسته بخوابد . بلند شدن وقدم زدن هم مجاز نیست . علاوه براینکه ساحهٔ اطاق خورداست ، محافظین ازپنجرهٔ کوچک اطاق ها همیشه نظاره میکنند تا زندانی بلند نشود وحرکت نکند اگر چنین کاری را انجام داد فقط افزایش مجازات را منتظر باشد . سرزندانی برهنه است وصرف همان پیراهن و تنبان اردوگاه دربدنش میباشد ودرغیراین پیراهن حق داخل کردن هیچ چیزی را درداخل اطاق ندارد ودوایم از

سردی می لرزد. بسیار افراد زندانی که این شرایط را نمی توانند تحمل کنند دست به خودکشی میزنند تا از رنج و عذاب دایمی نجات یابند. محافظین زندان و مأمورین (کی جی بی) از خودکشی کردن زندانی ها جلوگیری میکنند. آنها به زندانی ها میگویند که مرگ شما درحقیقت مجازات شما را ختم میکند. شما باید جزای خودرا ببینید، هروقتی از زندان آزاد شدید خودرا هلاک نمائید.

هرگاه جزای زندانی با لاترازانداختن به اطاقهای انفرادی تشخیص داده شود، آنگاه زندانی را درمحل دیگر یا اردوگاه دیگر که بنام سپتس یاد میشود نقل میدهند.

شرایط زندگی درسپتس ها واقعاً وحشت آور است. درسپتس یک اطاق برای سه نفر زندانی تخصیص داده شده است. این اطاق مانند قفس های آهنی است که درباغ وحش حیوانات درنده را دران نگهداری میکنند. زندانی از اطاق بیرون را دیده نمی تواند. زندگی او درانیجا خیلی وحشتناکتر از زندگی دراطاقهای انفرادی است. زندانی در اطاق انفرادی دریک دوره مجازات اضافه از پانزده روز نمی ماند ولبته این دوره ها میتواند به چندین پانزده روزیعنی چندین بار تمدید شود، ولی درسپتس ها چندین سال راسپری میکنند وحتی تمام عمررا.

زندانیهای سپتس به کار اجباری برده میشوند و شرایط کار آنها نسبت به سایر زندانی های که درمحل های عادی اردوگاه به کار گماشته میشوند مشکلتر است. افراد زندانی دراین جا از ملاقات با اقارب شان محروم هستند و طبعاً هیچ چیزی را از لباس و مواد غذایی بدست آورده نمی توانند.

حق خریداری هیچ چیزی را از غرفه ندارند و لباس مخصوص اردوگاه هم لباس کارشان است و هم لباس خواب شان از ین سبب خودکشی درسپتس ها زیاد است و بسیار وقت بسا زندانی ها ازفرط رنج و عذاب اعضای بدن خودرا ناقص می کنند،

جنگ چیست؟

همه میدانند که جنگ برخورد مسلحانهٔ دوطرف متخاصم جهت رسیدن بیک هدفی است که هریک از طرفین، آنرا درسر می پرورانند وجنگ پدیدهٔ اجتماعی است که باآغاز زندگی انسان بروی زمین بوقوع پیوسته است واین گفته بدین معنی نیست که وقوع جنگ درجوامع انسانی ضروری وبرای بشر اجتناب ناپذیرباشد، بلکه وقوع جنگ درمیان انسانها بنابرعواملی صورت میگیردکه بمیان آمدن آن عوامل سبب بروز جنگ میگرددورفع آن وقوع جنگ راکاملاً ازبین میبرد. مثلاً "قرآنکریم از اولین برخورد انسان، با همدیگر ازبرخوردهابیل وقابیل نام میبرد که درنتیجه‌ها بیل به‌شهادت رسیدوعامل آن سرپیچی قابیل از رعایت اطاعت قانون آسمانی همان وقت بودکه فرمان اطاعت آنرا خداوند "ج" توسط حضرت آدم "ع" برای فرزندان اوداده‌بود. اما قابیل از انقیاد واطاعت آن قانون سرباززدومستکبرانه‌وظالمانه‌برهابیل تاخت وهابیل رامظلومانه‌به‌شهادت رسانید. وبدینسان جنگ هائی که‌درطول تاریخ بوقوع پیوسته است ناشی ازهمین طغیان وسرپیچی

هشت مقاله

چگونه بجنگیم
تا پیروز شویم؟

تحلیل و بررسی
جنگ
جلال آباد

نقش انقلاب اسلامی
در ایجاد وحدت میان
مسلمانها

حفظ اصالت
حرکت جهادی در پرتو فرهنگ
اسلامی

ضرورت وحدت مسلمین

وضع زندانیان
در اردوگاه های کار
اجباری روسیه

نابودی کشور
پاکستان هدف استراتژیکی
روسهاست

هرات
سرزمین قیام ها و حماسه ها

نویسنده: محمد اکرام «اندیشمند»